



بیانیه سی و هشتمین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت ایران

صد و سیزده سال پس از انقلاب ملی - دموکراتیک مشروطه، که بر پرچم آن مبارزه علیه استبداد، بی قانونی و بیدادگری نقش بسته بود و ۶۷ سال پس از قیام تاریخی ۳۰ تیر، که توطئه شاه علیه دولت ملی و ضد استعماری دکتر محمد مصدق را نقش بر آب کرد، شورای ملی مقاومت ایران مصمم تر از همیشه و با گامهای استوار وارد سی و نهمین سال حیات خود می شود.

مبارزه بی امان با استعمار و استبداد مطلقه شاه و شیخ، هشیاری در مقابل توطئه های استعماری، برنتابیدن ارتجاع مذهبی، از شیخ فضل الله نوری تا خمینی، دفاع از حاکمیت ملی، مبارزه برای عدالت و حقوق دموکراتیک مردم، سنتهای جنبش رهایی بخش مردم ایران در انقلاب مشروطه و جنبش ملی شدن صنعت نفت است که از ۳۰ تیر سال ۱۳۶۰ تا کنون، شورا آن را نمایندگی می کند.

شورا درد و رنجی را که مردم ایران از ناکامی انقلاب مشروطیت، از کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و از غارت دستاوردهای انقلاب ضد سلطنتی در بهمن سال ۱۳۵۷ تحمل کردند، به نیروی مبارزه برای رهایی تبدیل کرد. بدین ترتیب هر قطره خونی که طی ۱۱۳ سال گذشته در مبارزه علیه ارتجاع و استعمار از پیکر نهضت رهایی بخش مردم ایران بر زمین ریخته، در نیروی مبارزه علیه رژیم ولایت فقیه ذخیره شد. راست این است که از ۳۰ تیر سال ۱۳۶۰، که شورا به ابتکار مسعود رجوی پایه گذاری شد، دستاوردهای انقلاب مشروطه و جنبش ملی شدن صنعت نفت و انقلاب ضد دیکتاتوری شاه، با وجود کلان توطئه ها و فراز و نشیبهای بسیار و هزینه های گزافی جانی و مالی، در این شورا نگاهبانی و احیا و فشرده شده است.

اکنون ۳۸ سال پس از ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ و ۱۰ سال پس از قیام ۳۰ خرداد سال ۱۳۸۸ و متعاقب آن قیام ۶ دی سال ۱۳۸۸ (روز عاشورا) و دو سال پس از قیامهای دی ماه ۱۳۹۶، شورا در حالی وارد سی و نهمین سال حیات خود می شود، که استبداد دینی حاکم بر کشور را به ضعیف ترین وضعیتش رسانده و در مسیر سرنگونی سوق داده است.

راهنمای عمل ما طی ۳۸ سال گذشته تکیه بر تضاد اصلی جامعه، یعنی تضاد بین مردم با رژیم حاکم و ضرورت قیام و سرنگونی استبداد دینی برای تحقق حاکمیت ملی و مردمی بوده است. اعتلای بحران انقلابی طی دو سال گذشته و ناتوانی ولایت خامنه ای در مهار جامعه و عصیان توده ها، صحت راهی را که ما برگزیده ایم اثبات کرده است. تأکید بر همین نقشه راه و پرداخت هزینه آن، همچنین بیهوده بودن توهم پراکنی «اصلاحات از درون حاکمیت»، ایجاد ترس و توهم در مورد «جنگ داخلی»، «تجزیه ایران» و «سوریه یی شدن» را برملا کرده است. در یک نگاه عمیق به قیامهای دی ماه سال ۱۳۹۶ و در بالاگرفتن شعارهای «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ خامنه ای»، «مرگ بر روحانی»، «مرگ بر اصل ولایت فقیه»، «آخوند خدایی می کند - ملت گدایی می کند»، «آخوندها حیا کنید - مملکتو رها کنید»، «اصلاح طلب، اصولگرا- دیگه تمومه ماجرا» و «می- جنگیم، می میریم، ایرانو پس می گیریم»، می توان عصاره رزم زنان و مردان ایران زمین در یک قرن گذشته و به ویژه در طی چهل سال حاکمیت ملّاه را دید.

این بزرگترین و پرشکوه ترین پیروزی برای خلق در زنجیر ماست که بدون اغراق با فداکاریها و از جان گذشتگیهای زنان و مردان ایران زمین و مقاومت سازمان یافته آنان میسر شده است.

از این رو، شورا وظیفه خود می داند که یاد و خاطره همه زنان و مردانی را، که در ۱۱۳ سال گذشته، برای استقلال و حاکمیت مردمی، برای دموکراسی و عدالت و برای نان، کار، آزادی به شهادت رسیدند، گرامی بدارد.

ما خاطره زنده یاد محمد سیدی کاشانی، عضو شورای ملی مقاومت و از مجاهدان پرتوان، که بیش از نیم قرن زندگی خود را در مبارزه مداوم علیه دو دیکتاتوری شاه و شیخ و در راه آزادی و عدالت گذراند و یاد مجاهد خلق عبدالله جعفر زاده، عضو دیگر شورا، را گرامی می داریم و به مقاومت دلیرانه زندانیان سیاسی، که پرچم

مقاومت و پایداری را برافراشته نگهداشته اند، درود می فرستیم و همبستگی خود را با تمامی خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی، که در راه و رسم آزادیخواهی فرزندان رشیدشان هستند، اعلام می کنیم. شورا به طور قاطع و مداوم از «مبارزات و خیزشهای مردمی، جنبشهای خاموشی ناپذیر و مستمر کارگران، معلمان، کشاورزان، پرستاران، بازاریان و کسبه، جوانان و حرکتهای حق طلبانه ملیتها و مردم به پاخاسته در مناطق مختلف میهنمان، که در چار گوشه ایران درفش مبارزه برای سرنگونی استبداد دینی و تحقق استقلال و آزادی و نفی هرگونه تبعیض جنسی، ملی و مذهبی را، با قبول همه مخاطرات و هزینه های آن، برافراشته نگهداشته اند، حمایت کرده و برای رساندن صدای این جنبشها به گوش عموم مردم ایران و جهان کوشیده است» (بیانیه سال قبل شورا).

شورا از تلاشهای خستگی ناپذیر خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده شورا برای دوران انتقال حاکمیت به مردم ایران، در افشا و محکومیت بین المللی جنایات سرکوبگرانه و موج اعدامها و شکنجه زندانیان، در حمایت کامل از قیام مردم ایران برای سرنگونی رژیم و در رویارویی با بنیادگرایی و تروریسم برخاسته از خلافت خمینی و خامنه ای و همبستگی با ملت های رنج دیده از این پدیده شوم، قدردانی می کند.

در سال گذشته ادامه بحران انقلابی در جامعه، ضعف و فرورفتن هرچه بیشتر رژیم در گرداب بحرانها و چالشهای داخلی و جهانی، فقدان ابتکار عمل ولی فقیه برای مهار این بحرانها، قوران خشم اقشار گوناگون مردم، که خود را در هزاران حرکت اعتراضی نشان داد، تداوم وضعیت انفجاری جامعه، تشدید تضاد کم سابقه در هرم قدرت و بالاخره، تکامل قطب بندی سیاسی بین مقاومت سازمان یافته و استبداد دینی در زمینه سیاسی و اجتماعی، همچنان جریان داشت و مسیر تکامل خود را طی نمود.

در رزم روزانه مردم ایران برای رهایی از فقر و فلاکتی که گریبانگیر آنان شده، شورا به مداخله جدی برای به سرانجام رساندن این مبارزه از طریق سرنگونی رژیم ولایت فقیه و همه دسته بندیها و باندهای درونی آن و پیروزی انقلاب دموکراتیک مردم ایران اقدام کرد. شورا و مقاومت سازمان یافته به عنوان نیروی اصلی برای سرنگونی رژیم و به عنوان تنها آلترناتیو دموکراتیک برای انتقال حاکمیت به مردم، به مسئولیت خود عمل کرده و تحولات یک سال گذشته این موقعیت و مسئولیت را بیش از همیشه ضروری و برجسته کرده است.

رخداد های یک سال گذشته در زمینه تشدید تضاد در درون هرم قدرت، تشدید تضاد رژیم با کشورهای دیگر و اعتلای کم سابقه جنبشهای اجتماعی و همبستگی بی نظیر مردمی با هموطنان سیل زده در استانهای مختلف کشور، نشان از آن دارد که جامعه در شرایط انقلابی قرار دارد و غلبه بر تمام فجایعی که محصول حاکمیت استبداد دینی است، با سرنگونی نظام جهل و جنایت حاکم بر کشور آغاز خواهد شد.

هم چنان که مسئول شورای ملی مقاومت در پیام شماره ۱۱ ارتش آزادیبخش ملی ایران در ۱۲ آبان ۱۳۹۷ اعلام کرد: «با گسستن بندهای مماشات و استمالت، که آخوندهای ضد بشر را سه دهه در ناز و نعمت فرو برده بود، وارد دوران آماده باش می شویم. هر چند طول بکشد و هر چند نشیب و فراز داشته باشد، سرنگونی دشمن ضدبشری محتوم است. ارتش آزادی قبل از هر چیز باید عزم جزم کند و برای آماده سازی خود در دریای شورش و انقلاب شیرجه بزند. شمشیرها را باید جلا و صیقل داد... اصل موضوع چیست؟ اصل موضوع را به روشنی می توان در شکافتن هسته قیامی دریافت که از دی ماه ۱۳۹۶ سرپای رژیم را درنور دیده و به لرزه سرنگونی افکنده است. رژیم آخوندها در تمامیت و با تمام دسته بندیهایش به طور کیفی تضعیف شده است. شرایط به عقب بر نمی گردد و آتش قیامها خاموشی نمی پذیرد».

شورای ملی مقاومت از طریق انتشار نتیجه بحثهای اجلاسهای میان دوره ای، از طریق روشنگریهای کمیسیونها و سازمانها و شخصیت های عضو شورا و به ویژه از طریق سخنرانیها و موضع گیریهای خانم رجوی، مواضع خود را به اطلاع عموم رسانده است.

بیانیه حاضر، شرح آهه وقایع و جمع بندی و فشرده یی از ارزیابی ما پیرامون مهمترین تحولاتی است که با سرنوشت مردم و مقاومت سازمان یافته ایران پیوند دارد.

فصل اول:

تعمیق بحران انقلابی، پس لرزه های قیام

۱- قیامهای سراسری دی ماه سال ۱۳۹۶ آن چنان لرزه یی بر پیکر ولایت خامنه ای انداخت که پس لرزه ها و ادامه آن در یک سال گذشته برای حاکمیت بسی ترسناک تر از آن خیزشها بود. بدون هرگونه اغراق و گزافه گویی، آنچه به طور عینی در صحنه جامعه وجود داشت، ما را به این نتیجه می رساند که سال ۱۳۹۷ برای رژیم ولایت فقیه سخت ترین و پرمخاطره ترین سال طی عمر ننگین رژیم بوده است. حاکمیت در محاصره

بحرانهای بی‌علاج درونی و بیرونی دست و پا می‌زند، ولی فقیه نظام، جا به جا، به خاطر این که در این سال سرنگون نشده به خودش و به کارگزاران و عمله و آکره نظام در سپاه و بسیج تزریق روحیه می‌کند و همزمان برای سال ۱۳۹۸ هشدار می‌دهد که «همه باید حواس‌شان جمع باشد»!

خامنه‌ای در یک سخنرانی برای خانواده‌های قربانیان جنگ رژیم در سوریه می‌گوید: «نقشه‌های آمریکا در مورد ملت ایران [بخوانید ولی فقیه نظام] لو رفته. نقشه‌ی‌ی که بتوانند آن را عمل بکنند و ضربه وارد کنند دیگر ندارند، هر کاری که می‌توانستند کرده‌اند، نقشه‌های آینده‌شان هم لو رفته است. هدف و نقشه آمریکا با این کارهای اخیر - این کارهایی که در این یکی دو سال گذشته کردند که قلم درشتش تحریم همه جانبه اقتصادی است - و کارهایی که دارند می‌کنند، توطئه‌هایی که دارند می‌کنند که مأمورین مخصوصی برای مقابله با [رژیم] ایران می‌گذارند، به دشمنان گوناگون ایران - منافقین [مجاهدین خلق] و امثال اینها - کمک می‌کنند، این است که بلکه بتوانند به کمک تحریم و به کمک کارهای ضدامنیتی و مانند اینها در جمهوری اسلامی، در کشور عزیز ایران اسلامی [نظام] ما دو دستگی و اختلاف و جنگ داخلی و مشکلات ایجاد کنند؛ هدفشان این است، همه تلاش خودشان را هم در این راه مصرف کردند. اینها اول امسال که سال ۹۷ است - یا اندکی قبل از امسال، اوایل سال جاری مسیحی - اعلام کردند که ایران تابستان داغی خواهد داشت؛ مقصودشان این بود که ما در تابستان به سراغ ایران می‌رویم و نقشه‌های ما در ایران تحقق پیدا خواهد کرد؛ یعنی همین اختلاف و دعوا و این را بکیش به خیابان و آن را بیاور در عرصه و بین این گروه با آن گروه، آن گروه با آن گروه دیگر، جنگ راه می‌اندازیم، دعوا راه می‌اندازیم؛ هدف‌شان این بود. به کوری چشم آنها تابستان امسال یکی از بهترین تابستانهای سال بود... این که اینها گفتند در سال ۹۷ ما چنین می‌کنیم، چنان می‌کنیم و نقشه‌هایی را برای جمهوری اسلامی ابراز کردند - یعنی در واقع نقشه‌شان لو رفت - این ممکن است فریب باشد؛ ممکن است جنجال را برای سال ۹۷ بکنند، نقشه را برای سال ۹۸ بکشند؛ من باب مثال، همه باید حواس‌شان جمع باشد» (سایت خامنه‌ای، ۲۱ آذر ۱۳۹۷).

۲- در باره این روضه خوانی خامنه‌ای دونکته به هم پیوسته قابل توجه است:

- اول آن که، خامنه‌ای به دروغ مدّعی می‌شود که «تابستان امسال [۱۳۹۷] یکی از بهترین تابستانهای سال بود». این ادّعای مضحک با مرور رویدادهای تابستان سال گذشته برملا می‌شود. در سه ماهه تابستان ۱۳۹۷ نزدیک به سه هزار حرکت اعتراضی از جانب اقشار گوناگون جامعه در سراسر ایران صورت گرفت. به طور مثال، در روز سه شنبه ۲۳ مرداد، دور دوم اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و خودروهای سنگین میان جاده‌ی پس از ۲۳ روز متوالی و گسترش آن در ۲۰۰ شهر از ۳۱ استان کشور که با در نظر گرفتن تکرار اعتصاب در بسیاری از شهرها بیش از ۱۶۰۰ روز را شامل می‌شود، پس از تحقّق برخی از خواسته‌های رانندگان به طور موقت پایان یافت.

همچنین در تابستان سال گذشته شاهد جنبش پرشور کشاورزان شرق اصفهان در ورزنه و ... بودیم. یک نمونه برجسته آن در روز دوشنبه ۴ تیر بود که کشاورزان ورزنه به تجمعشان در میدان دروازه عباس این شهر ادامه دادند. سپس به تظاهرات در خیابانهای شهر پرداختند. زنان و دانش آموزان و فرزندان کشاورزان نیز در این تجمع و تظاهرات شرکت کرده بودند. شعار تظاهرکنندگان عبارت بود از :

«ای مردم ستمکش اتحاد، اتحاد/ روحانی دروغگو، زاینده رود ما کو؟/ می ایستیم، می جنگیم حقمونو می گیریم» و...

وقتی خامنه‌ای دشمن خارجی را برجسته می‌کند، می‌خواهد دشمن اصلی را که مردم ایران هستند لاپوشانی کند. خامنه‌ای از همین دشمن می‌ترسد و هشدار می‌دهد.

در توصیف «بهترین تابستان» در ولایت خامنه‌ای و اتفاقاتی که در صحنه اقتصادی و سیاسی کشور جریان داشت، همتی، رئیس کل بانک مرکزی رژیم، که در همان تابستان (۳ مرداد ۹۷) روی کار آمد، روز ۱۸ مرداد ۹۸ به تلویزیون حکومتی گفت: «از این یک سالی که گذشته است واقعاً می‌توانم بگویم ۶ ماه اول سال شب‌ها خواب نمی‌برد. این که بتوانیم آن فشاری که وجود دارد را کنترل کنیم. خود مردم می‌دانند نیمه تابستان به بعد ۹۷ چه اتفاقی در صحنه اقتصادی و سیاسی کشور افتاد» (تلویزیون رژیم، ۱۸ مرداد ۹۸).

نکته دوم در روضه خوانی خامنه‌ای، که آن هم یک دروغ بزرگ و چهل ساله است، نسبت دادن قیامهای مردم ایران به «نقشه‌های آمریکا»ست. برخلاف ادّعای خامنه‌ای طی چهل سال گذشته همواره و بدون استثنا، سیاست آمریکا و کلیه قدرتهای جهانی در مورد رژیم ایران حمایت و مماشات با استبداد مذهبی بوده است؛ سیاستی که ده سال پیش در قیامهای سالهای ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ در کف خیابان به شعار مردمی «اوباما! اوباما! یا با اونا یا باما»، راه برد و آمریکا در کنار «اونا» که همین خامنه‌ای باشد، ایستاد و طی هشت سال بعد با دور

زدن شش قطعه‌نامه شورای امنیت، یک برجام با غنی سازی، همراه با یک میلیارد و هشتصد هزار دلار پول نقد و ۱۵۰ میلیارد دلار غیر نقد هم رویش گذاشت.

در حال حاضر هم اگر چه به این سیاست مداخلات در آمریکا ضربه جدی وارد شده، ولی اصحاب آمریکایی آن همراه با تمامی قدرتهای جهانی دیگر با تمام قوا به آن چسبیده اند و دولت کنونی آمریکا هم بارها گفته و می‌گوید که نه در پی جنگ با رژیم است، نه در پی تغییر رژیم.

۲- در حالی که مشوقهای سیاست مداخلات همراه با چشم بستن بر نقض حقوق بشر و قتل عام و اعدام و شلاق و توحش رسمی و قانونی شده در دیکتاتوری دینی آن قدر عیان است که حاجت به بیان ندارد، این ادعای خامنه ای که مخالفتهای جامعه را به «نقشه آمریکا» ربط می دهد، فقط تکرار مبتذل ترفند دیکتاتورهای به آخر خط رسیده است. شاه در برابر انقلاب و قیام به همین راه رفت. شیخ هم در مواجهه با بحران انقلابی و توفان قیام می گوید هیچ تحولی در جامعه علیه حاکمیت نیست؛ مگر این که ناشی از توطئه دشمن باشد!

این سیاست تبلیغاتی را مردم ایران از خمینی تا خامنه ای به تعداد طلوع و غروب خورشید در چهار دهه گذشته تجربه کرده اند. باید یادآوری نمود که خمینی و خامنه ای با این سیاست تبلیغاتی، چه جنایتها که علیه مخالفان حکومت طی این چهار دهه مرتکب نشده اند. این سیاست در واقع یک ناندانی اعمال دیکتاتوری برای ارتجاع آخوندی بوده و هست. تمام دستگاه و تدارکات و موقعیتهای تبلیغاتی، اعم از نماز جمعه و مسجد و رادیو و تلویزیون حکومت آخوندی در اختیار پیشبرد این خط علیه مردم و مخالفان ولایت فقیه بوده و هست.

با این همه، تبلیغات کلان حکومت برای لاپوشانی کردن دشمن واقعی و اصلی نظام، یعنی مردم ایران و مقاومت سازمانیافته آنان، نتوانسته و نمی تواند فرسایش و اضمحلال رژیم ولایت فقیه در مقابل این مقاومت و تعمیق قیام و انقلابی را، که روز به روز ضروری تر می شود، بپوشاند. این واقعیت آن قدر سترگ است که خود را نه فقط در سپهر سیاسی ایران از نگاه هر ناظر خارجی، بلکه حتی بر زبان ولی فقیه نیز تحمیل می کند.

ده سال پیش، وقتی که در قیامهای سال ۱۳۸۸ میلیونها تن از زنان و مردان ایران زمین اتوریته ولایت خامنه ای را در کف خیابان لگدمال کردند، ولی فقیه اعتراف کرد که مردم در حرکتی «ساختارشکنانه»، «اصل ولایت فقیه» را نشانه گرفته اند. اوج جنبش توده یی در سال ۱۳۸۸ در روز ۶ دی ماه (عاشورا) پُرشکوه ترین جنبش مردمی تا آن تاریخ را با شعار «مرگ بر اصل ولایت فقیه، مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای» در مقابل چشم همگان قرارداد. از آن پس تا روز ۷ دی سال ۱۳۹۶، مردم ایران و به ویژه نیروهای کار و زحمت با هزاران حرکت اعتراضی کوچک و بزرگ، نظام چهل و جنایت ملاها را به چالش کشیدند.

خامنه ای با سرکوبهای وحشیانه خیزشهای سال ۱۳۸۸ را مهار کرد. اما خلق ما در روز ۷ دیماه سال ۱۳۹۶ یک بار دیگر مارش طفرنمون آزادی را در پیکار علیه استبداد مذهبی شروع کرد. قیامهای ده روزه در سراسر ایران بیان مبارزاتی خواست مردم ایران برای رهایی از سلطه نظام ولایت فقیه و تحقق آزادی و عدالت بود. خشم مردم ایران در برابر سرکوبهای وحشیانه که از ۶ دی ماه ۱۳۸۸ آغاز شده بود، در روز ۷ دی ۱۳۹۶ به نقطه انفجار رسید. خیزشهای سراسری رعبه بر اندام رژیم انداخت و اراده مردم برای سرنگونی را به جهانیان اعلام کرد. خامنه ای با مهار قیامهای سال ۱۳۸۸ باد کاشته بود و در دیماه سال ۱۳۹۶ توفانی مهیب درو کرد. یک سال و نیم پس از روزهای پرشکوه نیمه اول دی ماه ۱۳۹۶، جامعه ما همچنان در شرایط انقلابی قرار گرفته و تب و تاب تغییر تمامی پیکر جامعه را دربر گرفته است.

۴- واقعیتِ تعمیق بحران انقلابی در این ده سال خودش را بر زبان احمد علّام الهُدی، امام جمعه و نماینده خامنه‌ای در مشهد در روز ۷ دی ۱۳۹۷ بدین گونه تحمیل کرده است: «فتنه ۸۸ گذشت، ۹ سال هم از آن سپری شد اما آن که مهم هست برای ما فتنه ۹۸ هست که در سال دهم فتنه ۸۸ هست. مقام معظم رهبری در بعضی از فرمایشاتشان اخیراً فرمودند که استکبار جهانی و دشمن در سال ۹۷ که الآن هست، دارد زمینه سازیها و زمینه چینی هایی می کنند برای فتنه ۹۸ یعنی دشمن درصدد هست در سال ۹۸ فتنه از نوع فتنه سال ۸۸ ایجاد کند، از الآن هم مشغول زمینه سازی برای آن فتنه است ... یعنی همانطور که در فتنه ۸۸ دشمن در یک جریانی از اصل آن کسی که جریان به آن مربوط بود، عبور کرد و آمد مقابل رهبری ایستاد، در فتنه ۹۸ هم همین است. یعنی، در فتنه ۹۸ نقشه دشمن این است، مشکلات معیشتی، مشکلات اقتصادی، ناتوانی مردم، استیصال قشر آسیب پذیر در عرصه زندگی، اینها، را وسیله کند که هیچکدام اینها مربوط به رهبری نیست، مربوط به سوءمدیریت مسئولین است، مربوط به سوء تدبیر کسانی است که در دولت و مجلس یا طراح و برنامه ریزند یا مجریند. اینها را به حساب رهبری گذاشتند. از همین الآن هم مطلب را به حساب

رهبری گذاشتند و در سال ۹۸ هم این را وسیله کنند برای حمله به رهبری و ولایت، دو خصوصیت اول فتنه ۸۸ را دشمن در سال ۹۸ تکرار کند».

در آن سوی طیف باندهای حکومتی هم، سعید حجاریان انباشت نارضایتی و تعمیق بحران را با سیل فروردین ۹۸ مقایسه می کند و در باره طغیان توده ها و دچار شدن رژیم آخوندی به سرنوشت رژیم شاه هشدار می دهد: «غیرمترقبه بودن و پایش نشدن، در طبیعت، به سیل خیابانی و در سیاست، به حضور توده یی می انجامد. وقایع دیماه ۱۳۹۶ شاهد این مثال است. چنانچه پیش از آن نقاط بحران خیز و عوامل بحران زا و همچنین مطالبات معوق شناسایی می شد، اعتراضات دیماه قابل پیش بینی و مدیریت بود. پایش نشدن و تبعات را می توان به انقلاب اسلامی نیز تعمیم داد. شاه تا مقطعی نسبت به آنچه در لایه های زیرین جامعه می گذشت بی اطلاع و یا بی تفاوت بود تا زمانی که یکباره اعلام کرد، "صدای انقلاب شما را شنیدم" (مخبر نیوز، ۹ فروردین ۱۳۹۸).

حجاریان در نیمه مرداد ۹۸ به واقعیتی اذعان می کند که گواه تعمیق بحران انقلابی و اصالت قیامهای سراسری است که در شعارهای خود پایان ماجرای شیدانه «اصلاح طلب - اصولگرا» را اعلام کرد. او در هشدار به باند غالب حاکمیت، می نویسد: «اگر شرایطی به وجود بیاید و مانند کشورهای دموکراتیک پلاستیک گلخانه را بردارند و انتخابات شفاف شود و هیچ گونه حمایتی صورت نگیرد، نه تو مانی و نه من! نه اصولگرایی باقی می ماند و نه اصلاح طلبی» (سایت سازندگی، ۱۴ مرداد ۱۳۹۸).

فصل دوم:

فروپاشی برجام، احمدی نژادی شدن روحانی

۵- فروپاشی برجام، که مسئول شورای ملی مقاومت تحریم ظریف را «تیر خلاص» آن و «ترکیدن بادکنک دولت اعتدالی» توصیف کرده، در سرنوشت رژیم آخوندی اهمیتی بسا فراتر از نافرجامی یک توافق دارد. مسئول شورا در این خصوص می گوید: «طناب تحریم بر گردن ظریف پیچیده شد. همزاد قاسم سلیمانی، کارچاق کن و پاچالدار بین المللی ولایت در مقام وزیر خارجه دولت اعتدالی، که به امید استحاله رژیم توسط دولت سابق آمریکا باد شده بود، همچون بادکنک ترکید. این به مثابه تیر خلاص به برجام و دولت اعتدالی آخوند روحانی است ... واقعیت این است که دیپلوماسی گریز از سرنگونی در رژیم آخوندی، به "آکروپاسی دریایی" به معنی "بندبازی های آبکی" در خلیج فارس و دریای عمان راه برده است. خامنه ای به این دل بسته است که با بمب گذاری و توقیف کشتی ها فشار آمریکا کم یا متوقف خواهد شد و الا باخت رژیم قطعی است. از حق نگذریم خامنه ای در این شرایط یعنی تعادل قوای بسیار نابرابر، به خوبی دریافته است که مذاکره برای رژیمش "سم مضاعف" است.

از طرف دیگر، رژیم اطمینان دارد که آمریکا سر جنگ ندارد و خلیفه ارتجاع پیوسته از این بابت به وارفتگان ولایت اطمینان خاطر می دهد. رژیم از این رو با تمام قوا می کوشد خود را از این ستون به آن ستون، هر طور شده تا انتخابات آمریکا بکشانند. از تزریق مصنوعی دلار به بازار تا تزریق افزوده بسیجی و پاسدار برای مهار اوضاع به هر شهر و دیار. رئیسی و رازینی و پورمحمدی و سایر دژخیمان به همین منظور به صحنه آمده اند تا به گفته خودشان با مجاهدین تصفیه حساب کنند.

ظریف، کف بر دهان، در خصومت جنون آمیز با مجاهدین، هیچ چیز از رئیسی و پورمحمدی کم ندارد. گوش کنید : "در ۱۹۹۸ آمریکا مجاهدین خلق را در لیست تروریستی قرار داد و در ۲۰۱۲ آنها مجاهدین خلق را از لیست خارج کردند. این یک بازی است. این بازی لازم است متوقف شود. یک تروریست، یک تروریست است. تروریستها تغییر نمی کنند. رودی جولایانی روز گذشته برای مجاهدین خلق سخنرانی کرد. جان بولتون برای مجاهدین خلق سخنرانی کرده است" (کنفرانس مونیخ - ۲۸ بهمن ۹۷).

اکنون سؤال این است که آیا رژیم ولایت فقیه می تواند وضعیت انفجاری جامعه و قیامهای در تقدیر را تا سرفصل انتخابات آمریکا، که رژیم به آن چشم دوخته، مهار کند یا خیر؟ آیا می تواند با زدن و بستن و تصفیه حساب با مجاهدین، جلو قیام را بگیرد یا خیر؟ جواب بسیار روشن است: هرگز نمی تواند و نباید اجازه داد. این حرف خلق قهرمان، کانونهای شورشی و ارتش آزادیست. وای اگر از پس امروز بود فردایی» (اطلاعیه شماره ۱۴ ارتش آزادیبخش ملی ایران، ۱۰ مرداد ۱۳۹۸).

۶- در اوج مذاکرات برجام با صحنه گردانی ظریف، خامنه ای برای قاپیدن سیاسی آن از دست روحانی، در روز ۵ تیر ۱۳۹۴ خودش را شروع کننده مذاکره با آمریکا از طریق «یکی از محترمین منطقه» معرفی کرد و گفت: «این

مذاکراتی که در واقع فراتر از مذاکرات ما با پنج به علاوه یک است، مذاکره با آمریکاییهاست. متقاضی مذاکرات آمریکاییها بودند، مربوط به زمان دولت دهم هم هست. قبل از آمدن این دولت این مذاکرات شروع شد». خامنه ای که مذاکرات برجام را تحت عنوان «نرمش قهرمانانه» تئوریزه کرده بود آن را در تمامی جزئیات اداره کرد و پس از نهایه شدن توافق وین، از آن به عنوان یک چتر امنیتی - سیاسی و استمرار سیاست مداخلات، تضمین فروش نفت برای مصارف سرکوبگرانه و جنگ افروزان در خدمت حفظ نظام، بهره برداری کرد. اما با خروج آمریکا از برجام در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ دفتر حسابهای رژیم به کلی درهم ریخت و حکومت آخوندها در تمامیت آن با وضعیتی مواجه شد که سعید حجاریان در مرداد ۹۷ آن را «وضعیت استثنا» و «فروپاشی دولت روحانی» تعریف کرد و گفت: «واقعیت این است که روحانی تنها یک پروژه داشت، و زمانی که آن پروژه یعنی برجام با دست انداز مواجه شد، گویی کابینه از درون فرو ریخت. به نحوی که بعضی وزرا سودای رفتن دارند، بعضی مشاوران جدا شدند و قس علی هذا... مهم ترین وظیفه دولت نرمال کردن بود. البته دولتی ها مهم ترین وظیفه شان را برجام تعریف کردند. ولی به هر ترتیب، دولت اکنون در هر دو مورد ناموفق بوده است، به نحوی که متأسفانه مجدداً وارد وضعیت استثنا شده ایم ... اکنون ترامپ همچون بولدوزر در حال حرکت است. از طرف دیگر می بینیم، مسائلی که ایران در آن ها نقش آفرینی کرده بدون حضورش در حال مرتفع شدن است. یمن، سوریه و عراق همگی مثال های خوبی هستند که نشان می دهند ایران به میدان وارد شد، هزینه کرد ولی سودی عایدش نشد. فی الواقع متحدان اسمی، در حال خارج کردن ایران از معادلات منطقه یی هستند. خلاصه آن که، آمریکا از ما می خواست در سیاست منطقه یی کمرنگ شویم، ناگزیر شدیم. پس دعوای منطقه یی ما تمام شده است و باز هم به مبحث سیاست داخلی بازگشتیم».

او اذعان می کند پروژه هسته یی رژیم در عمل به یک «شر» برای حکومت تبدیل شده بود که فقط باید از آن خلاص می شد. او می گوید: «معتقدم حداقل خاصیت برجام این بوده است که ما را از شر پروژه هسته یی که هیچ فایده یی بر آن مترتب نبود و فقط هزینه به کشور تحمیل می کرد، رها کرد. تولید گازهای UF6 و همچنین کیک زرد در داخل ممکن نبود و آن ها را باید از کشورهای دیگر خریداری می کردیم و قطعاً خارجی ها به ما روی خوش نشان نمی دادند. در واقع اگر تمام ظرفیت معادن ساغند و گچین استخراج می شد، نمی توانست خوراک یک سال نیروگاه بوشهر را تأمین کند. من نمی خواهم به جزئیات فنی ورود کنم، اما این که پروژه هسته یی بسته شد و در حد آزمایشگاهی باقی ماند، مهم ترین دستاورد برجام است» (نشریه «ایران فردا»، شماره ۴۱، مرداد ۱۳۹۷).

۷- شکست مضاعف خامنه ای در پروژه اتمی و سپس در فروپاشی برجام، مانند شکست خمینی در جنگ هشت ساله، یک شکست استراتژیک در رویارویی با جنبش مقاومت برای سرنگونی این رژیم نامشروع است. علی لاریجانی، رئیس مجلس رژیم، روز ۱۱ تیر ۱۳۹۸ با تأسف و تلخ کامی بسیار از شکست پروژه اتمی و برجام و تحریم خامنه ای گفت: «شما در کوران پیشرفتهای ایران در مسأله هسته یی یک مرتبه یک ماجرای را خلق کردید. حدود ۲۰ سال پیش، موقعی که منافقین [سازمان مجاهدین خلق] آمدند و آن ماجرا را ایجاد کردند در مسأله هسته یی و برادعی آمد ایران و سر و صدا آمریکاییها راه اندختند و سر و صدایی در دنیا به وجود آمده بود که چرا دارد این کار را می کند، چطور ضوابط آژانس را رعایت نمی کنند و شروع کردند عملیات روانی علیه ایران در صحنه بین المللی ایجاد کردند و بعد فشار ایجاد کردند و بعد امروز تقریباً ۲۰ ساله هست که ما تو این ماجرا هستیم. چرا؟ ایران که می گوید من سلاح هسته یی نمی خواهم بسازم، وقتی رهبر انقلاب که مرجع تقلید است، فتوا صادر می کند که این حرام است، بعید است اینها بفهمند این را، ولی به هر حال این قابل تغییر نیست، خیلی آدم تأسف می خورد که اخیراً دیدیم آقای ترامپ رهبری را تحریم کردند. خوب تحریم بکنید، جی دارد ایشان که شما تحریم بکنید»، (تلویزیون رژیم ۱۱ تیر ۱۳۹۸).

درباره کارزار شورای ملی مقاومت ایران در مقابله با پروژه شوم اتمی، که مهمترین فرصت سازی حکومت آخوندها پس از جنگ ضد میهنی را به تهدیدی مرگبار برای فاشیسم مذهبی تبدیل کرده، ما ۱۳ سال پیش (مرداد ۱۳۸۵) در بیانیه سالانه شورا نوشتیم: «طی دودهة گذشته و به ویژه در سه سال اخیر، شورای ملی مقاومت نه فقط افشاگر طرحهای اتمی رژیم بلکه پیشگام و مروج یک سیاست قاطع در برابر طرحهای اتمی رژیم، در مقابل سیاست فاجعه آفرین مداخلات بود که هنوز هم سیاست غالب است. این نقش هدایتگر و سمت دهنده، نه تنها ادای وظیفه در قبال ملت و دفاع از مصالح عالی کشور، بلکه همچنین خدمتی به جامعه جهانی در راستای صلح و ثبات منطقه پر آشوب خاور میانه است. درست به همین دلیل، این مسیر و این سیاست شورای ملی مقاومت در داخل و خارج کشور با تظاهرات و شعارهای پرطنین مردم ایران و هم چنین در سطح بین المللی با حمایت وسیع نمایندگان ملتهای مختلف در پارلمانها رو به رو شده است.

سردمداران رژیم بارها خشم و کین خود را از این سیاست پیشرو و صلح دوستانه و از روشنگریهایی که مرهون فداکاری نیروها و حامیان این مقاومت در میان دانشمندان و اқشار مختلف جامعه ایران است، ابراز داشته‌اند» (بیانیه شورای ملی مقاومت، ۱۴ مرداد ۱۳۸۵).

۸- پانزده سال پیش نیز در توضیح مبانی سیاست شورا و اهمیت تعیین کننده افشای مراکز اتمی نطنز و اراک در مرداد سال ۱۳۸۱ در بیانیه سالانه شورا آمده بود: «در مقابل سیاست تعرض و تجاوز رژیم و در برابر سیاست استفاده از سلاح اتمی به منظور صدور ترور و بنیادگرایی اسلامی، سیاستی بر اساس منافع عالی مردم ایران اتخاذ کرده و تا هر جا که بتواند نقشه‌های ضد مردمی و ضد ایرانی رژیم را افشا می‌کند. ما به حکم احساس مسئولیت انسانی، ملی و میهنی و مواضع صلح‌طلبانه خود، به افشای مراکز مخفی، که حکومت آخوندی برای تولید بمب اتمی در شهرهای نطنز و اراک به وجود آورده بود، پرداختیم تا مراجع مسئول بین‌المللی از وقوع این فاجعه جلوگیری کنند. اگر این روشنگریها وجود نداشت و اگر رژیم در همین حد هم به لحاظ موضوع پروژه‌های اتمی زیر نظارت قرار نمی‌گرفت، چه بسا تا کنون جهان را با روکردن سلاح اتمی غافلگیر کرده بود. به گزارش بی.بی.سی در ۱۵ آذر ۸۲، سخنگوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت: ایران در حال انجام آزمایشهای متعددی بود. آنها به عنوان مثال تنها چیزی کمتر از یک گرم پلوتونیوم را به دست آورده بودند و از چند دستگاه سانتریفوژ استفاده می‌کردند. برای بازرسان، بدون این‌که اطلاعاتی در این مورد داشته باشند، کشف این آزمایشها ساده نبود، چرا که ایران کشور بسیار بزرگی است و هر قدر هم کار بازرسی دقیق انجام می‌شد، لزوماً نمی‌شد انتظار داشت که این موارد کشف شوند. ما به اطلاعات نیاز داشتیم و در نهایت از طریق یک گروه مخالف ایرانی، که به عنوان مثال در مورد تجهیزات نطنز و اراک اطلاعات دادند، این اطلاعات را به دست آوردیم. از ماه اوت بود که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با دنبال کردن این اطلاعات گام به گام پیش رفت و در مورد یافته‌ها از ایران توضیح خواست و جزء جزء این معما را کشف کرد» (بیانیه شورای ملی مقاومت، مرداد ۱۳۸۳).

۹- مقاومت ایران در قبال توافق اتمی در همان روزی که در وین نهایی شد، مواضعی اتخاذ کرد که درستی نکته به نکته آن، امروز به اثبات رسیده است. خانم مریم رجوی، این توافق را با وجود «همه کمبودها و امتیازهای ناموجهی که در آن به رژیم ملایان داده شده، یک عقب نشینی تحمیلی برای خامنه ای دانست» اما تأکید و تصریح کرد: «دور زدن شش قطعنامه شورای امنیت و یک توافق بدون امضا، که الزامات یک معاهده رسمی بین المللی را ندارد، البته راه فریبکاری ملایان و دستیابی آنها به بمب اتمی را نمی بندد. با این همه همین میزان عقب نشینی، هژمونی خامنه ای را همچنان که مقاومت ایران از قبل خاطرنشان کرده است، در هم می شکند و تمامیت فاشیسم دینی را تضعیف و متزلزل می کند... اگر کشورهای ۵+۱ قاطعیت به خرج می دادند رژیم ایران هیچ چاره یی جز عقب نشینی کامل و دست کشیدن دائمی از تلاش برای دستیابی به بمب اتمی و مشخصاً دست برداشتن از هرگونه غنی سازی و تعطیل کامل پروژه های بمب سازی نداشت. اکنون هم باید با قاطعیت بر روی عدم دخالت و خلع ید از رژیم در سراسر منطقه خاور میانه پافشاری کنند».

خانم رجوی در مورد پولهای نقدی که به جیب ملاها ریخته می شود نیز گفت: این پولها «باید تحت کنترل شدید سازمان ملل صرف نیازمندیهای مبرم مردم ایران، به ویژه حقوق اندک و پرداخت نشده کارگران و معلمان و پرستاران و تأمین غذا و دارو برای توده مردم شود، در غیر این صورت خامنه ای پولها را کماکان در چارچوب سیاست صدور تروریسم و ارتجاع به عراق و سوریه و یمن و لبنان سرازیر می کند و قبل از همه، جیب پاسداران نظام را پُرتر از همیشه می کند» (اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت، ۲۳ تیر ۱۳۹۴).

۱۰- چند ماه قبل از امضای برجام نیز، در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴ رئیس جمهور برگزیده شورا تصریح کرده بود: «پروژه های اتمی، تماماً ضد ملی است و مردم ایران عمیقاً با آن مخالفند. ما رو در روی این رژیم یک ایران دموکراتیک و غیر اتمی می خواهیم. دستیابی به بمب اتمی، نقض حقوق بشر و صدور بنیادگرایی و تروریسم، چهار ستون تئوکراسی حاکم است. حقوق بشر در داخل ایران و خلع ید از آخوندها در خارج از ایران و مشخصاً در عراق و سوریه و لبنان و یمن و افغانستان، شاخصهای واقعی هستند که نشان می دهند این رژیم از بمب اتمی دست کشیده است. هر چیزی کمتر از این در هر لفافه یی هم که پیچیده و عرضه شود، خودفریبی و قبول کردن فاجعه ملایان مجهز به بمب است... تجربه مقاومت نشان داده است که آخوندها تنها زبان قاطعیت و قدرت را می فهمند. زمان آن است که قدرتهای بزرگ، دست از مماشات و امتیاز دادن به استبداد خونریز دینی، بانکدار مرکزی تروریسم و رکوردار جهانی اعدام بردارند و حق مردم ایران برای مقاومت و آزادی را به رسمیت بشناسند».

با وجود سیاست نه چندان قاطع جامعه جهانی، شورا به طور قاطع و پیگیر سیاستهای میهن بر بادده هسته‌ی‌ی را یک به یک افشا و تحولات را به سمتی سوق داد که با تصویب قطعنامه‌های متعدد و اعمال تحریمهای نه چندان سنگین، خامنه‌ای در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) مجبور به «نرمش قهرمانانه» و پذیرش یک پیمان چند جانبه با کشورهای ۱+۵ یا ۳+۳ (برجام) شد.

خانم رجوی در شروع مذاکرات هسته‌ی‌ی در ۳ آذر ۱۳۹۲ هشدار داده بود: «اجرای کامل قطعنامه‌های شورای امنیت، به ویژه توقف کامل غنی‌سازی، پذیرش پروتکل الحاقی و دسترسی آزادانه بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به مراکز و تأسیسات مشکوک این رژیم، لازمه دست کشیدن آن از بمب اتمی است».

۱۱- واقعیتهای چهار سال گذشته، صحت ارزیابیها، تأکیدها و هشدارهای مقاومت ایران را نشان داد. به طور خلاصه نه پولی نصیب مردم شد و نه تولیدی رونق گرفت و همزمان دخالت ماجراجویانه در سوریه، عراق، یمن و ... و نیز ساخت موشکهای بالستیک و ایجاد تشنج در خاورمیانه افزایش یافت.

شورا در بیانیه سال پیش تأکید کرد: «استبداد مذهبی حاکم بر ایران با دخالتهای تروریستی در کشورهای خاورمیانه به منظور عریض و طویل کردن عمق استراتژیک و امنیت حاکمیت، دولتهای این کشورها را علیه خود متحد کرده است. حمایت بی‌چون و چرای ولایت خامنه‌ای از دیکتاتوری بشار اسد، حمایت و هدایت جنگ علیه دولت قانونی یمن، خرابکاری در پروسه‌های سیاسی عراق به سود مزدوران خود، کارشکنی در پروسه صلح فلسطین با اسرائیل، سازماندهی نیروهای وابسته به ولی فقیه در آفریقا و ... خشم و نفرت توده‌های مردم در کشورهای منطقه را برانگیخته است. با وجود رژیم ولایت فقیه هیچکدام از مشکلات و بحرانهای موجود در منطقه حل نمی‌شود. رژیم ایران نه بخشی از راه حل که بخش اصلی بحران است. از این رو ما خواستار خلع ید کامل ولایت فقیه در کشورهای منطقه و به ویژه در سوریه و عراق هستیم. پایان سیاستهای ایران سوز این رژیم البته با براندازی و خلع ید از این رژیم اشغالگر به دست توانای ملت ایران خواهد بود» (بیانیه شورا، مرداد ۱۳۹۷).

۱۲- خامنه‌ای خُسرانهای پذیرش اجباری برجام را با تولید انبوه موشک و دخالت در کشورهای دیگر به طور نسبی جبران کرد. اما این سیاست که با مماشات کشورهای بزرگ همراهی می‌شد به علت افشاگریهای مقاومت، نارضایتی گسترده مردم و خشم و نارضایتی کشورهای خاورمیانه، شرایط انفجاری ایجاد کرد. در چنین شرایطی دولت آمریکا پس از چند دور تمدید تعلیق تحریمها، از پیمان وین (برجام) خارج شد و تعلیق تحریمها را پایان داد و پس از مدتی وزیر امور خارجه آمریکا ۱۲ شرط برای عادی‌سازی مناسبات با رژیم را اعلام کرد:

«۱- ایران باید کلیه جزئیات ابعاد نظامی برنامه پیشین هسته‌ی‌ی خود را به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کند؛

۲- ایران باید غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند و هرگز به دنبال فرآوری تولید پلوتونیم نرود. این شامل بستن رآکتور آب سنگین نیز می‌شود؛

۳- ایران باید به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه بازرسی بدون محدودیت از همه مراکز و تأسیسات را در سراسر کشور بدهد؛

۴- توسعه برنامه موشکی بالیستیک ایران باید متوقف شود و پرتاب سامانه‌های موشکی جدید با قابلیت حمل سلاح هسته‌ی‌ی، دیگر انجام نشود؛

۵- همه شهروندان آمریکا و همچنین شهروندان دیگر کشورهای دوست و متحد ما، که به اتهامات ساختگی در ایران زندانی هستند، باید آزاد شوند؛

۶- ایران باید از حمایت از گروه‌های تروریستی در منطقه خاور میانه - از جمله حزب الله لبنان، حماس و گروه فلسطینی جهاد اسلامی - دست بردارد؛

۷- ایران باید حاکمیت دولت عراق را به رسمیت شناخته و اجازه دهد شبه نظامیان شیعه آن کشور خلع سلاح و منحل شود و دوباره آنها را بسیج نکند؛

۸- ایران باید از حمایت نظامی از شبه نظامیان شیعه حوثی دست بردارد و به سمت دست یافتن به یک راه حل سیاسی مسالمت آمیز در یمن گام بردارد؛

۹- کلیه نیروهای نظامی تحت امر ایران در سراسر سوریه باید از آن کشور خارج شوند؛

۱۰- ایران باید به حمایت از طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی در افغانستان و منطقه و پناه دادن به رهبران ارشد القاعده پایان دهد؛

۱۱- حمایت نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از تروریسم و متحدان شبه نظامی اش در سراسر جهان باید متوقف شود؛

۱۲- ایران همچنین باید به رفتار تهدیدآمیز در برابر همسایگانش- که بسیاری از آنها متحدان آمریکا هستند- پایان دهد، از جمله تهدید اسرائیل به نابودی و پرتاب موشک به عربستان سعودی و امارات متحده عربی. این شامل تهدید کشتیرانی بین المللی و عملیات خرابکارانه سایبری نیز می‌شود» (سایت صدای آمریکا، ۱ خرداد ۱۳۹۸). جوهر این خواسته های ۱۲ گانه همان ۳ موردی است که مقاومت ایران طی چندین دهه بر آن تأکید کرده است. پروژه خطرناک هسته یی، موشک سازی و صدور بنیادگرایی و تروریسم به کشورهای دیگر.

۱۳- وقتی که در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ رئیس جمهور آمریکا از توافق اتمی با رژیم آخوندی خارج شد، خانم مریم رجوی از جانب مقاومت ایران که نخستین افشاگر برنامه و تأسیسات مخفی اتمی این رژیم و پرچمدار یک ایران غیراتمی بوده است، اعلام کرد: پس از چند دهه استمالت از فاشیسم دینی و قربانی کردن مردم و مقاومت ایران، رئیس جمهور ایالات متحده همزمان با خروج این کشور از معامله اتمی با رژیم آخوندی گفت: پرداختهای بی دریغ دولت قبلی آمریکا به رژیم آخوندها فاجعه آمیز بوده و رژیم بسیار مخوف حاکم بر ایران که نخستین حامی تروریسم در دنیای امروز است «هزینه حکومت طولانی آشوب و ترور خود را از طریق به یغما بردن ثروت مردمش تأمین کرده است».

خانم رجوی تأکید کرد: خلاصی از خطر اتمی و تروریسم این رژیم در خلاصی از تمامیت آن است. رژیم ولایت فقیه بدون تروریسم و سرکوب و تسلیحات کشتار جمعی وجود ندارد. هرگونه سرمایه گذاری بر روی این رژیم در آینده نیز مانند گذشته نافرجام و محکوم به شکست است و همچنان که مقاومت ایران پیوسته اعلام کرده است، قرار گرفتن در کنار آخوندهای خون‌آشام و تقویت آمران و عاملان قتل عام فرزندان رشید مردم ایران، فاشیسم دینی را در جنگ افروزی و صدور بنیادگرایی و تروریسم جری‌تر می‌کند.

خانم رجوی افزود: همچنان که قیام سراسری دیمه گذشته نشان داد، خواست عموم مردم ایران آزادی از ستم و استبداد دینی است. تغییر دموکراتیک در ایران اجتناب ناپذیر و ایران آزاد در چشمانداز است. پایان دیکتاتوری و فاشیسم دینی در ایران لازمه صلح و دموکراسی و امنیت و ثبات در منطقه است. این تنها راه پایان دادن به جنگ و بحران در منطقه و جلوگیری از یک جنگ بزرگتر است.

شورای امنیت ملل متحد باید پرونده سردمداران رژیم ایران را به‌خاطر تروریسم و نقض حقوق بشر و جنایتهای بیشمار آنها علیه مردم ایران، به‌ویژه قتل عام زندانیان سیاسی، باز بگشاید و به دادگاه بین المللی ارجاع دهد.

۱۴- پس از خروج آمریکا از برجام، خامنه ای با نعل وارونه و مواضع فرصت طلبانه به گونه یی صحبت می کند که گویا او در پذیرش برجام نفش تعیین کننده نداشته است. او به شیوه های گوناگون دولت روحانی را سرزنش می کند، برای آمریکا و اروپا روضه توپ و تشر می خواند و همزمان به انسداد جامعه می پردازد.

خامنه ای در سخنرانی خود در اول فروردین ۹۸ در مشهد در اذعان به شکست برجام اروپایی، به تلخی گفت: «به کلی باید از کمک و همراهی غربی‌ها چشم‌پوشیم، منتظر آنها نباید باشیم. برای خاطر این که غریبها نشان دادند که نمی توان از آنها انتظار کمک داشت، انتظار توطئه می شود داشت... نمی توانیم به آنها هیچ امیدی داشته باشیم. در همین قضیه اخیر، در قضیه برجام، وظیفه اروپایی ها چه بود؟. علاوه بر این که در مقابل آمریکا نایستادند، خودشان هم در عین این که هی به ما تأکید کردند و می کنند که مبدا از برجام خارج بشوید، خودشان عملاً از برجام خارج شدند. این کانال مالی هم که اخیراً هی گفته می شود که کانال مالی درست کردند، این به شوخی شبیه تر است، البته شوخی تلخی است... در آخرین مسأله بین المللی ما، باز اروپاییها مثل گذشته از پشت خنجر زدند، به ما خیانت کردند، از اینها توقع نمی شود داشت؛ هیچ توقعی نمی شود داشت».

۱۵- در چنین شرایط بحرانی سه ضربه بزرگ، یعنی قرارگرفتن سپاه پاسداران در لیست تروریستی آمریکا در ۱۹ فروردین، لغو معافیت‌های هشت کشور در خصوص خرید نفت از رژیم در ۸ اردیبهشت و لغو دو معافیت اتمی (فروش مازاد اورانیوم غنی شده و آب سنگین) در ۱۴ اردیبهشت توسط آمریکا، خامنه ای، تنها چاره بیچارگی خود را یک خودزنی سیاسی و خروج مرحله به مرحله از برجام جستجو کرد و در قدم اول اعلام این سیاست را در قالب «بیانیه شورای عالی امنیت ملی» به عهده روحانی گذاشت تا برجام بی فرجامش را به دست خود سرببرد.

روحانی روز ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ اعلام کرد: «امروز ما به سران پنج کشور اعلام کردیم که از دو اقدامی که تاکنون انجام می‌دادیم صرف نظر خواهیم کرد. این دو اقدام در واقع به یک بیان ساده دو فروش بوده، یعنی ما هر وقت مواد غنی شده ما به ۳۰۰ کیلوگرم می‌رسید، ما اضافه بر آن را به کشوری می‌فروختیم و در عوض آن کیک‌زرد می‌گرفتیم، از امروز این فروش متوقف می‌شود... فروش دوم، فروش آب سنگین بود که هر وقت آب سنگین ما از ۱۳۰ تن تجاوز می‌کرد ما آن مقدار اضافی را به کشوری می‌فروختیم. امروز این فروش را هم متوقف می‌کنیم».

روحانی اضافه کرد: «بعد از ۶۰ روز ما نسبت به اراک هم تصمیم خواهیم گرفت که برنامه قبل از توافق برجام خودمان را ادامه بدهیم و اراک را تکمیل کنیم و این هم باز، در مرحله دوم هم باز، ۶۰ روز فرصت داده می‌شود و اگر به نتیجه نرسیدیم اقدام بعدی مورد نظر ما هست. البته در این پیامی که به پنج کشور دادیم به صراحت گفته ایم که اگر بخواهند از این اقدام ما بهانه جویی بکنند و پرونده ایران را به شورای امنیت برگردانند با یک اقدام بسیار قاطعی روبرو خواهند شد».

اما روحانی در وضعیتی سردرگم و متناقض، خودش بیش از هرکسی از «اقدام بسیار قاطع» که همان خروج کامل از برجام باشد، واهمه دارد. از این رو قسم و آیه خورد که «امروز ما نمی‌خواهیم از برجام خارج بشویم و امروز روز پایان برجام نیست».

او سپس ترس از قیام و مقاومت سازمانیافته را که درد اصلی ولایت است، برملا کرده و می‌افزاید: «متأسفانه به تعهدات خودشان عمل نکردند، و گروه تندرویی که در داخل کاخ سفید امروز بسیاری از امور را در دست دارد، حتی اختیار کار را از شخص رئیس جمهور هم گرفته... بعد از دی ماه سال ۹۶ برای زیر پا گذاشتن تعهدات برجامی خود امیدوارتر شدند که این در جای خود باید مورد بحث و بررسی قرار بگیرد و در پایان همان دیماه ۹۶ اعلام کردند که ما از برجام خارج می‌شویم و در ۱۸ اردیبهشت ۹۷ از برجام خارج شدند».

۱۶- روحانی که تمام سرمایه گذاری‌اش روی برجام بود، در قدم‌های بعد، جا به جا احمدی نژادی شد. احمدی نژاد می‌گفت آن قدر قطعنامه بدهید که قطعنامه دانتان پاره شود، روحانی هم گوید: «اگر می‌خواهید اظهار تأسف بکنید از همین حالا اظهار تأسف بفرمایید. اگر هم بناست بیانیه بدهید از همین حالا بدهید، ۱۶ تیر سطح غنی سازی ما دیگر ۳ ممیز ۶۷ نخواهد بود، ما این تعهد را کنار می‌گذاریم به هر مقداری که دلمان خواست، به هر مقداری که ضرورت ما بود، نیاز ما بود این را از ۳ و ۶ می‌بریم بالا و بدانید از ۱۶ تیر به بعد در زمینه رآکتور اراک اگر به تمام تعهداتی که به ما کردید، طبق برنامه و زمانبندی عمل نکنید ما رآکتور اراک را برمی‌گردانیم به شرایط سابق. یعنی به شرایطی که به قول شماها می‌گفتید خطرناک است و پلوتونیوم می‌تواند تولید بکند، ما برمی‌گردانیم به آن» (سایت روحانی، ۱۲ تیر ۱۳۹۸).

روحانی پس از توقیف کشتی انگلیسی هم با لودگی گفت: «سپاه پاسداران شجاعانه این کشتی متخلف انگلیسی رو با قدرت توقیف کرد، چون سرباز می‌زد از همه دستورات و مقرارت. به نظر من کار بسیار دقیق و درستی انجام گرفته، همه دنیا هم باید از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکر بکنند!» (سایت روحانی، ۲ مرداد ۱۳۹۸).

روحانی اعتدالی، هنرهای بیشتری از احمدی نژادی هم دارد و می‌گوید: «این‌که ما یک پهپاد مدرن آمریکایی را بزیم یک هنر است؛ این‌که ما این پهپاد را با موشک خودمان بزیم، هنر دوم است؛ این‌که این پهپاد را با سیستم راداری خودمان سرچ کنیم، هنر سوم است؛ این‌که ما این پهپاد را بتوانیم با سیستم خودمان لاک کنیم و قفل کنیم، هنر چهارم است؛ این هنر است برای ما، خب، این برای ما بسیار ارزشمند است. آن وقت ما پهپاد آمریکایی را می‌زیم، خب، یک لذت دیگری دارد برای ما» (تلویزیون رژیم، ۱۶ مرداد ۱۳۹۸).

۱۷- ضرب‌الاجل‌های ۶۰ روزه آخوندهای حاکم که پارس خوابیده سگهای ترسیده را تداعی می‌کند، توسط پنج کشور باقیمانده در برجام به پیشیزی گرفته نشد. به عکس، این کشورها را وارد روندی از اعتراض و انتقاد به رژیم کرد. در چنین موقعیتی این کشورها هم چنان به آمریکا به خاطر خروج از برجام ایراد می‌گرفتند، ولی روی اصلی حرفشان به سمت رژیم آخوندها چرخید. کشورهای ۴ + ۱ (آلمان، انگلستان، فرانسه و همچنین چین و روسیه) بارها به رژیم گوشزد کردند که اگر می‌خواهد از فواید برجام برخوردار شود، باید تعهداتش در برجام را به طور کامل رعایت کند.

یک سخنگوی اتحادیه اروپا بلافاصله اعلام کرد: «کشورهای اروپایی طرف برجام و اتحادیه اروپا با صدور بیانیه‌ی مشترک در واکنش به مهلت ۶۰ روزه ایران برای اجرای تعهدات بانکی و نفتی اعلام کردند هیچ ضرب‌الاجلی را از سوی تهران نمی‌پذیرند» (یورونیوز، ۱۹ اردیبهشت ۹۸).

درهمان روز، فدریکا موگرینی، رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا، ژان ایلودریان، وزیر خارجه فرانسه، جرمی هانت، وزیر خارجه انگلستان و هایکو ماس، وزیرخارجه آلمان در بیانیه مشترکی، ضمن تکرار مخالفتشان با خروج آمریکا از برجام، اعلام کردند: «ما نسبت به بیانیه داده شده توسط رژیم ایران در رابطه با تعهداتش در برجام ابراز نگرانی شدید می‌کنیم. ما به حفظ و اجرای کامل برجام همچنان کاملاً متعهد هستیم و از رژیم ایران قویاً می‌خواهیم که به اجرای کامل تعهداتش طبق برجام، همانطور که تاکنون انجام داده است، ادامه دهد و از هرگونه گامهای تنش آفرین خودداری کند. ما هرگونه اولتیماتوم را رد می‌کنیم و پایبندی رژیم ایران را بر مبنای اقدامات اجرایی آن در تعهدات مرتبط به برنامه هسته مطابق برجام و "ان. پی. تی" (معاهده منع تکثیر تسلیحات هسته‌ای) مورد ارزیابی قرار خواهیم داد» (یوروپین یونیون اکسترنال اکشن، ۱۹ اردیبهشت ۹۸).

۱۸- دولت آمریکا کاهش تعهدات رژیم آخوندی در برجام را پیامد مهمترین اشتباه برجام یعنی مجازشمردن غنی سازی سبک برای رژیم ارزیابی کرد. گرت مارکیس، دستیار ویژه ترامپ، سخنگو و مسئول امور ارتباطی شورای امنیت ملی کاخ سفید، روز دوشنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۸ به رویتر گفت: «برنامه‌های غنی‌سازی اورانیوم رژیم ایران فقط به این دلیل امکان‌پذیر است که انعقاد آن توافق بد اتمی تواناییهای آنها را محفوظ نگه داشت. پرزیدنت ترامپ به طور واضح گفته است که اجازه نخواهد داد رژیم ایران به توانایی ساخت سلاح اتمی برسد. باج‌خواهی اتمی این رژیم، باید با افزایش فشار بین‌المللی روبه رو شود» (صدای آمریکا، ۱۰ تیر ۱۳۹۸).

مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا نیز روز یکشنبه ۱۶ تیر ۱۳۹۸ در واکنش به انتشار خبرهایی پیرامون افزایش میزان غنی سازی توسط حکومت آخوندی، اعلام کرد: «توسعه اخیر رژیم ایران در برنامه اتمی‌اش به تحریم و انزوای بیشتر خواهد انجامید. کشورها باید استانداردهای دیرینه مبنی بر وجود هیچگونه فعالیت غنی‌سازی در برنامه اتمی رژیم ایران را باز گردانند».

درهمان روز (۱۶ تیر ۹۸) امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه، اقدام رژیم ایران برای افزایش میزان غنی‌سازی اورانیوم را محکوم کرد. سخنگوی وزارت خارجه انگلستان نیز اعلام کرد «جمهوری اسلامی باید به تعهداتش پایبند بماند و بلادرنگ همه اقداماتی را که در تضاد با تعهداتش در برجام است، متوقف کند».

فصل سوم:

انقباض ولایت، جدال در درون هرم قدرت و ثروت

۱۹- خامنه ای که با وضعیت جوشان اجتماعی و اعتراضهای فزاینده مردم مواجه است در تحلیل نهایی، راه حلی جز سرکوب و انقباض نمی یابد. او در مناسبتهاى مختلف و به خصوص در حرف بی‌سابقه‌اش در اول خرداد ۱۳۹۸ به این واقعیت اذعان کرده و تصریح می کند که غصه هایش با روی کار آمدن یک دولت حزب اللّهی پایان می یابد: «اگر چنانچه انشاء الله شما جوانها با این حرکتها پیش بروید و زمینه را برای روی کار آوردن یک دولت جوان و حزب اللّهی آماده کنید، بنده معتقدم که بسیاری از این نگرانیهای شما و دغدغه های شما و غصه های شما پایان خواهد پذیرفت؛ این غصه‌ها هم البته فقط مخصوص شماها نیست».

خامنه ای برای بستن جامعه به طور نقد و قبل از مهندسی دولت مورد نظرش، آخوند جلاد ابراهیم رئیسی یکی از رسواترین عوامل قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ را با وجود شکست مهندسی ریاست جمهوری وی در سال ۱۳۹۶، به ریاست قضائیه خلافت فقیه منصوب کرد. همزمان سه تن از هارترین سرکردگان سپاه یعنی حسین سلامی، فدوی و محمد رضا نقدی را به بالاترین مقامات سپاه منصوب کرد.

ولی فقیه نظام به صورت علنی و پنهانی روحانی را برای قدرت خواهی بیشتر شماتت می کند. وی در واکنش به اختیارات خواهی روحانی در اول خرداد امسال گفت: «یکی از دوستان سؤال کردند از ناطقین محترم که "اشکالاتی که امروز ما در جامعه مشاهده می کنیم همین کمبودها و همین اشکالاتی که شماها بعضی‌اش را گفتید این به ساختار برمی گردد یا کارگزاران؟" ساختار قانون اساسی ساختار خوبی است، یعنی اشکالی ندارد؛ البته ساختارها در طول زمان تکمیل می شوند. به هر حال، من در ساختار مشکلی نمی‌بینم. بله، ما کارگزارها اشکال داریم؛ اشتباه ماها هم مثل اشتباه اشخاص عادی نیست، ما وقتی اشتباه می کنیم، اشتباهمان شکافهای بزرگی در متن جامعه به وجود می‌آورد».

۲۰- بعد از شکست خامنه ای در یکپایه کردن نظام با ریاست جمهوری رئیسی که مداخله فعال مقاومت با کارزار تحریم با شعار «نه جلاّد، نه شیاد» و جنبش دادخواهی قتل عام ۶۷ در آن نقش داشت، دولت سایه به ریاست سعید جلیلی تشکیل شد. حمیدرضا آصفی (سفیر اسبق رژیم در فرانسه) در مصاحبه‌ی در ۲۴

شهریور ۹۷ گفت: «دولت پنهان قدرت زیادی دارد، اما پاسخگو نیست. آن‌ها تلاش زیادی برای شکست برجام کردند و بعد هم به دنبال سرنگونی دولت روحانی، تلاشهایی کرده اند». آصفی در ادامه می‌گوید تظاهرات ۵ دی ماه ۹۶ برنامه کودتای دولت پنهان علیه روحانی بود که جوانان آن را برهم زدند و شعارهای دیگری [علیه کل نظام] سر دادند. پس از آن در مرداد ۹۷ اوج تلاش برای حذف روحانی کلید خورد. خامنه‌ای در اوایل مرداد ۹۷ از خبرگان خواست که نظارت بر دولت و پیگیری «معیشت مردم» را دنبال کند و با اشاره او سؤال از روحانی در دستور کار مجلس در ۵ شهریور ۹۷ قرار گرفت. طلاب در مدرسه فیضیه قم هم در ۲۵ مرداد ۹۷ پلاکارد «ای آن که مذاکره شعارت - استخر فرح در انتظارت» را بلند کردند. فضای سیاسی حاکی از رودررویی جدی در ۵ شهریور ۹۷ بود.

۲۱- اما خامنه‌ای که به جای حذف روحانی و ایجاد یک بحران سیاسی خطرناک برای نظام، خط له و لورده کردن او در زیر آوار برجام و تبدیل کردن او به یک احمدی نژادی مطیع را دنبال می‌کرد، در ۴ شهریور ۹۷ با پیامی به روحانی به او اطمینان داد که قصد حذف او را ندارد و از او حمایت می‌کند و مقدمتاً خواهان این شد که در ۵ شهریور در مجلس به اختلافات دامن نزنند. روحانی هم در روز ۵ شهریور ۹۷ برخلاف انتظار دوستانش متنی را که آماده کرده بود کنار گذاشت تا در چارچوب سفارشهای ولی فقیه حرف بزند سپس خامنه‌ای در دیدار با دولت در ۶ شهریور ۹۷ و با خبرگان در ۱۵ شهریور ۹۷ از روحانی حمایت کرد و روحانی بعد از تن دادن به خط مورد نظر خامنه‌ای در سخنرانش در مجمع عمومی سازمان ملل، مورد تعریف و تمجید باند غالب قرار گرفت. اما این نمایش وحدت یک ماه هم دوام نیاورد و تضادها مجدداً سر باز کرد.

روحانی برای پیشبرد خط مماشات با اروپا، نیازمند تصویب FATF بود و از ترکیب مجلس به نفع خودش استفاده کرد. ولی شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام در مقابل آن ایستادند. در این رابطه جواد ظریف که چند بار در مجلس و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام شرکت کرده و نیاز مبرم رژیم به تصویب این لوایح را توضیح داد بود، مخالفان لوایح را به دست داشتن در پولشویی متهم کرد و گفت: «پولشویی یک واقعیت در کشور ماست و خلیها از پولشویی منفعت بردند. من نمی‌خواهم این پولشویی را به جایی نسبت دهم، اما جاهایی که هزاران میلیارد پولشویی می‌کنند، حتماً آن قدر توان مالی دارند که دهها و صدها میلیارد هزینه تبلیغات و فضا سازی [علیه لوایح] کنند». این افشاگری با واکنش تند جناح خامنه‌ای مواجه شد. آخوند صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه وقت، افشاگری ظریف را «خنجر به قلب نظام» توصیف کرد و نمایندگان باند خامنه‌ای با ۳۴ امضا و در ۱۱ محور خواستار استیضاح ظریف شدند. به‌رغم این که امضاها به حد نصاب رسید ولی با دخالت پشت پرده خامنه‌ای تبدیل به سه سؤال از او شد.

۲۲- واقعیت این است که در شیب نزولی حاکمیت و در حالی که رژیم تهدید اصلی را از درون جامعه می‌بیند، وارد کردن فشار از بیرون بر کل رژیم، منجر به اتحاد باندهای درونی ولایت نشده و به رغم تاخت و تاز انقباضی خامنه‌ای، تضادهای درونی هر قدر و ثروت تشدید می‌شود.

حسن روحانی که در حد یک تدارکچی هم اختیار ندارد، در ۴ خرداد سال جاری گفت: «اصلاً بحث این نیست که حالا امروز مشکل ما این است که دولت از چه اختیاراتی برخوردار است! به نظر من اگر قانون اساسی اجرا بشود دولت اختیارات کافی را طبق قانون اساسی دارد، اما شرایط جنگ با شرایط عادی متفاوت است. ما چرا در شرایط جنگ هشت ساله تمام اختیارات کشور را در یک شورا جمع کردیم. تمام اختیارات، شورای عالی پشتیبانی جنگ تمام اختیارات با او بود. قانون را می‌توانست اصلاح بکند، دستور می‌توانست بدهد، اصلاً همه کاره بود. امام تمام اختیارات را به این شورا داد. آنچه من می‌گویم این که ما در شرایط فعلی نیاز به ساز و کار روان تری داریم و این را من به صراحت از اولین روزی که تحریم جدید آغاز شد، خدمت رهبری گفتم. گفتم امروز کشور فرمانده می‌خواهد، امروز جنگ است و این جنگ فرمانده می‌خواهد، و خدمت ایشان گفتم که بهترین فرمانده شخص شما هستید، ما هم همه مطیع هستیم. شما فرماندهی را به عهده بگیرید. ایشان فرمود نه و بعد فرمود خودتون باید فرماندهی را به عهده بگیرید. اشکال ندارد هر کس می‌خواهد فرمانده بشود، هیچ مهم نیست، اما اختیارات فرماندهی مهمه و الا خوب آنا [من] فرمانده، نتیجه؟! به جایی نمی‌رسیم ما. اختیارات فرماندهی مهم است. فرمانده اگر با اختیارات فرماندهی باشد، نه این که بدون فرماندهی، کشور از دست می‌رود. من این رو نمی‌گویم. تمام بحث من این است که در این جنگ با آمریکا ما هزینه کمتر بدهیم همین» (سایت روحانی).

۲۳- در یکی از نقاط اوج بالاگرفتن مخاصمات در هرم بالایی حاکمیت، روحانی با استفاده از فرصت سخنرانی ۲۲ بهمن مسأله رفراندوم را مطرح کرد. اما خامنه ای در ۲۴ بهمن ۹۷، در بیانیه یی «گام دوم انقلاب» را که مجموعه یی از مهملات برای توجیه سیاست انقباض در مقابل خط سازش و مذاکره بود، اعلام و شروع به فضا سازی کرد. در این تقابل آشکار، جنگ درونی و بن بست نظام مجدداً علنی شد و خامنه ای از طریق آخوند ذوالنور، روحانی را تهدید به استیضاح کرد. در ۲۸ بهمن ۹۷ ذوالنور حول ۱۴ محور علیه روحانی امضا جمع کرد و دهقان نماینده دیگری از باند خامنه ای در ۶ اسفند ۹۷ در یک نشست خبری در ضرورت این استیضاح گفت: «وضعیت خوبی نیست. در چند سال اخیر دولت راهی را شروع کرد که به بن بست رسیده است. اما به بن بست رسیدن برخی مسئولان غرب گرا به معنای به بن بست رسیدن کشور و ملت ایران نیست. خطای استراتژی دولت این بود که تلاش کرد فقط به صورت رسمی کار کند و فعالیتهای اقتصادی غیررسمی انجام ندهد. کلید اقتصاد کشور در زمان تحریم در دست وزارت نفت است. زنگنه، وزیر نفت هیچ اعتقادی به توانمندیهای داخلی ندارد... افرادی که ۶ سال مسیر اشتباه را طی کرده اند، بعید است بتوانند مسیر دولت را تغییر دهند... لذا اگر دولت همین امروز برود بهتر از فرداست. اما مسیری که با جرّاحی مجلس از طریق عدم کفایت طی شود، هزینه های سنگینی دارد و ممکن است کشور را مواجه با بی ثباتی کند. اصولاً تصمیم نهایی در خصوص این جرّاحی با رهبر معظم انقلاب است. نگاه رهبری تا این زمان این بوده است که رفتار خشن و جرّاحی سخت دولت ممکن است موجب بی ثباتی کشور شود و منافقین از بی ثباتی سوء استفاده کنند».

۲۴- روز ۷ اسفند ۹۷ خامنه ای توسط پاسدار قاسم سلیمانی و بدون اطلاع روحانی و ظریف، بشّار اسد را برای دیدار با خامنه ای به تهران آورد و زمانی که در تهران بود به روحانی اطلاع دادند که بشّار اسد می خواهد با او دیدار کند. به دنبال این اقدام جواد ظریف در اعتراض به این که وزارت خارجه را دور زده و بدون اطلاع وی بشّار اسد را به تهران آوردند، اعلام استعفا کرد.

در همان روز (۷ اسفند) روحانی در سخنانی در بانک مرکزی در رابطه با FATF گفت: «... اگر در کشور یک نفر مخالف این سخن من است و معتقد است که تصویب یا ردّ دو لایحه باقیمانده از لوایح ۴ گانه تأثیری در رابطه کشورمان با بانکهای جهان ندارد، همین امروز مصاحبه کرده و آن را رد کند... نمی شود کشور را به ۱۰، ۲۰ نفر داده و بگویم که هر تصمیمی آنها بگیرند. ما نیز تابع هستیم؛ چنین نیست و صاحب این کشور، ملت بزرگ ایران [بخوانید باندهای درون قدرت] هستند و حتماً مردم و بانک مرکزی و بانکها نیز در این زمینه حرف خواهند زد».

موضع گیری روحانی علیه «مجمع» بر خامنه ای و باندش گران آمد و آخوند صادق لاریجانی، رئیس مجمع، در ۱۱ اسفند گفت: «رئیس جمهور محترم، اخیراً در خصوص مجمع تشخیص مصلحت نظام مطالبی را به تعریض بیان کردند که لحن ایشان قابل قبول نیست و این تعبیر که "۱۰، ۲۰ نفر نشسته اند و برای مردم تصمیم می گیرند!" سخنی هضم ناپذیر است».

به دنبال لاریجانی نفراتی از سران و سخنگویان باند خامنه ای، مانند احمد توکلی و عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان، علیه روحانی موضع گرفتند.

در ۱۵ اسفند ۹۷ حسن روحانی در لاهیجان بایان این که ما در یک شرایط عادی نیستیم، گفت: «در جلسات با رهبر معظم انقلاب گفتم که در این مرحله نیاز به یک فرمانده داریم تا همه مردم و ارکان نظام با یک فرماندهی واحد دشمن را شکست دهند و پیشنهاد دادم که ایشان به عنوان رهبر نظام، فرماندهی جنگ اقتصادی را بر عهده بگیرند، اما مقام معظم رهبری گفتند الآن شرایط جنگ است و نیاز به فرمانده این جنگ داریم که باید فرمانده آن رئیس جمهور باشد و بر این مبنا دستور دادند تا دولت و قوای دیگر در چارچوب مقررات در کنار دولت باشند و من نیز در آن جلسه اعلام آمادگی کردم».

در ۲۱ اردیبهشت ۹۸ روحانی در دیدار (افطاری) با ۶۰ تن از فعالان سیاسی گفت: «در زمان جنگ ما مشکل مراودات بانکی با جهان نداشتیم و با مشکلی در فروش نفت به دنیا روبه رو نبودیم. ولی الآن هر دو مشکل دست و پای اقتصاد کشور را بسته است. ما در شرایط یک جنگ تمام عیار هستیم. مهم این که توجه کنیم که راه حل مشکلات چیست و دولت چقدر "اختیار" دارد؟ او باما ۱۹ بار از من تقاضای ملاقات کرد، ولی دولت اختیار پاسخش را نداشت».

۲۵- خامنه ای که روی پرهیز آمریکا از جنگ حساب باز کرده در ۲۴ اردیبهشت ۹۸ در افطاری سران قوا و مسئولان نظام سیاست انقباضی خود را به آنها دیکته کرد و گفت: «گزینه قطعی ملت ایران [بخوانید ولایت خامنه ای] در مواجهه با دشمن، مقاومت در همه زمینه هاست، چرا که مذاکره با دولت کنونی آمریکا سمّ

مضعف است، البته جنگی نخواهد شد بلکه برخورد، برخورد اراده هاست... باید توجه کرد که در مواجهه با دشمن دو راه بیشتر وجود ندارد: مقاومت یا عقب نشینی. آمریکا تمام تلاش خود را به کار گرفته تا با فشارهای شدید اقتصادی، اولاً، نظام محاسباتی مسئولان را به گونه یی تغییردهند تا آنان مجبور به تسلیم شوند و ثانیاً، مردم را در مقابل نظام قرار دهند».

او در قدم بعد در ۸ خرداد ۹۸ در دیدار با دانشجویان و اساتید بسیجی، اطلاعیه ۱۸ اردیبهشت شورای عالی امنیت رژیم در باره نقض گام به گام برجام را سیاست خودش به عنوان اهرم فشار برای چانه زنی و باجگیری اعلام کرد و گفت: «ما در مقابل فشارهای آمریکا ابزارهای فشار داریم. این ابزارهای فشار هم بر خلاف آنچه که آنها می خواهند تبلیغ کنند و بگویند، ابزارهای نظامی و مانند این چیزها نیست. حالا یک وقتی اگر لازم باشد، آنها هم هست، لکن آنچه مورد نظر ماست، این مسائل نیست، این ابزارها نیست. نه، ما ابزار فشار داریم. همین کاری که اخیراً شورای عالی امنیت ملی انجام داد و ابلاغ شد، این یکی از ابزارهای فشار است... فعلاً مصوبه شورای عالی این است، و بعد هر چیزی که مقتضی باشد. یعنی همیشه توقف در این حد معنا ندارد، بلکه فعلاً این است. اگر چنانچه لازم شد، مقتضی شد، در برهه بعدی از اهرمهای فشار دیگری هم می شود استفاده کرد».

۲۶- در همین سخنرانی خامنه ای اذعان کرد که عملیات تروریستی در فجیره و عربستان و عراق نیز مانند افزایش تولید اورانیوم غنی شده و آب سنگین، ترفندهای خود او برای کم کردن از فشارهای آمریکاست. او گفت: «اگر چنانچه از آن ابزار فشار استفاده کرد، آن وقت طرف را می تواند متوقف کند. یا فشار را کم کند یا فشار را متوقف کند. اگر از ابزار خودش استفاده کرد. اما اگر چنانچه، فریب دعوت به مذاکره را خورد، با خودش گفت: خب حالا که این می گوید بیاییم مذاکره کنیم، پس احتیاجی به این نیست که من از اهرمهای فشاری که در اختیارم هست استفاده کنم، چه لزومی دارد؟ مذاکره می کنیم. اگر این فریب را خورد، لغزیده و رفته، یعنی باخت قطعی است».

خامنه ای با کلمه «ناموسی» مذاکره موشکی و منطقه یی را به خطر افتادن موجودیت نظام آخوندی دانست و تصریح کرد: «موضوعات ناموسی و اساسی همچون مسائل دفاعی، قابل مذاکره نیست» و «در مورد توانایی های نظامی مان با کسی مذاکره نمی کنیم». به ظریف و روحانی هم که از حرفهای ترامپ در ژاپن دهانشان آب افتاده بود، گوشزد کرد: «مذاکره برای این است که فشار بیاورند. حالا که طرف خسته شد، احساس کرد که دیگر واقعاً چاره یی ندارد، می گویند خیلی خب، حالا بیاییم مذاکره کنیم. می نشینند پشت میز مذاکره، همان چیزی را که در واقع زمینه اش را با فشار فراهم کردند، این را تثبیت می کنند، نقد می کنند. مذاکره با آمریکا این است».

او در ۱۴ خرداد سر قبر خمینی نیز گفت: «آمریکا می خواهد ملت ایران دستهایش را در مقابل زورگوییها بالا ببرد و تسلیم شود... مقاومت و ایستادگی هزینه دارد، اما هزینه تسلیم شدن به مراتب بیشتر از هزینه مقاومت است».

۲۷- یکی از ویژگیهای شرایط کنونی عدم توانایی خامنه ای برای موفقیت سیاست بگير و ببند و انقباض جامعه است. شرایط انقلابی به خامنه ای اجازه نمی دهد که چفت و بستهای ولایتش را مستحکم کند و بنابراین مهندسی «دولت جوان حزب اللهی» برای تکمیل پروسه انقباض، ناکارآمد خواهد بود. واقعیتهای یک سال گذشته نشان داد که نه بالاییها می توانند به شکل سابق حکومت کنند و نه پایینیها حاضرند به شکل گذشته روزگار بگذرانند.

هم گسترش جنبش اجتماعی و اعتراضات مردم به ستوه آمده از گرانی و تورم فزاینده و هم تشدید تضاد در هرم قدرت و باندهای چپاولگر این واقعیت را نشان می دهد.

اذعان آخوند دژخیم حسین موسوی تبریزی به این که «تعداد شرکت کنندگان در نماز جمعه در کل کشور به ۱۰۰ هزار هم نمی رسد»، حاشیه نشینی بیش از یک پنجم جمعیت کشور، رواج کارتن خوابی، ماشین خوابی، گورخوابی و فجایعی چون خودکشیهای جمعی و خانوادگی، نتیجه تبهکاری این رژیم فاسد و منفور است.

روحانی در توضیح این شرایط می گوید: «ما امسال هم کشور را اداره خواهیم کرد، با همه سختی ها، با همه مشکلات کما این که پارسال اداره کردیم. البته مردم در سختی و فشار هستند؛ البته شرایط عادی نیست. من می روم کارخانه شیر، اول سال، اول فروردین، روز اول فروردین بازدید می کنم. می گویم شیر را پارسال چند خریدی امسال چند می خری؟ می بینم دامدار صددرصد دارد سود می برد. از پارسال تا امسال هیچکس این

طرفش را نمی آید بگوید که اگر مردم رفتند شیر بخزند درفشارند، دامدار شرایط بهتری دارد، این را هیچکس بیان نمی کند. اگر یک دامدار ما به خاطر این که دروازه بعضی از کشورها را قاچاقچی‌ها بازکردند و این گوسفند را بردند یکهو قیمت گوسفندش، دامش هرچه که بوده در عرض چند روز می رود بالا، کسی نمی آید این را تبیین کند. داد می‌زنند دولت کجاست؟! هیچ وقت صدا و سیما آمده بگوید چه جوری شده؟ چی شد؟ ریشه آن کجا بود؟ اصلاً چرا یک مرتبه به هم ریخت؟ کشتی یی که قرار بود برای ما نهاده [برای مصرف دام] بیاورد آن کشتی توقیف شد و نتوانست. و ارز ما رفتیم منتقل کنیم و یک آقایی که وارد کننده است در فضای مجازی اعلام کرد به من ارز نمی‌رسد و همان باعث شد که یک مرتبه موضوع در بازار تغییر کرد، کی باید این را توضیح بدهد؟ من رئیس‌جمهور باید توضیح بدهم؟ یا شما رسانه‌ها؟ اگر این که من می‌گویم واقعیت هست پس کی مقصّر نگفته؟ اگر واقعیت نیست پس من را به محاکمه بکشید. من به عنوان مسئول کشورم، این جا در حضور مسئولین بسیاری از رسانه های مهم کشور دارم به صراحت اعلام می کنم که شرایط ما یک شرایط بسیار سختی هست» (سایت روحانی، ۴ خرداد ۱۳۹۸).

۲۸- این شرایط سخت که روحانی در کارخانه شیر، چرخه قفل شده و فاسد آن از تولید تا مصرف را همراه با زنجیره یی از قاچاق و رانتخواری و لاپوشانی توضیح می دهد، مشت نمونه خروار است. سرکردگان این نظام تبهکار که خود این شرایط را ایجاد کرده اند، البته هیچ مشکلی با آن ندارند و حالا فقط به این خاطر حرفش را می زنند که انباشت نارضایتی و وضعیت انفجاری جامعه آنها را با خطر مبرم قیام و سرنوشتی مواجه کرده است. در چنین وضعیتی، روحانی و هرکسی که بر مسند اجرایی نظام می نشیند، تنها کلید برون رفت از بحران را «مذاکره با کدخدا» و رفع تحریمها می بیند. خود خامنه ای هم قبل از روی کار آمدن روحانی و در شروع مذاکرات منتهی به برجام، در نامه نگاری با اوباما همین راه را رفت و در حین مذاکرات برجام هم حرفی را که به طور پی در پی تکرار می کرد رفع تحریمها بود. البته در حال حاضر که آثار جرعه زهر برجام به تلخ ترین صورت برایش هویداشده، مذاکره با دولت آمریکا را جز سمّ مضاعف نمی بیند و می گوید: «آمریکا تمام تلاش خود را به کار گرفته تا با فشارهای شدید اقتصادی، اولاً نظام محاسباتی مسئولان را به‌گونه یی تغییر دهند تا آنان مجبور به تسلیم شوند و ثانیاً مردم را در مقابل نظام قرار دهند».

در این وضعیت فلاکت بار، وقتی که روحانی از راهکار دوزدن تحریمها و «درهای هفت گانه آن» صحبت می کند، معلوم می شود این درها به جهنّم باز می شوند! عقول منفصله و مشاوران اردوی خودش هم به او گوشزد می کنند که «قدرت مانور دولت روحانی در شرایط تحریم خیلی زیاد نیست مگر این که بازی تحریم را به هم بزند و به جای این که شعار بدهد تحریم را دور می‌زنیم، راهی برای شکستن تحریمها بیابد و با استفاده از همه ظرفیت‌های منطقه یی و جهانی نظام، به مذاکره با آمریکا بپردازد و تحریم‌های نفتی و بانکی را لغو کند» (مصطفی تاجزاده، ایسنا، ۵ فروردین ۹۸).

فصل چهارم:

جنبش بی‌شماران، آتشفشان قیام

۲۹- دستاورد چهل سال حاکمیت استبداد مذهبی برای اکثریت قاطع مردم ایران چیزی جز فقر و فلاکت نبوده است. رژیم ولایت فقیه به طور روزانه به سطح زندگی و معیشت شهروندان یورش برده است. بحران ساختاری اقتصادی، هزینه های سرسام آور نظامی و امنیتی، چپاول و غارت اموال مردم و سرمایه های کشور، بحران بی آبی و تخریب طبیعت و محیط زیست، فساد به شدت نهادینه شده، گسترش رانت، صعود نرخ تورّم، افزایش قاچاق، بیکاری، زندگی اشرافی صاحبان قدرت و ثروت که در برجهای «لاکچری» و مناطق مولتی میلیاردها زندگی می کنند و تشدید شکاف طبقاتی... سیاهچاله یی از فقر، بی خانمانی، تنگدستی و فلاکت برای مردم ایران و به ویژه برای نیروهای گوناگون کار ایجاد کرده که به طور روزمره فرودستان را قربانی می کند. بر اساس آمارهای منتشر شده توسط مرکز آمار، شاخص فلاکت (مجموع نرخ بیکاری و نرخ تورّم) در زمستان سال ۹۷ به ۳۹ درصد رسیده است که نسبت به مدت مشابه در سال ۹۶ حدود ۱۰ درصد افزایش نشان می‌دهد.

حداقل دستمزد که دست‌کم یک چهارم خط فقر است، سفره مردم را روز به روز لاغرتر کرده و بسیاری از موارد اولیه ضروری برای یک زندگی بسیار ساده از سفره مردم حذف شده است. علاوه بر این، مسأله حقوقهای معوقه، عدم پرداخت حق بیمه از طرف کارفرما، خودمانی سازی یا "خصولتی کردن" به نام خصوصی سازی، چپاول شرکتهای پیمانی و از همه مهمتر فقدان شرایط آزاد و به رسمیت نشناختن تشکلهای مستقل است که نیروهای کار را با سدّ دیکتاتوری روبه‌رو کرده است.

دیکتاتورها در گام اول دموکراسی را نابود می کنند تا بتوانند بدون مانع به چپاول اموال مردم و انهدام اقتصاد بپردازند. این راهی است که رژیم ایران از روز بنیانگذاری طی کرده است.

اکنون یک نماینده مجلس رژیم اعتراف می کند: «مردم از تبعیض و بی عدالتی بیش از کمبودها و تحریمهای عصبانی هستند و از دروغ گفتن بیشتر. چگونه انتظار دارید معلمان آموزش و پرورش با دستمزد حقوق روزی پنجاه تا هفتاد هزار تومان فرزندان ما را خوب آموزش دهند... آیا می دانید بیشتر بازنشستگان در بنگاههای اقتصادی کار خدماتی انجام می دهند و با سیلی صورت خود را سرخ می کنند؟ آیا می دانید زندگی کارگران شبیه دوران بردگی است؟» (رضایی، در مجلس رژیم، ۲۷ فروردین ۱۳۹۸).

۳۰- ولایت خامنه ای برای مهار جنبش فرودستان و زحمتکشان به حربه همیشهگی یعنی تهدید، زندان، شکنجه و صدور احکام ظالمانه متوسل می شود. دستگیری فعالان کارگری، معلمان، دانشجویان، جوانان معترض و ... راهکار حکومت برای مهار جنبشهای اعتراضی بوده و خواهد بود.

در واکنش به وضعیت فاجعه بار زندگی، اقشار گوناگون مردم راهی جز مبارزه و پایداری برای زندگی انسانی و شرافتمندانه ندارند.

پاسدار حسین رحیمی، از سرکردگان نیروی انتظامی تهران بزرگ، اعتراف می کند که در ۹ ماه اول سال ۱۳۹۷ تعداد ۹۳۳ تجمع در تهران بزرگ وجود داشته است (ایلنا، ۱۰ دی ۱۳۹۷).

سرکرده نیروی انتظامی استان خوزستان نیز به ۶۵۰ حرکت اعتراضی کارگری طی همین مدت اعتراف می کند (ایرنا، ۳ دی ۱۳۹۷).

دبیرخانه و کمیسیونهای شورای ملی مقاومت ایران و همچنین شبکه اطلاع رسانی سازمان مجاهدین خلق ایران به حرکتهای اعتراضی سال پیش مثل تجمع و اعتصاب روزمره کارورزان، اعتصاب و تظاهرات شکوهمند کارگران نیشکر هفت تپه و کارگران گروه ملی فولاد اهواز، اعتصاب سراسری در شبکه راه آهن، اعتراض گسترده کامیونداران، جنبش اعتصابی کشاورزان شرق و غرب اصفهان، اعتصاب و تحصن گسترده معلمان، تجمعهای مداوم بازنشستگان، حرکتهای اعتراضی دانشجویان و پرستاران، حرکتهای پُر شمار سپرده گذاران غارت شده، اعتراضهای مداوم کارورزان شهرداریها علیه شرکتها پیمانی و ... پوشش خبری دادند. در مبارزات سال گذشته زنان ایران نقش برجسته ای به عهده گرفتند.

۳۱- سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ترازنامه حرکتهای اعتراضی در سال ۱۳۹۷ را منتشر کرده است. بر اساس این ترازنامه در این سال ۹۴۷۳ حرکت اعتراضی از جانب کارگران، کشاورزان، معلمان، بازنشستگان، غارت شدگان، کامیونداران، پرستاران، طرفداران حفاظت از محیط زیست و بازاریان صورت گرفته که بیش از نیمی از آن به جنبش سازمانیافته کامیونداران مربوط است. در این بیلان بسیاری از حرکتهای اعتراضی که در رسانه ها پوشش خبری نداشته نیامده است. همچنین از ۱۶ آذر ۱۳۹۶ تا ۱۶ آذر ۱۳۹۷ تعداد ۲۴۳ حرکت اعتراضی دانشجویان صورت گرفته است.

از آغاز سال جدید تا پایان خرداد ۱۳۹۸ با وجود تعطیلات نوروزی، مذهبی و حکومتی بیش از ۳۶۰ حرکت اعتراضی صورت گرفت.

بر اساس آمار ثبت شده به وسیله سازمان مجاهدین خلق ایران، در ماه گذشته (تیر ۹۸) حرکتهای اعتراضی یک افزایش نسبی نسبت به سه ماه اول سال را نشان می دهد. طی این ماه دست کم تعداد ۲۶۷ حرکت اعتراضی در ۷۸ شهر، روستا و منطقه صنعتی - تجاری شکل گرفته است.

بر طبق این آمار، به طور متوسط روزانه ۹ حرکت اعتراضی توسط کارگران، فرهنگیان، غارت شدگان، بازنشستگان، کشاورزان، سیل زدگان و سایر اقشار صورت گرفته که از جمله عبارتند از: ۱۳۰ حرکت اعتراضی توسط کارگران در ۴۱ شهر، منطقه تجاری و شهرک صنعتی به خاطر عدم دریافت چندین ماه حقوق معوقه، عدم استخدام رسمی، عدم دریافت بیمه، بلاتکلیفی شغلی، خصوصی سازی شرکت، اخراج از کار، قطع فوق العاده کاری و پایین بودن دستمزد.

مهمترین اعتراضات کارگری به قرار زیر است:

- تجمع چند روزه کارگران پالایشگاه نفت در شهرهای مختلف؛

- تجمع چند روزه کارگران قند فسا؛

- تجمع چند روزه کارگران کارخانه آب معدنی داماش؛

- تجمع چند روزه کارگران راه آهن نیشابور، بندرعباس، نورآباد شازند، احمدآباد، سیرجان، دورود، تبریز، خرم آباد، اندیمشک؛

- تجمع چند روزه کارگران شهرداری در شهرهای لالی، اهواز، رشت، آذربایجان، لوشان، منجیل، اردل، بروجرد، جیرفت، شاهین شهر، سرفاریاب در استان کهگیلویه و بویراحمد، آغاچاری.
در همین ماه غارت شدگان ۱۳ حرکت اعتراضی، فرهنگیان ۹ حرکت اعتراضی، بازنشستگان ۷ حرکت اعتراضی و کشاورزان ۳ حرکت اعتراضی داشتند.
۸۱ حرکت اعتراضی دیگر نیز توسط اقشار مختلف شکل گرفت.
طی همین ماه ۲۴ مورد اعتصاب غذا توسط زندانیان سیاسی صورت گرفته است.

۳۲- جهتگیری حرکت‌های اعتراضی، به‌رغم تفاوت خاستگاه اجتماعی نیروهای شرکت کننده در این حرکت‌ها، علیه حاکمیت در کلیت آن بود و کانون‌های شورشی در آن مداخله مؤثر داشتند.
شعارهای معترضان نشان داد که کارگران، مزدبگیران و تهیدستان شهر و روستا با رژیم حاکم مقابله می‌کنند. شعارهایی چون: «کارگر زندانی آزاد باید گردد/ معلم زندانی آزاد باید گردد/ دانشجوی زندانی آزاد باید گردد/ نان، کار، آزادی - حق مسلم ماست/ دستمزد عادلانه، حق مسلم ماست/ دولت خیانت می‌کند - مجلس حمایت می‌کند/ تورم، گرانی، پاسخ بده روحانی/ رو به میهن، پشت به دشمن/ سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن/ دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گن آمریکاست/ می‌ایستیم، می‌جنگیم، حقمونو می‌گیریم/ مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت»/ و نظایر آن، که بارها توسط گروه‌های گوناگون اجتماعی در حرکت‌های اعتراضی فریاد زده شد، همین حقیقت را برجسته می‌کند.
خامنه‌ای در ۲۲ مرداد ۱۳۹۷ در مورد جنبش‌های مرداد ۱۳۹۷ در شهرهای متعدد نیز گفت: «برخی مقامات آمریکا گفتند ۶ ماه دیگر خبرهایی از ایران خواهید شنید، منظور آنها همین حوادث مرداد بود که با وجود هزینه‌های فراوان مالی و سیاسی دشمنان، چند جا و چند نفر جایی جمع شدند و شعار می‌دادند».
خامنه‌ای می‌داند که دشمن اصلی او و نظام حاکم، مردم ایران و مقاومت سازمانیافته آنان و کانون‌های شورشی هستند و برای پنهان کردن همین واقعیت، نیروی خارجی را عنوان می‌کند.

۳۳- حرکت‌های اعتراضی در چنین ابعادی ادعاهای پوچ تحلیل‌گران سطحی‌نگر و حامیان سیاست مماشات را، که ولایت‌فقیه را نظامی تثبیت شده فرض می‌کردند و تحریم رژیم را باعث فروکش اعتراض‌های مردم ارزیابی می‌کردند، برملا کرد. آنها این حقیقت را از دید مردم پنهان می‌کردند که این نظام تنها با ابزار سرکوب‌های خونین و امتیازهای ویژه استمالت‌جویان غربی است که به شکل تصنعی به حیات خود ادامه می‌دهد.
رژیم ولایت فقیه فاقد مؤلفه‌های واقعی قدرت بر بنیاد جامعه است و اگر سرنیزه از آن گرفته شود با سه سوت فرومی‌ریزد.
شعارهای «رو به میهن، پشت به دشمن/ سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن/ دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گن آمریکاست...» شکنندگی، سستی و عدم مشروعیت نظام ولایت فقیه را برملا کرد.
مضمون و پیام جنبش‌های اعتراضی، خواست قاطبه ایرانیان را مشخص می‌کند: بسته شدن کارخانه تولید فساد، سرکوب و تروریسم نظام ولایت فقیه و پایان کار جناح‌های درونی این حکومت.

۳۴- از مهمترین حرکت‌های اعتراضی در سال گذشته جنبش سازمانیافته کامیونداران و رانندگان ماشین‌های سنگین است. این گروه اجتماعی از بحران اقتصادی و سیاست‌های ضد مردمی رژیم خُسران‌های زیادی دیده‌اند. خودروهای سنگین مخصوص حمل و نقل کالا نقش مهمی در حیات اقتصادی ایران دارند. بیش از ۹۰ درصد حمل و نقل کالاهای کشور از طریق حمل و نقل جاده‌ای می‌گردد.
دستمزد پایین، افزایش بی سابقه هزینه‌های تعمیر و نگهداری کامیونها، عدم پرداخت حق بیمه سهم دولت، عوارض باربری و جاده‌ای، افزایش قیمت لاستیک و قطعات یدکی و درصد بالای حق کمیسیون شرکت‌های باربری، زندگی رانندگان زحمتکش کامیون را، که روز و شب را در جاده‌ها و به دور از خانواده می‌گذارند به تباهی کشانده است.
در سال گذشته کامیونداران و رانندگان خودروهای سنگین با فراخوان قبلی و با شعار «حق دادنی نیست، بلکه گرفتنی است» طی ۵ دوره دست به اعتصاب زدند. اعتصاب قدرتمند رانندگان کامیون و ماشین‌های سنگین، کارگزاران حکومت را به شدت هراسان کرد.

روز ۲۳ مرداد ۱۳۹۷، دور دوم اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و خودروهای سنگین میان جاده‌ای پس از ۲۳ روز متوالی و گسترش آن در ۲۰۰ شهر از ۳۱ استان کشور، پس از تحقق برخی از خواسته‌های آنان به طور موقت پایان یافت

۲۵ - روز ۳۱ شهریور ۱۳۹۷، دور سوم اعتصاب سراسری کامیونداران و رانندگان ماشینهای سنگین در مشهد، اهواز و اصفهان با فراخوان قبلی آغاز شد و به تدریج به شهرهای گرگان، مهران، تهران، سمنان، سرپل ذهاب، زنجان، ساوه، زرین، اراک، ساوه، گمرک سرخس، مهدی شهر، ساری، آمل، قائمشهر، نیشابور، اسلامشهر (واقع در استان تهران)، بیرجند و سایر نقاط گسترش یافت.

اعتصاب کامیونداران و رانندگان ناوگان حمل و نقل جاده پی ۲۱ روز ادامه پیدا کرد و طی این مدت به ۳۸۱ نقطه در شهرها، شهرستانها و جاده ها در ۳۱ استان کشور گسترش یافت.

در جریان این جنبش پرتوان دست کم ۲۷۰ راننده در ۲۰ استان از سوی نیروهای سرکوبگر امنیتی در استانهای قزوین، البرز، تهران، اردبیل، اصفهان، خوزستان، فارس، آذربایجان شرقی، چهارمحال و بختیاری، کرمان، گلستان، کردستان، سمنان، کرمانشاه، زنجان، بوشهر، همدان، خراسان شمالی و خراسان رضوی بازداشت شدند.

دور چهارم اعتصاب کامیونداران و رانندگان خودروهای سنگین در ۲۰ آبان ۱۳۹۷ شروع شد و ۱۱ روز در ۶۵ شهر در ۲۴ استان ادامه داشت.

دور پنجم اعتصاب کامیونداران و رانندگان خودروهای سنگین در اول دی ۱۳۹۷ در شهرهای مختلف آغاز شد و در ۱۰ دی پایان یافت. این اعتصاب در ۶۰ شهر در ۲۵ استان جریان داشت.

۳۶- تجمع بازنشستگان کشوری در ۲۸ خرداد ۱۳۹۸ در مقابل مجلس رژیم با شعارهای ضد حکومتی عمق و وسعت شکاف بین توده های مردم و حاکمیت را نشان داد. بازنشستگان در این گردهمایی شعارهایی همچون «جنگ افروزی را رها کن - فکری به حال ما کن/ دولت خیانت می کند - مجلس حمایت می کند/ دانشجو، معلم کارگر، اتحاد، اتحاد/ فریاد، فریاد، از این همه بیداد/ گرانی تورم، بلای جان مردم/ معلم زندانی آزاد باید گردد/ بازنشسته می میرد - ذلت نمی پذیرد/ دشمن ما همین جاست - دروغ میگن آمریکاست» سردادند.

شعار «جنگ افروزی را رها کن - فکری به حال ما کن»، دو پیام مشخص داشت: اول آن که، مردم به سیاستهای ضد مردمی و میهن بر باد ده ولایت خامنه ای آگاهی دارند و دوم این که، افشاگریهای مقاومت ایران طی چندین دهه گذشته پیرامون سیاست جنگ طلبانه رژیم به منظور صدور ارتجاع و بنیادگرایی تحت نام اسلام تأثیرات خاص خود را بر جای گذاشته است.

۳۷- حرکتهای سراسری معلمان که با فراخوان قبلی صورت می گیرد، هم وضعیت وخامت بار نیروی آموزش دهنده فرزندان ایران زمین را نشان می دهد و هم نشان از آن دارد که فرهنگیان آگاهند و از استبداد و دیکتاتوری و تبعیض بیزارند. معلمان ایران در سال گذشته دست به چند رشته حرکت سراسری زدند. برای مثال:

- روز ۲۲ مهر ۱۳۹۷، معلمان در شهرهای مختلف از جمله تهران، سقز، رشت، لاهیجان، یزد، تبریز، بابل، کرمانشاه، بهبهان، سرپل ذهاب، شیراز، سنندج، آمل، مریوان، دیواندره، گرمه، مشهد، خرم آباد، البرز، فیروزکوه، مبارکه، تربت جام، روانسر، شیروان، بابل، اسلام آباد غرب، اصفهان، سبزوار، زرین شهر، بجنورد، جوانرود، ساری، کرج، ایوان غرب، همدان، یاسوج، بهارستان، پاره، اسلام شهر، پلدختر، سروآباد، امیدیه، کازرون، سمیرم، روستای کمار جلفا، شاهین دژ، قزوین، فیروزآباد، مهاباد، ایوان غرب، شاهین شهر، خمینی شهر (اصفهان)، رومشکان (لرستان)، ایلام، گناباد، تربت حیدریه، لامرد فارس، سروآباد کردستان، باینگان پاره، تاکستان، زیویه کردستان، پل دختر، ارومیه، آستانه اشرفیه، لنگرود و ... کلاسهای درس را تعطیل کرده و دست به اعتصاب زدند.

۳۸- در سال گذشته، کشاورزان تشنه آب در شرق و غرب اصفهان حرکتهای اعتراضی پُرشماري انجام دادند. در خیزش پرتوان کشاورزان شعارهایی برای اولین بار مطرح و به سرعت به بخشهای دیگر جنبش منتقل می شد. شعار «دشمن ما همین جاست»، شعار «پشت به دشمن» از آن جمله است.

- روز ۳۰ مهر ۱۳۹۷، کشاورزان شرق اصفهان برای سی و یکمین روز متوالی با تجمع تراکتهای خود در معابر شرق اصفهان دست به تجمع زدند. همچنین در تمامی روزهای آبان ۱۳۹۷، کشاورزان شرق و غرب اصفهان در ادامه اعتراض گسترده خود، که از آغاز مهر سال جاری آغاز شده، دست به تحصن و اعتصاب زدند. کشاورزان اصفهان در ماه آبان در مجموع حدود ۷۰ حرکت اعتراضی در نقاط مختلف شرق و غرب اصفهان انجام دادند. کشاورزان خوراسگان در تمام آذر ماه ۱۳۹۷، در میدان تره بار خوراسگان تجمع و تحصن کردند.

در سال جاری نیز مسأله آب و بستن آب بر روی زاینده رود همچنان مسأله مهمی برای کشاورزان اصفهان است.

۳۹- در سال گذشته، خیزش کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز، تأثیرات زیادی در تغییر تعادل قوا بین رژیم و جنبش توده یی برجای گذاشت.

- روز ۱۴ آبان ۱۳۹۷، کارگران رسمی و روزمزدی شاغل بخش صنعت و کشاورزی مجتمع نیشکر هفت تپه با فراخوان قبلی و صدور دو بیانیه، مقابل ساختمان اداری شرکت تجمع کردند. در هفدهمین روز خیزش کارگران نیشکر هفت تپه و پس از فاش شدن خبر کذب آزادی ۴ تن از نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه، کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در تماسهای خود اعلام کردند که دقایقی پیش نیروهای یکان ویژه استان لرستان جهت سرکوب کارگران نیشکر هفت تپه وارد شهر شوش شدند و در ستاد فرماندهی نیروی انتظامی این شهر مستقر شدند.

- روز اول آذر، کارگران نیشکر هفت تپه هجدهمین روز اعتصاب خود را با تجمع مقابل فرمانداری شوش آغاز کردند. اعتصاب و تجمع در مجموع به مدت بیست و هشت روز تا ۱۱ آذر ادامه داشت. طی این مدت رژیم انواع ترفندها و توطئه‌ها را علیه کارگران به کار بست.

در همین ایام کارگران گروه ملی صنعتی فولاد در اهواز در حال اعتصاب و تجمع و تظاهرات چشمگیر خیابانی بودند. اعتصاب و تجمع آنها از ۱۹ آبان آغاز شده بود و در آذر ماه ادامه پیدا کرد. در روز ۳۰ آبان ۱۳۹۷، کارگران در مقابل استانداری خوزستان در اهواز تجمع کردند. روز ۳ آذر، کارگران و تعداد زیادی از مردم اهواز، به تجمع و اعتراض در مقابل استانداری برخاستند و در سطح شهر به راهپیمایی پرداختند. خیزش کارگران گروه ملی فولاد ایران تا روز ۲۸ آذر ادامه یافت.

فصل پنجم:

تشدید رکود تورمی اقتصاد، منشأ و پیامدهای آن

۴۰- سیر تحول شاخصهای اصلی اقتصاد ایران تحت حاکمیت نظام ولایت فقیه در سال گذشته، بر تعمیق و گسترش رکود تورمی و عوارض اجتماعی آن دلالت دارند. غوطه ورشدن اقتصاد کشور در تورم بالای ۵۰ درصد (ابرتورم) و سقوط نرخ رشد اقتصاد به منفی حدود ۵ درصد، شواهد این روند فقرافزا هستند.

شاخص تعیین کننده نرخ رشد اقتصاد کشور بنا به روایت محتاطانه مرکز آمار در سال ۱۳۹۷، منفی ۹/۴ درصد اعلام شده است («دنیای اقتصاد»، ۳۰ خرداد ۹۸). صندوق بین المللی پول که بر تحولات اقتصادی کشورها نظارت مستمر دارد، در گزارش ماه آوریل ۲۰۱۹ خود رکودی عمیق تر از پیش بینی قبلی خود را برای اقتصاد ایران ارزیابی کرده است. بنا بر ارزیابی این مرجع بین المللی، نرخ رشد اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۸ میلادی منفی ۹/۳ درصد بوده و برای سال ۲۰۱۹ منفی ۶ درصد را پیش بینی کرده است. گزارش بانک جهانی نیز پیش‌بینی کرده که در میان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، ایران تنها کشوری است که رشد اقتصادی منفی را در سال جاری تجربه می‌کند. حتی یمن که با جنگ داخلی مواجه است، رشد اقتصادی مثبت خواهد داشت.

۴۱- بنا بر شاخص نرخ رشد اقتصاد، جامعه ایران در سال ۹۷ نزدیک به ۵ درصد فقیرتر از سال ۹۶ شده و برای سال ۹۸ فقر عمومی بیش از ۶ درصد نسبت به سال ۹۷ افزایش خواهد یافت.

مرکز آمار در گزارش اردیبهشت ۹۸ خود از رسیدن نرخ تورم نقطه به نقطه به بالای ۵۲ درصد (ابرتورم) خبر داده و اعلام کرده که سطح عمومی قیمتها در اردیبهشت سال ۹۸ بیش از ۵۲ درصد نسبت به اردیبهشت سال ۹۷ افزایش یافته است.

در همین گزارش اعتراف شده است که سطح قیمت قوت لایموت مردم، یعنی مواد غذایی در اردیبهشت ۹۸ بیش از ۸۰ درصد، نسبت به اردیبهشت ۹۷ گرانت‌ر شده است.

پیامد ملموس گسترش رکود تورمی، منفی شدن نرخ رشد اقتصادی، گرانی و تورم بالای ۵۰ درصد، گسترش بیکاری و فقر عمومی و محرومیت خاص مزدبگیران و حقوق بگیرانی است که درآمد ثابتی دارند. آنها با محرومیت و فقری گسترده تر و عمیق تر از سایر اقشار مواجه هستند. حداقل دستمزد ماهانه یک میلیون و ۷۶۰ هزار تومانی کارگران در سال جاری، دو میلیون تومان با برآورد هزینه معیشت ماهانه یک خانوار سه و سه دهم نفری در سال گذشته، تفاوت دارد. کمیته مزد شورای عالی کار در بهمن سال گذشته سبد معیشت

ماهانه را سه میلیون و ۷۶۰ هزار تومان اعلام کرده بود. بنا بر ارزیابی بخش کارگری این کمیته بر اثر جهش قیمت‌های مایحتاج کارگران، «سبد معیشت ماهانه» خانواده ۳/۳ نفری کارگر به ۶ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان، یعنی ۳/۶ برابر حداقل دستمزد این قشر محروم رسیده است. رسول خضری، نماینده رژیم در مجلس، روز ۱۰ مرداد ۹۷ در گفتگو با خبرگزاری مجلس اعلام کرد که خط فقر در شهرهای بزرگ به ۶ میلیون تومان رسیده است. این روند شوم، می تواند محرومان جامعه را محروم تر و قشر متوسط جامعه را به محرومیت بکشانند.

۴۲- برخی از منابع کارشناسی داخلی بدون پرداختن به منشأ سیاسی رکود اقتصادی روی عوامل تعیین کننده اقتصادی آن انگشت می گذارند و اعلام می کنند که کاهش شدید نرخ سرمایه گذاری و فرار سرمایه ها توأم با استهلاک ظرفیت تولید، از عوامل تعیین کننده رکود بوده است. سال گذشته نرخ رشد تشکیل سرمایه منفی ۵/۶ درصد بوده و رشد تشکیل سرمایه در ماشین آلات به رقم منفی ۹/۶ درصد رسیده است («دنیای اقتصاد»، ۳۰ خرداد ۹۸). اما کاهش شدید و منفی شدن این چنینی نرخ سرمایه گذاری، معلول علتهای زمینه سازی مانند نامساعد شدن «فضای کسب و کار» است که منشأ آن سیاستهای داخلی و خارجی حکومت است. برخورداری انحصاری شرکتهای متعلق به دو رکن حکومت، یعنی سپاه و بیت رهبری رژیم، از امتیازات چشمگیر نظیر معافیت از پرداخت مالیات، که شرایط رقابتی در عرصه اقتصاد را از بین برده و سرمایه گذاری و فعالیتهای بخش خصوصی واقعی را ناممکن کرده، سمت و سویی کاهنده داده و به رکود اقتصادی کشانده است. این علت سیاسی با خود مشکلات اقتصادی متعددی به همراه آورده که مهمترین آنها «نبود شرایط رقابتی واقعی است که در آن هر فعال اقتصادی بتواند سهم برابر داشته باشد و نقش مساوی بازی کند» («خبرنامه گویا»، ۲۵ فروردین ۹۵، به نقل از علی رشیدی، کارشناس اقتصادی). کارشناسان داخلی نمی توانند از این فراتر روند! اما واقعیت آن است که این «مهمترین مشکل اقتصادی» کشور نیز مشکلی فرعی است که از مشکل اصلی و ریشه یی الزامات نظام ولایت فقیه در ایران ناشی شده است.

۴۳- شرایط غیر رقابتی و به عبارت دیگر، شرایط انحصاری اقتصاد ایران از فعالیت اقتصادی رانت خوارانه و بلامعارض شرکتهای متعلق به سپاه پاسداران و مؤسسات وابسته به بیت ولی فقیه در عرصه اقتصاد ایران حاکم شده است. از محل درآمد این فعالیتهای بخش مهمی از هزینه های امنیتی - نظامی خارجی و داخلی مربوط به پاسداری و حفظ نظام ولایت فقیه تأمین می شود. هزینه عملیاتی و خدماتی نیروهای سرکوبگر انتظامی، بسیج و سپاه در داخل کشور و هزینه های عملیاتی و کمک رسانی سپاه پاسداران در بیرون مرزها شامل فعالیت گسترده سپاه قدس در سوریه، عراق، لبنان، یمن و... است. فعالیت اقتصادی مخرب سپاه و بیت ولی فقیه و به تبع آن فضای غیر رقابتی و انحصاری، مهمترین مشکل اقتصادی است که استمرار آن به موجودیت نظام ولایت فقیه گره خورده و رفع این مشکل اساسی به نفی موجودیت و نابودی نظام راه می برد.

۴۴- شوک اقتصادی ناشی از تشدید تحریمها که به کاهش شدید صادرات نفت خام و محصولات پتروشیمی منجرشد، ریشه یی سیاسی دارد و اگر رژیم به شرارتهای اتمی، موشکی و بی ثبات کردن برخی کشورهای منطقه خاتمه می داد، قابل اجتناب بود. این شوک، رژیم ولایت فقیه را به شدت تضعیف و آسیب پذیرکرده و فرصتی استثنایی برای واردآوردن ضربه های نهایی بر پیکر این رژیم اصلاح ناپذیر است که اقتصاد یعنی محمل مادی معیشت مردم را در معرض نابودی قرارداده است.

این شوک که با خروج آمریکا از توافقنامه برجام و بازگشت تحریمهای نفتی و بانکی ثانویه خاص این کشور شکل گرفت، به وضوح نشان داد رژیم ولایت فقیه معتاد و متکی به صادرات نفت است و موجودیت سیاسی و مدیریت اقتصادی آن کماکان به طور ساختاری وابسته به صادرات نفت است.

درآمد نفتی و صادرات پتروشیمی در اساس با قید اولویت، خرج تأمین ریخت و پاشهای سیاسی رژیم می شود و بخشی از آن با هدف امنیتی، ارز لازم برای واردات مواد واسطه تولید داخلی و مواد مصرفی وارداتی را تأمین می کرده است. بازگشت تحریمهای ثانویه نفتی آمریکا که در یک سال گذشته در دو مرحله انجام گرفت، در سقوط و منفی شدن رشد اقتصادی نقشی تعیین کننده داشته و دارد.

به گزارش نهاد آماری کمیسیون اروپا (یورواستات) صادرات ایران به اتحادیه اروپا، که در چهار ماه اول سال ۲۰۱۸ سه میلیارد و ۷۹۰ میلیون یورو بوده، در چهار ماه اول سال ۲۰۱۹ به ۲۶۰ میلیون یورو رسیده و صادرات ایران به چین نیز در پنج ماه اول سال جاری ۴۶/۶ درصد کاهش یافته است.

۴۵- درمورد برآورد ضربه مالی که از سرگیری تحریمها بر رژیم آخوندها وارد آورده است، صادرات نفت بعد از لغو معافیت‌های وارداتی ۸ کشور اصلی وارد کننده آن توسط خزانه داری آمریکا طبق یک گزارش رویتر در ژوئن ۲۰۱۹ (خرداد ۹۸)، از ۲/۸ میلیون بشکه به ۳۰۰ هزار بشکه در روز رسید.

خبرگزاری رسمی رژیم (ایرنا) در ۲ تیر ۱۳۹۸ به نقل از پورمحمدی، معاون امور اقتصادی و هماهنگی سازمان برنامه و بودجه، نوشت: «بودجه عمومی سال ۱۳۹۸ به مبلغ ۴۴۸ هزار میلیارد تومان و بر اساس فروش ۳۰۰ هزار بشکه نفت در روز بسته شده است».

نکته قابل توجه آن که، رژیم برای فروش همین میزان نفت از طریق دورزدن تحریمها مجبور است به خریدار تا ۵۰ درصد تخفیف بدهد. اگر این وضعیت ادامه یابد کل درآمد ناشی از صادرات نفتی رژیم در سال به حدود ۳ میلیارد دلار خواهد رسید. مسئول امور ایران در وزارت خارجه آمریکا در ۵ تیر ۹۸ اعلام کرد که «تحریمها تاکنون ایران را از فروش ۵۰ میلیارد دلار نفت محروم کرده است».

رویتر در روز ۸ مرداد به نقل از منابع صنعتی و کشتی‌رانی گزارش داد که رژیم ایران در ماه ژوئیه به طور متوسط روزانه ۱۰۰ هزار بشکه نفت فروخته است. با چنین روندی فروش نفت حکومت آخوندی می تواند به سمت صفر برود.

با توجه به این که رژیم از زمان دولت احمدی نژاد به خرج کردن سیاسی- اقتصادی سالانه بیش از یکصد میلیارد دلار از درآمد ناشی از صادرات نفت پرداخته و به چنین ابعادی از درآمد نفت معتاد شده است، می توان به فشار مالی ناشی از تحریم نفت و عوارض اجتماعی آن بر روی رژیم پی برد.

۴۶- مدیریت اقتصادی رژیم در واکنش به این فشار عجالتاً درآمد ارزی نفتی را که با دورزدن تحریم به دست می آورد، بیشتر به مصرف هزینه های سیاسی برون مرزی خود می رساند و جز تأمین ارز وارداتی در ازای بخشی از «کالاهای اساسی» به قیمت دلاری ۴۲۰۰ تومان، سعی می کند سایر نیازهای ارزی مردم از منابع غیرنفتی فراهم شود. مثلاً ارز مورد نیاز واردات کالا توسط واردکنندگان را به سامانه ارزی موسوم به «نیم» (نظام یکپارچه معاملات ارزی) موکول می‌کند. قرار است در این سامانه، صادرکننده، ارز ناشی از صادرات غیرنفتی را با نرخ توافقی، به وارد کننده کالا بفروشد. ارز مورد نیاز مسافران خارج کشور قرار است توسط شَعَب برخی از بانکها، با نرخی نزدیک به نرخ آزاد ارز، که هر روز صبح تعیین و اعلام می کنند، از فروشندگان اندوخته های ارزی موسوم به «دلارهای خانگی» خریداری و به مسافر فروخته شود.

۴۷- طی سالهای اخیر، درآمد ناشی از صادرات محصولات صنعت پتروشیمی توسط سپاه پاسداران، مکمل درآمد نفت و پشتوانه فعالیت‌های سیاسی این رکن حاکمیت بوده است. سپاه «هلدینگ» مجتمع پتروشیمی خلیج فارس را که ۳۹ شرکت تولیدی پتروشیمی و چند شرکت صادراتی مستقر در خارج زیر مجموعه آن است، در اختیار گرفته است. این مجتمع بالغ بر ۵۰ درصد صادرات پتروشیمی کشور، که مبلغ آن را بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار گزارش کرده اند، در دست دارد. این مجتمع توسط خزانه داری آمریکا با استناد به قرارگرفتن سپاه پاسداران در لیست جریانهای تروریستی، در ۱۷ خرداد ۱۳۹۸ تحریم شد. این تحریم می تواند رژیم را از دستیابی به ۶ میلیارد دلار درآمد ارزی دیگر بی نصیب کند. در شرایطی که درآمد صادراتی نفت ایران به حدود ۳ میلیارد دلار رسیده، این تحریم ضربه مالی سنگین دیگری بر نیروی تروریستی سپاه پاسداران وارد می کند.

۴۸- علاوه بر کسری ارزی، به لحاظ کسری ریالی بودجه نیز، تحریم نفتی دولت روحانی را با کسری هنگفت بودجه عمومی مواجه کرده و به خواست خامنه ای سران سه قوه رژیم زیر عنوان «شورای عالی سیاستگذاری اقتصادی» مأمور شده اند که برای اصلاح و انطباق بودجه دولت با تحریم، سیاستگذاری کنند.

مقامات رژیم هنوز در این مورد تصمیم مشخصی نگرفته اند، اما این رژیم درمورد تأمین ریالی بودجه مثل تأمین ارزی تجارت خارجی، که شرح آن داده شد، بدون هرگونه دست بستگی با افزایش شدید حجم نقدینگی تورم زا، و استقرار دولت از بانک مرکزی و سیستم بانکی روی می‌آورد.

تورم موجود دو منشأ عمده دارد: بی ثباتی و سیر فراینده قیمت ارز، که طبعاً افزایش قیمت و گرانی کالاهای وارداتی و به تبع آن گرانی کالاهای و خدمات مورد نیاز جامعه را به همراه می آورد. این روند البته بر پتانسیل انفجاری جامعه می‌افزاید.

۴۹ - در سال گذشته، قیمت ارز در بازار آزاد به شدت متلاطم شد و در نیمه خرداد ۹۸ ارزش برابری ریال در مقابل دلار ۲/۲ برابر نسبت به هفته منتهی به ۱۱ خرداد ۹۷ سقوط کرد و قیمت هر دلار به حدود ۱۴ هزار تومان رسید.

منشأ داخلی طغیان قیمت ارز قیامهای دی ماه ۹۶ بود. این طغیان هنگامی صورت گرفت و آغاز شد که هنوز تحریمهای آمریکا از سرگرفته نشده بود. در واقع قیامها به لحاظ اقتصادی نشان دادند که به تبع اوضاع سیاسی، اوضاع اقتصادی کشور روندی ناپایدار و بی ثبات به خود گرفته است. در این شرایط صاحبان اندوخته های ریالی برای حفظ ارزش اندوخته ریالی خود و سوداگرانی که صاحب بخش اصلی نقدینگی ریالی کشور هستند، برای سودجویی، وارد بازار ارز شدند و تقاضا برای ارز را در بازار به شدت بالا بردند.

دولت و بانک مرکزی، درمانده از مهار و کنترل بازار ارز، در ۲۰ فروردین ۹۷، یعنی حدود یک ماه قبل از خارج شدن آمریکا از برجام، به اقدامی نا به هنگام و ناشیانه دست زدند و مدعی «یکسان سازی نرخ ارز» شدند و در بیانیه یی اعلام کردند که «کلیه نیازهای ارزی متقاضیان» را به نرخ هر دلار ۴۲۰۰ تومان، حدود ۵۰ درصد نرخ روز ارز، در بازار آزاد، در اختیار آنها می گذارد و هرنوع معامله فراتر از این نرخ، «قاچاق» محسوب می شود و تحت پیگرد قرارخواهد گرفت. در عمل نیز با دستگیری دلّالان خیابانی و صرافیهای غیرمجاز فضای سرکوب را بر بازار آزاد ارز حاکم کردند.

به این ترتیب در مدت کوتاهی که دولت روحانی سعی کرد ادّعای یکسان سازی نرخ ارز را به اجرا بگذارد، رانت خواران حکومتی برای به جیب زدن رانت و اختلاف قیمت نزدیک به ۵۰ درصد با قیمت ارز در بازار آزاد، به سرعت به سمت ثبت سفارش واردات انواع کالاها و دریافت ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات آنها هجوم آوردند و بنا بر برخی از منابع در همین مدت کوتاه بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار از ذخایر ارزی بانک مرکزی را به قیمت دلاری ۴۲۰۰ تومان از این بانک خارج کردند.

۵۰ - همزمان با خارج شدن آمریکا از برجام در ۱۸ اردیبهشت ۹۷ و آماده شدن شرایط برای از سرگیری تحریمهای نفتی و بانکی خاص این کشور، دولت روحانی به ادّعای یکسان سازی نرخ ارز پایان داد و اعلام کرد پرداخت ارز ۴۲۰۰ تومانی را فقط به واردات کالاهای اساسی اختصاص می دهد. در این شرایط سیر صعودی قیمت ارز با سرعت بیشتری ادامه یافت و قیمت دلار در بازار آزاد به ۱۹ هزار تومان هم رسید.

بانک مرکزی با تزریق مقداری ارز به بازار آزاد و تشدید سرکوب عاملان غیرحکومتی این بازار، به طور مقطعی از ادامه طغیان و سرکشی نرخ ارز به قیمتهای بالاتر هر دلار از ۲۰ هزار تومان جلوگیری کرد. در واقع به خواست دولت و بانک مرکزی سیاست سرکوب معاملات آزاد ارزی گسترش یافت و از جمله با وادار کردن واردکنندگان کالا و دیگر متقاضیان عمده ارز به تهیه و خرید ارز مورد نیاز خود از مجاری نظیر سامانه «نیمّا» این سیاست به اجرا گذاشته شد. اما علل بی ثباتی بازار ارز همچنان پا برجا مانده و «تورم ارزی» ناشی از آن همچنان اقتصاد کشور را دربرگرفته است.

در بخش پولی، وام بانکها عمدتاً به دولت و شرکتهای دولتی و حکومتی داده می شود. این وامها عموماً بازگشت داده نمی شود و سوخت و سوز زیاد دارد که بانکها را که اغلب ورشکسته شده اند با استقراض از بانک مرکزی سرپا نگهداشته است. این استقراض که موعد بازپرداخت آن تعیین نشده، باعث افزایش پایه پولی و به تبع آن، افزایش میزان نقدینگی تورم زا می شود.

۵۱ - بانک مرکزی با انتشار گزیده آمارهای اقتصادی در پایان سال ۹۷، حجم نقدینگی را ۱۸۲۸ هزار میلیارد تومان اعلام کرد که نسبت به پایان سال ۹۶ معادل ۲۳/۱ درصد افزایش نشان می دهد. این در حالی است که این افزایش در دوره مشابه سال گذشته ۲۲/۱ درصد بوده است («خبرگزاری تسنیم»، ۱۷ تیر ۹۸). این حجم نقدینگی، بیشتر از ارزش تولید ملی ایران در سال ۹۷ شده و برآورد می شود که با این نرخ رشد نقدینگی طی ماههای باقیمانده از سال ۹۸، هر روز حدود هزار میلیارد تومان بر میزان نقدینگی تورم زا اضافه خواهد شد.

میزان نقدینگی لازم برای اقتصاد ایران، همانطوری که در ماههای اولیه پس از انقلاب تجربه شده، حدود یک هفتم ارزش تولید ملی کشور بوده است. حال آن که این میزان در حال حاضر حدود ۵۰۰ هزارمیلیارد تومان بیشتر از رقم تولید ملی شده است. بر این مبنا با دست به دست شدن کمتر از یک هفتم از نقدینگی هنگفت بخش خصوصی می توان داد و ستد پولی لازم برای داد و ستد کالایی و خدماتی تولید ملی کنونی ایران را انجام داد و شش هفتم رقم نقدینگی کنونی مازاد بر نیاز اقتصاد است و به صورت بالقوه تورم زاست و به صورت

تقاضای بالقوه، و البته غیرضروری می تواند در برخی از مقاطع برای خرید کالا و خدمات تولیدی کشور بالفعل شود و باعث گرانی و تورم آنها شود.

رکود اقتصادی و تورم و به طور کلی رکود تورمی فقرافزای اقتصاد ایران، منشأ سیاسی دارد و به ساختار سیاسی نظام ولایت فقیه برمی گردد. بنابراین، مادامی که این نظام سیاسی بر کشور ما حاکم است، هیچگونه اصلاح اقتصادی ساختاری در اقتصاد بحران زده ایران در پیش رو نیست و فقر و بیکاری در جامعه ما گسترده تر و عمیق تر می شود.

فصل ششم:

سیلابهایی که چهل سال تبهکاری را برملا کرد؛ بحران آب و قتل عام طبیعت

۵۲ - مسأله آب و تخریب محیط زیست از چالشهای مهمی است که مردم در نقاط مختلف با آن درگیر هستند. ولایت خامنه ای و سپاه منفور پاسداران و وابستگانشان نقش اصلی را در تخریب محیط زیست دارند. فساد نهادینه شده و سیاستهای مخرب حکومت، به ویژه سپاه پاسداران، موجب ویرانیهای فاجعه باری در پایان سال گذشته و در بهار امسال شد. بارندگیهای شدید امسال می توانست با وجود حاکمیتی مردمی برای غلبه نسبی بر خشکسالی مفید باشد. اما حاکمیت جهل و جنایت آخوندی نه می خواست و نه می توانست از این بارندگیها استفاده بهینه کند و مشکل بی آبی همچنان ادامه پیدا کرد.

تبهکاریهای زیست محیطی ولایت خامنه ای و سپاه پاسداران زمینه ساز آثار مخرب سیل در فروردین امسال شد. فاجعه سیل در دروازه قران شیراز بر اثر ساخت و سازهای سپاه در بستر رودخانه صورت گرفت و سبب شد که در یک رگبار ده دقیقه ای حادثه مرگباری در شیراز ایجاد شود و عید مردم ایران را به عزا تبدیل کند. آن چه در استانهای گلستان، خوزستان، اتفاق افتاد، سیمای مخرب و ضد انسانی حاکمیت را برملا کرد.

بر پایه آمار کارگزاران حکومت، حدود ۱۰ میلیون تن تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم سیلهای فروردین بودند. ۲۲۵ شهر و بیش از ۴۳۰۰ روستا در ۲۵ استان ایران تحت تأثیر خسارات سیل قرار گرفت. ۴۰ هزار واحد مسکونی شهری و روستایی نیاز به بازسازی کامل داشت و ۴۱ هزار واحد مسکونی شهری و روستایی هم نیازمند تعمیر شدند.

۵۳ - واقعیت این است که سیل یک رویداد طبیعی و مستقل از اراده انسانهاست. اما با پیشرفت علم و تکنیک و دستاوردهای علمی و تجربه شده، روشهای سودمند و مؤثر برای مهار و کاهش زیانهای ناشی از سیل در اختیار مسئولان همه حکومتهاست. اما حکومت ایران به مردم پاسخگو نیست.

بررسی سیل بهار سال جاری این مسأله را به طور روشن به ثبت رساند که استبداد مذهبی و رژیم ملأها مسئول ابعاد ویرانگر و خسارهای کلان انسانی - طبیعی ناشی از آن سیل است.

ولایت چپاولگر خامنه ای و همه باندهای درونی آن هیچ برنامه و تدبیر پیشا سیل نداشتند. برعکس قتل عام بی رحمانه و بی محابای طبیعت، که منجر به نابودی نیمی از جنگلهای ایران شده، دست بردن در مسیل سیل و دست اندازی به حریم رودخانه ها، سدسازی بی رویه با بودجه های کلان، که توسط شرکتهای وابسته به سپاه پاسداران ساخته شده، خشک کردن «هور»ها و به ویژه «هورالعظیم» در مرز ایران و عراق به منظور بهره برداری از ذخایر نفتی، ایجاد سیلبندهای متعدد در اطراف هورها، و تغییر سودجویانه مسیر طبیعی آب و ... از اقدامات حاکمیت است. این اقدامات ابعاد تخریب را در زمان جاری شدن سیل چند ده برابر می کند.

۵۴ - مخالفت عمومی با سدسازیها، تخریب جنگلها و کوهها و تغییر مسیر طبیعی رودخانه، از نشانه های آگاهی مردم به سیاستهای مخرب رژیم است. در ۲۲ خرداد ۱۳۹۸، اهالی روستای حسین آباد کالپوش در اعتراض به احداث سد کالپوش، مقابل مجلس رژیم تجمع کردند. تجمع کنندگان احداث این سد را غیر کارشناسی خواندند.

یک کارشناس حکومتی وضعیت سیل قم را چنین توصیف می کند: «سال گذشته در بازدیدی که به اتفاق همکاران مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان از منطقه داشتم، چندین عکس از عملیات ساختمانی نابخردانه پی که در بستر خشکه رود در جریان بود - آن هم برای زیباسازی منظر - گرفتم. ظاهراً اغلب کارشناسان امور آب استان هم با این اقدام شهرداری و استانداری قم مخالفت کرده و هشدار داده بودند که ممکن است، چنین سازه ها و موانع فیزیکی، سبب افزایش خسارت ناشی از سیل شود. وقتی در پاییز سال

گذشته با مسئول پارکینگ رودخانه قم صحبت کرده و به او وقوع چنین روزی را هشدار می‌دادم، با این پاسخ حیرت انگیز مواجه شدم: "آقای مهندس! نگران نباش، آن قدر پول از محل پارکینگ درآورده ایم که اگر همه تأسیسات ما را هم آب ببرد، دوباره بتوانیم با بخشی از آن، مجدداً خسارتها را جبران کنیم". حالا آن روز فرارسیده و البته نه تنها تمامی تأسیسات شهرداری قم کاملاً نابوده شده است، بلکه دست‌کم دو نفر از هموطنان ما کشته و ۴ نفر دیگر هم مفقود شده‌اند. به راستی مقصّر اصلی در بروز این احمقانه‌ترین سیل جهان کیست؟!» («پایگاه خبری کلونی»، ۶ فروردین ۱۳۹۸).

۵۵ - مدت کوتاهی پیش از شروع بارانهای سیل آسا، رئیس انجمن جنگلبانی در گفت و گو با خبرگزاری دانشگاه آزاد گفت: «طبق آمار هر هکتار جنگل تا ۲ هزار مترمربع آب در خودش ذخیره می‌کند که از بین رفتن این پوششها میتواند وضعیت آب را از وضعیت فعلی هم بحرانی‌تر کند... ویلاسازی و تخریب جنگل از عوامل تغییرات اقلیم به حساب می‌آیند. این شرایط سبب می‌شود به جای آن که باران طولانی با حجم کم داشته باشیم با بارانهای سیل آسا رو به رو شویم که این موضوع استانهای شمال کشور را تهدید می‌کند... جنگلهای شمال بیش از ۴۲ درصد تخریب داشته‌اند و با این شرایط باید گفت تمامی جنگلهای شمال از بین رفته و تا چند سال دیگر اثری از آن نخواهد بود» («آنا»، ۱۰ اسفند ۱۳۹۷).

۱۱۵ استاد دانشگاه اهواز در نامه‌ی خطاب به روحانی بر لزوم آبیگری تالاب هورالعظیم «در اسرع وقت» و «به صورت دائمی» جهت نجات شهرها و روستاهای خوزستان تأکید کردند. آنها در پایان نامه خود نوشته‌اند: «خواستاریم که در اسرع وقت، فرمان آبیگری کلّ تالاب هورالعظیم به صورت دائمی داده شود تا از خطرات جانی و مالی و فلج شدن فعالیت بسیاری از مردم، گروهها، نهادها و مؤسسات و خسارات جبران‌ناپذیر زیست محیطی به مردم خوزستان، پیشگیری گردد. هر گونه فعالیت اقتصادی در تالاب هورالعظیم از جمله در حوزه نفت، باید با حفظ محیط زیست تالاب باشد» («ایلنا»، ۲۴ فروردین ۱۳۹۸).

۵۶ - رژیم آخوندی برای زمانی که سیل جاری می‌شود هم فاقد یک سیاست مردمی است. در جریان سیل تنها یک نیروی متمرکز، سازمانیافته و با امکانات کلان می‌تواند شدت سیل را مهار کرده و به سیلزدگان به طور مؤثر کمک کند. در ایران چنین نیرویی ارتش و سپاه است که اختیار آن دست ولی فقیه است. خانم مریم رجوی در پیام خود به مناسبت جاری شدن سیل به این مساله اشاره و اعلام کرد: «امکانات سپاه و بسیج و ارتش و دستگاههای حکومتی، که سرقت شده از مردم ماست، باید تماماً در اختیار مردم قرار بگیرد تا خودشان از گسترش ویرانی‌ها جلوگیری کنند».

واقعیت این است که چند صد میلیاردها دلاری که در دوران حیات جمهوری اسلامی برای ارتش و سپاه هزینه شده، هرگز در سیل فروردین به کار گرفته نشد؛ انبوهی از پلهای متحرک و ماشینهای پر قدرت آبی - خاکی؛ تعداد زیادی قایقهایی که تا چند ده نفر ظرفیت دارد؛ انبوهی از دیوارهای بتونی متحرک (T Wall) و دیگر سیل بندهای متحرک و سبک؛ دهها مرکز اسکان و تونلهای مجهّز در استانهای کشور، به ویژه در استانهای غربی، برای شرایط غیرمعارف؛ انبوهی از چادر مجهّز و ضد آب و باد؛ تعداد زیادی از انواع هلیکوپتر (برای نمونه بیش از ۳۰۰ هلی کوپتر ترابری متوسط فقط در پایگاه چهارم پشתיبانی در هوانیروز اصفهان) و انبوه غذا و مایعات ذخیره شده در انبارها، بخشی از امکانات موجود سپاه پاسداران و ارتش است که در جریان سیل از آن هیچ استفاده مؤثری به سود مردم به عمل نیامد.

۵۷ - خانم رجوی در پیام دیگری درباره سیل فروردین ماه گفت: «این فاجعه باز هم اثبات کرد که چپاول و ویرانگری رژیم حاکم در این ۴۰ سال یک سیاست جنایت‌کارانه است که در هر سیل و زلزله جان و زندگی انسانهای بی‌پناه را نابود می‌کند. راستی چه شد که در شیراز فقط با یک بارندگی ۱۰ دقیقه‌ای جمع‌کنثیری از هموطنان ما قربانی شدند، با این‌همه مجروح و مصدوم و ویرانی؟ این بلا را آخوندهای اشغالگر بر سر شیراز و مردم دلاور آن آوردند. مسیل و تنگه‌یی را که محل هدایت سیلاب‌ها بود، از بین بردند. در مسیر رودخانه خشک کنار دروازه قرآن تأسیسات شهری بنا کردند و از قتل این طرح‌ها پول‌های کلان نصیب خود یا همدستانشان کردند. در استان گلستان، چند سال است که از رسوب‌گیری رودخانه گرگان خودداری کرده‌اند، بخش زیادی از مراتع و جنگل‌ها را از بین برده‌اند و از زهکشی مزارع و اجرای طرح‌های آبخیزداری طفره رفته‌اند. در سایر شهرها در حریم رودخانه‌ها ساخت و ساز کرده‌اند یا مسیر آبراه‌های طبیعی را بسته‌اند و در اجرای این سیاست پرفساد، کناره رودخانه‌ها تا سواحل دریاها و کوه‌پایه‌ها و جنگل‌ها را، که در مالکیت عمومی است، تصاحب و تخریب و خرید و فروش کرده‌اند».

خانم رجوی هموطنان را به همیاری و کمک رسانی به سیلزدگان فراخواند و تأکید کرد: «تنها راه و بهترین راه این است که خودمان به کمک هم برخیزیم. هیچ کس و هیچ نیرویی نقدر و مؤثرتر از نیروی همبستگی مردم ما نیست».

۵۸ - پس از آرام شدن جو و قطع بارندگیها و آرام گرفتن طغیان رودخانه ها و مسیل ها، آثار ویرانگر سیل بر روی زمین هویدا و معلوم شد که زندگی و هستی سیلزدگان را آب برده است. بازسازی جاده ها، پلها، مراکز آموزشی، خانه های مردم و تأمین وسایل اولیه زندگی مواردی بود که حکومت به طور قطره چکانی بدان دست می زد. تجربه زلزله ها و سیلها قبل از نشان می دهد که رژیم به رغم امکانات وسیعی که در اختیار دارد، برای آسایش مردم اقدام نمی کند و حتی با امنیتی کردن محیط، در مقابل کمکهای مردمی مانع ایجاد می کند و حتی برخی از امدادگران مستقل و مردمی را بازداشت می کند.

یکی از هموطنان عرب به گویاترین کلام شرایط ایجادشده در سیل را در مقابل آخوند جلّاد ابراهیم رئیسی چنین بیان کرد: «معضل خوزستان تراکم آب نیست، تراکم دروغها، تراکم خیانتها و تراکم تمامیت خواهیهای بود که در اعتراض به آنها، عنوان بی تربیت و ضد انقلاب را می گرفتیم».

فصل هفتم:

تروریسم و شیطان سازی علیه مقاومت سازمانیافته گریزگاه خامنه ای برای حفظ نظام و برون رفت از بحران

۵۹- سیاست راهبردی ولایت خامنه ای علیه مقاومت سازمانیافته مردم ایران و بر محور آن سازمان مجاهدین خلق ایران، بر دو مؤلفه حاکمیتی و حداقلی استوار است. نابودی کامل فیزیکی، سیاست حاکمیتی رژیم در مقابله با مقاومت است و سیاست حداقلی آن، مهار مقاومت و مجاهدین خلق است. استفاده از تروریسم و شیطان سازی، سیاست کاربردی رژیم برای رسیدن به هدف است. بررسی اقدامات رژیم، نشان می دهد که رژیم در محور مهار و نابودی، ایستگاههای متعددی جاسازی کرده که در هریک از آنها امکانات مختلف داخلی و جهانی با صرف هزینه های آن به کار گرفته می شود.

سیاست شیطان سازی و تروریسم، در هنگامی که مجاهدین در اشرف و لیبرتی در عراق مستقر بودند در حملات موشکی و در شیطان سازیهای زمینه ساز آن، راهبرد اصلی رژیم در برابر تهدید اصلی موجودیت نظام یعنی جنبش مقاومت سازمانیافته برای سرنگونی بود و سیاست مماشات و طیف همجبهگان و همدستان و عوامل رژیم به آن سوخت می رساندند.

در باره این سیاست شوم و کارزار همه جانبه مقاومت برای خنثی کردن آن، خانم مریم جوی در تیرماه سال ۱۳۹۱ در سخنرانی خود در گردهمایی بزرگ مقاومت گفت: «در این سالها آخوندهای حاکم یا همدستان آنها بسیار گفتند و نوشتند که اعضای این مقاومت خودشان خود را شکنجه می کنند و می کشند؛ گفتند که این یک سکت مبتلا به کیش شخصیت است، که در جامعه ایران پایگاهی ندارند؛ گفتند که آنها در عراق کردها را کشته و شیعیان را قتل عام کرده اند؛ گفتند که تسلیحات شیمیایی را در اشرف پنهان کرده اند و گفتند که هفتاد درصد اشرفیها را به زور نگه داشته اند...»

می دانید که در تاریخ طولانی و دردناک شیطان سازی علیه آزادیخواهان و جنبشهای مقاومت، از اسپارتاکوس و مسیح تا قهرمانان مقاومت ضدفاشیستی در همین فرانسه تا مجاهدان آزادی در ایران، یک تجربه استثنایی واقع شده است. زیرا این نخستین بار است که جنبشی توانسته در زمانه خود با فداکاری و روشنگری و البته با پایبندی به قوانین بین المللی در محضر دادگاههای آمریکا و اروپا زنجیرهای ستبر این دروغ را از دست و پای خود باز کند.

آری، ما توانستیم بر محاصره سرکوبگرانه جنبش مقاومت نقطه پایان بگذاریم؛ ما توانستیم استانداردهای عدالت را در جهان امروز ارتقاء دهیم؛ ما توانستیم چرخه افترا و نیرنگ را در هم بشکنیم؛ ما توانستیم طرحی نو در اندازیم و دوران تازه ای را بگشاییم؛ طرحی بر اساس شفافیت و روشنایی و حقیقت و عدالت؛ طرح احترام به دستاوردها و فضیلتهای بشری و بازگشت نهادهای بین المللی به دفاع از حقوق بشر؛ طرح اعاده حقوق خلقها و احیای ارزش مقاومت و فداکاری. بله، نیروی انسانیت و عدالت به میدان آمده است، تاریخ ورق خورده است، دیکتاتورهای یکی پس از دیگری سرنگون می شوند. بنابراین، سیاستهایی نیز که حافظ آنها بود باید تغییر کند؛ این تغییر در توان ماست و ما آن را محقق خواهیم کرد. بله، این است معنای تغییر دوران و دوران تغییر... بله، از یک طرف شیطان سازی، از طرف دیگر فشارهای ضدانسانی که هدف آن، زمینه سازی برای یک کشتار

در لیبرتی است. اما بگذارید تصریح کنم که اگر فکر می کنید با این فشارها مجاهدین از حقوقشان و حقوق و آزادی مردمشان کوتاه می آیند، سخت در اشتباهید...

لطفاً چشم باز کنید و ببینید که راستی چرا آخوندها انهدام این جنبش را بالاترین اولویت خود می دانند و آن را پیگیرانه دنبال می کنند؟ زیرا آنها در این دوران تغییر، برای خودشان و برای متحدان و وابستگانشان در منطقه، هیچ آینده یی نمی بینند».

۶۰- بعد از انتقال امن و سازمان یافته مجاهدین به آلبانی و قیام دی ماه ۱۳۹۶ و پایان سیاست مماشات از سوی دولت آمریکا، سیاست کاربردی شیطان سازی و تروریسم علیه مقاومت ایران، تنها راه برون رفت رژیم از بحران سرنگونی است. استبداد دینی که پدرخوانده و نخستین حامی تروریسم در جهان است، با اختصاص بودجه های کلان از اموال مردم ایران، از طریق شبکه ها و عوامل و همدستان و پشتیبانان گوناگون تلاش می کند با لجن پراکنی و پخش اطلاعات دروغ، رذیلانه ترین اتهامات را به مجاهدین و مقاومت ایران نسبت دهد. هدف، از یک سو، توجیه سرکوب و کشتار و قتل عام و از سوی دیگر، القای این دروغ بزرگ به طرف حسابهای غربی است که مجاهدین بدتر از رژیم حاکم هستند. نتیجه این که این رژیم آلترناتیوی ندارد و نباید سرنگون شود و باید مورد حمایت و استمالت قرار گیرد.

رژیم آخوندی علاوه بر منبرها و رادیو و تلویزیون و سایت ها و مطبوعات و خبرگزاریهای حکومتی به نحوی جنون آمیز به تولید فیلمهای سینمایی، سریالهای تلویزیونی، به اصطلاح مستندها و هم چنین انتشار مقاله و کتاب و برپایی نمایشگاه و جشنواره و نصب پرده های نمایشی علیه مجاهدین در خیابانها می پردازد. از طریق شبکه ها و طیف گسترده مأموران و مزدبگیرانش در داخل و خارج کشور در پوششهای گوناگون، به ویژه اپوزیسیون دست ساز همین رژیم علیه مجاهدین لجن پراکنی می کند. تعداد کتابها به ۵۲۶ و فیلمها به ۱۸۴ فقره بالغ شده است. تعداد پروژه های مطبوعاتی و تلویزیونی که رژیم در یک سال گذشته با به کار گرفتن «شبکه خبرنگاران دوست» در رسانه های اروپا و آمریکا علیه مجاهدین و استقرار آنها در آلبانی به طور هماهنگ و برنامه ریزی شده رقم زده و برای آن پول کلان پرداخته بیش از ۳۰ مورد است.

نخست وزیر جدید انگلستان در نخستین سخنان خود در پارلمان این کشور به مورد دیگری از پرداختهای رژیم از طریق «پرس.تی.وی»، شبکه تلویزیونی رژیم در لندن، اشاره کرد. از قضا در یک سال گذشته بیشترین لجن پراکنی علیه مجاهدین و مقاومت ایران در انگلیس انجام شده و رد پای سفیر رژیم و شخص ظریف در آنها غیر قابل انکار است (کانال ۴، ایندپندنت، گاردین، آبرزور و الجزیره انگلیسی).

جالب این است که هیچ یک از اینها حاضر به انتشار جوابیه ها و مدارک و اسناد مقاومت ایران نشدند. ظاهراً مبالغ دریافتی از طریق «پرس.تی.وی» و غیر آن، جایی برای اصل بیطرفی ژورنالیستی باقی نمی گذارد.

ارگانها و مراکز حکومتی که در داخل ایران دست اندکار تولید خبر و فیلم و سریال تلویزیونی و انتشار کتاب و مقاله و موضعگیری علیه مجاهدین هستند و هزینه ها را هم تأمین می کنند، از جمله، عبارتند از:

وزارت اطلاعات، اطلاعات سپاه پاسداران، آستان قدس رضوی تحت سیطره خامنه ای، قوه قضاییه، نیروی انتظامی، وزارت کشور، ارتش تحت امر ولایت فقیه، صدا و سیمای رژیم، سازمان تبلیغات، شورای هماهنگی تبلیغات، شورای عالی تبلیغات خارجی، شورای سیاست گذاری ائمه جمعه، فراکسیون حمایت از قربانیان ترور در مجلس رژیم، انتشارات دادستانی انقلاب اسلامی، انتشارات سپاه پاسداران، مؤسسه کیهان، وزارت ارشاد، وزارت خارجه (شامل سفارتهای رژیم)، مؤسسه دیده بان (وزارت اطلاعات)، واحد اسناد ایران دیده بان، شعبه وزارت اطلاعات به نام هابیلیان، شعبه های محلی و استانی انجمن های اطلاعات رژیم (موسوم به نجات)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی (شامل بقایای ساواک شاه)، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی وزارت اطلاعات، خبرگزاریها، سایتهای زنجیره ای و سایتهای پوششی وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران و سازمان تبلیغات.

انجمنهای «نجاست» در اطلاعات استانها ضمن یک سال گذشته ۲۱۸۹ مطلب علیه مجاهدین تولید و منتشر کرده اند. هر شعبه باید هفته ای یک یا دو مطلب تولید و منتشر کند تا پول بگیرد. مزدوران و سایتهای تابعه وزارت اطلاعات در آمریکا و اروپا و کشورهای عربی نیز مشمول همین قاعده هستند و به ازای لجن پراکنی هفتگی پول یا امتیازات معادل دریافت می کنند.

برخی کتابهایی که رژیم در یک سال گذشته علیه مجاهدین منتشر و در مورد آنها به طرق مختلف تبلیغ کرده عبارتند از: «مرصاد»، «برگ زرین غرب»، «انسان شناسی سازمان مجاهدین»، «مجاهدین خلق بدون روتوش»، «خاطرات و تأملات در زندان شاه»، «اسناد و اسرار عملیات مرصاد»، «زمان باز یافته» («خاطرات بهمن بازرگانی»)، «استراتژی و دیگر هیچ».

رژیم در بسیج شیطان سازی و نوشته‌ها و مصاحبه‌های سفارشی از مستخدمانی مانند لطف الله میثمی، احمدرضا کریمی، جواد منصوری، خدمتگزارانی از قبیل حبیب الله پیمان و بهمن بازرگانی و دژخیمانی مثل عزّت-شاهی، صادق کوشکی، آخوند حسینیان، آخوند ری شهری و آخوند یونسی استفاده می‌کند تا در نشریه‌ها و روزنامه‌ها و رادیو تلویزیونهای تحت امر نظام با یاهوگویی علیه مجاهدین و جنبش مقاومت، هرگونه قیام و انقلاب علیه استبداد مذهبی و سازمانیابی برای آن را تخطئه کنند و وضع موجود را غنیمت بدانند.

۶۱- ابعاد مطالب و انتشارات رژیم علیه مجاهدین و مقاومت ایران به حدّی گسترده است که گاه سرکردگان و سانسورچی‌های رژیم فرصت حذف یا حتی فهم موارد و فاکت‌ها و نمونه‌ها و مطالبی را که اذعان آشکار به حقانیت و پاکبازی مقاومت است، ندارند. از این‌رو بسیاری نکات از دست آنها درمی‌رود و دستگاه دروغ و شیطان‌سازی و لجن‌پراکنی را ناخواسته در هم می‌شکند یا مخدوش و متناقض می‌کند. به عنوان نمونه می‌توان کتاب وزارت اطلاعات به نام «استراتژی و دیگر هیچ» را مثال زد که «چاپ یکم» آن در بهار ۱۳۹۸ صورت گرفته است. این کتاب آن‌چنان که در مقدمه اش آمده گفتگوهای در زمستان ۱۳۹۴ با سر دژخیمی است که قبلاً در اطلاعات سپاه پاسداران سرکرده «بخش التقاط» و سپس در وزارت اطلاعات از مدیران «اداره کلّ التقاط» بوده است. این فرد از نفرات باند فاشیستی «مجاهدین انقلاب اسلامی» است که به گفته خودش «تأسیس و تشکیل» و «هدف گذاری و شرح وظایف» آن توسط خمینی، دقیقاً برای تقابل با مجاهدین خلق بوده است. او در مقدمه چنین معرفی می‌شود: «ناصر رضوی، از مسئولان اطلاعاتی - امنیتی در نهادهای عمده کشور (اعمّ از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی) بوده است که بیش از سی سال عمر خدمتی خویش را صرفاً در حوزه التقاط و به طور اخصّ در مبارزه با سازمان مجاهدین خلق (منافقین) طی کرده است».

در این کتاب که گفتگوهایش سه سال و نیم پیش صورت گرفته، صفحات متعدّد و سطور زیادی سیاه شده و می‌گوید: «به دلیل ملاحظات از طرف ویراستار حذف گردیده است». با این‌همه چند نمونه روشن‌گر را که در لابلای انبوه اکاذیب و شیطان‌سازیها فرصت حذف یا وارونه گویی آن فراهم نشده است، ذکر می‌کنیم:

- مجاهدین «این بذر را در میان توده‌ها کاشتند که نماینده واقعی اسلام یا نماینده واقعی کیست: سازمان است یا امام خمینی؟! و هنوز هم بر سر این موضوع دعوا دارند. شاید باور این امر مشکل باشد، ولی بدنیست بدانید که سازمان، همین الآن هم روی مسائل مذهبی بیشتر تکیه و تأکید می‌کند... برای آن است که در میان مردم و به خصوص توده‌های هوادار خود، این تردید و تشکیک را دامن بزنند که نماینده واقعی اسلام فقط سازمان است و بس».

- «نشریه "مجاهد" پانصد هزار نسخه فروش می‌رفت. هیچ نشریه‌ی تیراژ "مجاهد" را نداشت. سازمان پانصد هزار نیرو داشت و همان تعداد نشریه را می‌خریدند. شما در این طرف، دو میلیون نیرو داشتید که پنجاه هزار تا نشریه هم نمی‌خریدند؛ ده هزار نفرشان هم نشریه نمی‌خریدند».

- «[مجاهدین] از نظر اجتماعی وزن محسوب نمی‌شدند، ولی به لحاظ سیاسی و روابط و مناسبات و ظرفیتها و هر آن چه تصوّر کنید، ثقل و وزن حیرت‌انگیزی داشتند».

- «اگر از من می‌پرسید، من عرض می‌کنم که رجوی به صدام درس می‌داد، نه بالعکس. این که صدام بیاید و به رجوی بگوید که این موقع وارد میدان شوید، قبول ندارم... رجوی آدمی نبود که برود از صدام درس بگیرد؛ صدام هم در جایگاهی قرار نداشت که بیاید به رجوی بگوید این کار را بکن و آن کار را نکن... معکوس قضیه صحیح‌تر است، فاکت تاریخی هم دارد: در "فروغ جاویدان" یا "مرصاد" هم رجوی این نتیجه را به صدام القا کرد که ما جلو می‌رویم و چنین و چنان می‌کنیم، تو هم حمایت هوایی کن».

- «در سازمان، هیچ کاری به صورت پراکنده وجود نداشت... چیزی به اسم پراکنده کاری در سازمان سراغ نداریم، از این ذهنیت بیرون بیایید».

- «شما می‌دانید سازمان چند نفوذی در صدا و سیما داشت؟ ششصد نفر هوادار در این دستگاه داشتند و حدود سی چهل نفر هم کسانی بودند که هوادار تلقی نمی‌شدند و نفوذی بودند. به همین نسبت در وزارت صنایع، در ارتش و دیگر ارگانها و دستگاهها، می‌دانید که چقدر نیرو در ارتش داشتند و چند نفرشان ضربه خوردند؟».

- «به جرأت می‌گویم که به شخصه هیچ نفوذی سراغ ندارم که پول گرفته و کار کرده باشد. اصلاً پول در این سیستم چندان معنایی ندارد».

- «جثّه سازمان بزرگ بود، چون سی هزار نفر مسلح داشت».

- «یک تشکیلات منسجم مثل سازمان مجاهدین خلق وقتی کاری را انجام می دهد، حتماً معنای خطی دارد و بر این اساس، یا تاکتیک است یا استراتژی. اگر هیچ یک از اینها نباشد، آن کار را انجام نمی دهد. هیچ گاه سازمان هیچ عملیاتی را برای انتقام صورت نمی دهد. عملیاتش یا معنای تاکتیکی دارد یا می خواهد شرایطی را دگرگون کند و شرایط را به نفع استراتژی در درون استراتژی بیاورد یا معنای استراتژیک دارد».

- «کسی که می گوید سازمان با کیش این و آن، به اینجا و آنجا می رود، اصلاً سازمان را نفهمیده است. سازمان با کیش من و تو به عراق نمی رود، همین طور به فرانسه. اگر سازمان به عراق می آید، به خاطر "جنگ نوین" است و این "جنگ نوین" موضوعی تئوریزه شده است».

- «مهم ترین کاری که ما کردیم، این بود که از توّاب ها و در واقع از ظرفیت خود سازمان، استفاده کردیم...».

- «بچه های توّاب که ما به گشت می بردیم، اغلب نسبت به چهره هایی که در ستاد انزلی دیده بودند، اِشراق و تسلّط داشتند و خیلی زود آنها را با مشاهده در گشتهای خیابانی می شناختند».

- «محصول گشت احمد طبا حدود صدو هفتاد نفر سیانوری بود. یکی از ضربات اساسی که سازمان خورد، از همین گشتها بود».

- «یک تور بازرسی فَعّال، سه چهار کادر اطلاعاتی و همین تعداد توّاب لازم داشت و ما می بایست این ترکیب را در همه جا مستقر می کردیم».

- «به ماجرای ضربه سازمان در جنگلهای شمال پردازیم. ما یک جنگل نداشتیم و چهار تا داشتیم... [جنگل رودبار - جنگل رامسر - جنگل مازندران - جنگل گیلان]».

- «بچه هایی که توّاب بودند، گاهی واقعاً خلوصشان از بچه های خودما خیلی بالاتر بود... واقعاً بدون آنها سازمان اصلاً ضربه نمی خورد... بچه های توّاب می رفتند و آنها را دوتا دوتا می آوردند که مثلاً به خانه تیمی ببرند. بعد ما آنها را می پیچانیدیم و به مقرّ سپاه می آوردیم».

- «در پاکستان ضربه زدیم. یک مرتبه سیزده چهارده تا خانه را زدیم... با "آر.پی.جی" و نارنجک تفنگی و هر امکانی که داشتیم، زدیم. ضیاء الحق گفت این دومین بار است که ... ایران به هند حمله می کند. یک بار نادرشاه حمله کرد، یک بار شما حمله کردید».

- «اگر سازمان کرمانشاه را می گرفت، کار مشکل می شد... واقعیت این است که خیلی از مسئولان [رژیم]، پاسپورتهای خود را آماده کرده بودند که فرار کنند. این یک واقعیت بود».

- «سازمان یک ویژگی دارد که از لُردنشین ها متفاوت است که سرباز را جلو بفرستند و خودشان عقب بنشینند. اینها نیروی معتقد و ایدئولوژیک هستند؛ نیرویی هستند که جلو می آید و خودش را به آب و آتش می زند تا نیروی پشتی بیاید».

- «یکی از معضلات همیشگی ما ارتباط با کسانی بود که در قرارگاه اشرف نفوذ داده بودیم. این افراد اصلاً قادر به ارتباط با ما نبودند. اصلاً شدنی نبود. چون کسانی که در قرارگاه اشرف بودند، هیچ امکان ارتباطی نداشتند. آن نفوذی هم بعضاً اطلاعات سوخته یی را که از اتّفاقاتی که خیلی وقت پیش اتّفاق افتاده بود، با مکافات به ما می رساند...».

- «در سال ۷۰، یک تجدیدنظر اساسی در روشها و راهکارهای مبارزه با منافقین داشتیم... ما به این نتیجه رسیده بودیم که راهکار انحلال سازمان در انجام عملیات و ضربه زدن نظامی نیست... هرچه بیشتر به آنها ضربه بزنند، هم منسجم تر می شوند و هم نیروی بیشتری می توانند جذب کنند و فعالیت آنها تشدید می شود، مگر این که سراغ عملیات روانی بروید که عمدهً باید روی جداسده ها متمرکز شود... در عملیات روانی هم بسیار کار کردیم که شاید امکان بیان آن ها خیلی نباشد».

- «دوم این که، طی سالهای گذشته به مسأله نفوذ خیلی کم پرداختیم و این برای دستگاه امنیتی ما ضعف است که در لایه های داخلی سازمان نفوذی نداشته باشیم. ضمن این که نفوذ در جوامع بسته بسیار سخت است؛ جوامعی که واقعاً منفذ ندارند و هم این که اعضای آن ها بسیار فداکار هستند...».

- «ما پیرمردها دقیقاً به این مسأله که چه شد آقای منتظری جدا شد، اِشراق داریم. نظریات خودش دخیل بود و من در آن تردید ندارم، ولی بخشی از آن مرهون فعالیت سازمان است. ما در جنگ نهایتاً قطعنامه را پذیرفتیم. شاید قطعنامه به دلایلی پذیرفته می شد، ولی سازمان از جمله کاتالیزورهایی بود که در تصمیم ما نقش داشت و به آن سرعت بخشید. چون سازمان عملیات می کرد، سازمان اطلاعات می داد، سازمان اُبّهت ما را در جبهه ها... شکست».

- «بمباران در سال ۷۷ بود و موشک باران در سال ۸۰ اتّفاق افتاد... اطلاعاتی که ما داشتیم این بود که رجوی در نماز عید فطر شرکت می کند... و بهترین شرایط بود که ما عملیات و بمباران کنیم».

- «توجیه خلبانها هم برعهده من بود که رفتم با فرمانده نیروی هوایی... صحبت کردم... وقتی در باره این موضوع با آقای خاتمی صحبت کردم، ایشان من را دعوت به جلسه شورای امنیت کردند... ما زدیم، ولی متأسفانه رجوی کشته نشد».

-«رفتند بمباران کردند و متأسفانه رجوی نمرد. همین را در باره موشک باران داشتیم، یعنی در این قضیه مُصِر شدیم که سازمان را در تجمعی که دارد بزنیم. موشک هم زدیم، کشته هم گرفتیم... ماکت اشرف را ساختیم و جلوی آقایان گذاشتیم. ماکت هم خیلی گران در می آید. تمامی شاخص ها را هم دادیم. ولی به موفقیت چندانی نرسیدیم».

-«همکاری هایی که داشتیم عمدتاً با انگلیسی ها بود، چون انگلیسی ها در جنگ مشارکت داشتند. آمریکایی ها هم پذیرفتند که قرارگاه اشرف را بمباران کنند. بمباران هم کردند و چهل - پنجاه کشته هم گرفتند...».

۶۲- تعدادی از فیلمها و به اصطلاح مستندهایی که در یکسال گذشته، ارگانها و مراکز ولایت خامنه ای، بی دنده و ترمز و با هزینه های کلان علیه مجاهدین و مقاومت ایران، تولید، پخش و در باره آنها تبلیغ کردند، عبارت است از: «به نام خلق»، «تو می مانی»، «شاخه های شکسته بلوط»، «نفوذی»، «تقاص»، «پایان راه»، «خشت خصم»، «سازمان ترور»، «سازمان»، «مه شکن»، «طراحی سوخته»، «فراز چهلیم»، «آنچه گذشت»، «دکوپاژ»، «پدرتالقانی»، «تروریست»، «قبرهای پر سر و صدا»، «توطئه و نفاق»، «نفوذ»، «شهادت ترور» و «روایت رهبری».

در بهمن ۱۳۹۷ نیز فستیوال فیلم دهه فجر رژیم به فیلمهایی علیه مجاهدین و مقاومت اختصاص داشت. این، علاوه بر برنامه های دائمی تلویزیونی، گزارشهای مستمر خبری، مصاحبه در شبکه های مختلف حکومتی و کلیپهای تبلیغاتی است که علیه مقاومت در رسانه های تابعه باز تکثیر می شود.

فیلم مبتذل و درپیتی «ماجرای نیمروز»، که زیر نظر مستقیم ولی فقیه با هزینه زیاد تهیه شد، نمونه گویایی از اقدامات رژیم کثیف آخوندهاست. تعریف و تمجید خامنه ای از این فیلم، به ویژه آن جا که وارد قُرم و ساختار فیلم می شود، نشان دهنده بلاهت و نادانی او در مورد هنر و صنعت سینماست.

نمونه دیگر، به اصطلاح مستند ۲۸ قسمتی «به نام خلق» است که پخش آن از آذر ۱۳۹۷ شروع شد. اسماعیل ارجمندی، مدیر گروه مستند بسیج، در این مورد اعلام کرد: «این مستند ۲۸ قسمتی، که از شبکه سوم سیما پخش می شود، قرار است با چند روز تأخیر از شبکه های "افق" و "مستند" هم پخش شود. انتخاب زمان "به نام خلق" در حال حاضر به خاطر شرایط فعلی کشور و تمرکز مخاطب روی آن تا دهه فجر بود» (تسنیم، خبرگزاری نیروی قدس، ۲۷ آذر ۹۷).

همین مزدور بسیجی بعداً با غیظ و کین گفت: «این سازمان برای این که به عنوان یک بدیل مطرح شود، هیچ جایگاهی ندارد و نهایتاً می تواند در یک پروژه بزرگ علیه ایران شرکت کند و آن هم سوریزاسیون ایران است. آنها در برنامه ریزی هایشان به دنبال این هستند که ایران را به سوریه پی دیگر تبدیل کنند و در این مسیر تلاش خواهند کرد، بر مطالبات اقتصادی مردم تکیه کرده و به خیال خودشان از گسل های خفته سوءاستفاده کنند» (فارس، خبرگزاری سپاه پاسداران، ۱۶ اسفند ۱۳۹۷).

خامنه ای شخصاً بر تولید این فیلمها که طی یک سال چندین بار تکرار شد، تأکید و نظارت دارد. او در ۲۱ دی ۱۳۹۶، که از قیام سراسری به شدت گزیده بود، در دیداری با مستندسازان حکومتی به آنها گفت: «چیزی که می تواند ذهنها را روشن کند همین مستندهای شماست».

خامنه ای در ۲۴ آبان ۱۳۹۷ در دیدار با جمعی از برنامه سازان رادیو تلویزیون نیز گفت: «ما در حال یک نبرد فرهنگی، یک نبرد جنگ نرم هستیم، یعنی به ما تهاجم شده؛ تهاجم نرم، آنهم با ابزارهای پیشرفته و بسیار نو و با توانایی بسیار بالا، به ما حمله شده... در مقابل، ما بایستی یک جبهه قوی توانایی ایجاد کنیم که این جبهه بتواند پاسخگو باشد. آن جبهه متشکل از کیست؟ از هنرمند، روشنفکر، عنصر فرهنگی؛ یعنی شماها هستید، واقعاً باهمت بلند این کارها بایستی انجام بگیرد. خُب، البته شکی نیست که شما اگر بخواهید ابتکار به خرج بدهید و کار نو، کار برجسته بیاورید، پشتیبانی مدیریتی لازم است. من در این تردید ندارم، من این را تصدیق می کنم، مدیران بایستی از شماها واقعاً حمایت بکنند. هم حمایت معنوی بکنند یعنی به شما نشان بدهند که کار شما را قبول دارند و برای کار شما ارزش قائل اند، هم حمایت مادی بکنند».

سرکردگان دستگاه سرکوب و اطلاعات و امنیت نظام بارها علت و ابعاد نگرانی خامنه ای را، که او را وادار به این بسیج سراسیمه کرده است، بیان کرده اند که چند نمونه را ذکر می کنیم:

- آخوند دژخیم محمدجعفر منتظری، دادستان کلّ ولایت می گوید: «خبرنگاران عزیز، نویسندگان و هنرمندان باید دقت و همّت بیشتری روی این امر مهم مصروف بدارند و چهره [مجاهدین] را بشناسانند... نباید بگذاریم جامعه و نسل جوان غافل باشند» (خبرگزاری میزان، ۱۷ بهمن ۱۳۹۷).

محمدحسن روزی‌طلب، مصاحبه گر کتاب «استراتژی و دیگر هیچ»، که دست اندرکار چند مستند و برنامه تلویزیونی علیه مجاهدین است، می گوید: «مهم‌ترین گروه ضدانقلابی که با جمهوری اسلامی درگیر شد و ضربات سنگینی را به نظام و مردم وارد کرد و منشأ بسیاری از تحولات بود، سازمان مجاهدین خلق بود... کارنامه سازمان منافقین را اگر در سالهای اخیر بررسی کنیم می‌بینیم که خیلی از ضرباتی که نظام خورد از کانال سازمان بود... روایت کردن تاریخ سازمان و عملکرد سازمان در این جنگ خیلی مهم است» (تلویزیون شبکه چهار رژیم، ۷ تیر ۹۸).

همین شخص در بهمن ماه ۹۷ به خبرگزاری حکومتی «مهر» گفت: «مرکز اسناد انقلاب اسلامی بیش از ۳۰ عنوان کتاب چاپ کرده که از زوایای مختلف به این موضوع پرداخته است. برای مثال مطالبی از زبان "بریده‌ها از سازمان" منتشر کرده، عملیات، ترورها، عقاید این سازمان و بنیانگذاران را شرح داده است...»

- در ۴، ۵ سال گذشته تولیدات زیادی درباره سازمان مجاهدین خلق از مستند و کتاب گرفته تا فیلم سینمایی داشته‌ایم که گاهی صدها و گاهی ۵۰ درصد از کار پژوهشی آنها مربوط به مرکز بوده است...

- باید بپذیریم پرونده سازمان هنوز باز است و بخش زیادی از دستگاه امنیتی ما را به خود مشغول کرده است. به همین دلیل باید با همراهی و کمک متصدی [وزارت اطلاعات] به این مسائل ورود کنیم...

-وظیفه بعدی ما این است که تولیداتمان درباره مجاهدین را در مدارس و حتی در دانشگاه‌ها به نمایش بگذاریم» (خبرگزاری «مهر»، ۲۸ بهمن ۹۷).

«هابیلیان»، از شعبه های وزارت اطلاعات نیز می گوید: «پرداختن به موضوع مذکور [مجاهدین] از آهمّ امور و ضروریات می باشد و در این راه تعامل و همکاری تمامی ارگانها و نهادهای نظام سیاسی، از دولت تا نهادهای انقلابی چون سپاه پاسداران و مؤسسات مطالعاتی و پژوهشی با یکدیگر را می‌طلبد، تا به مانند عملیات "مرصاد" در عرصه نظامی، در عرصه فرهنگی نیز مرصادی دیگر خلق کنیم» (هابیلیان - ۳ مرداد ۹۷).

همچنین روزنامه سپاه پاسداران نیز به نقل از ایمان گودرزی، از مستندسازان وزارت اطلاعات، می نویسد: «یکی از دلایلی که ما را مجاب کرد به موضوع [مجاهدین] رو آوریم، اتفاقاتی بود که در انتخابات سال گذشته ریاست جمهوری افتاد و برخی رقبای انتخاباتی با استناد به بحث اعدام‌های سال ۶۷ سعی نمودند به تعبیر رهبر انقلاب جای جلاد و شهید را عوض کنند» (روزنامه «جوان»، ۴ دی ۱۳۹۷).

۶۳-اطلاعیه های «کمیسیون امنیت و ضد تروریسم شورای ملی مقاومت ایران» در سال گذشته چند بار شبکه «خبرنگاران دوست» وزارت اطلاعات را، که با دریافت پول کلان، پروژه های لجن پراکنی در رسانه های غربی را به اجرا در آوردند، افشا کرده است. برخی از آنها با مراجعه سرزده به اشرف ۳ در آلبانی و با فیلمبرداری و عکس برداری بدون اجازه و به صورت غیرقانونی و مشکوک، حتی به وسیله پهپاد، گزارشهایی آکنده از جعل و دروغ تهیه و پخش کردند.

سیاستهای دیکتاتوری دینی که موجودیتش به شیادی و دروغ گره خورده، در ارتباط با رسانه ها و خبرنگاران خارجی، با هیچ دیکتاتوری کلاسیک دیگری قابل مقایسه نیست. ترفندهای رژیم در رابطه با رسانه‌ها و مطبوعات، به راستی حیرت‌انگیز و در عین حال حاکی از حسیض ترس از تهدید اصلی رژیم است.

آرمین عارفی، خبرنگار فرانسوی ایرانی الاصل مجله فرانسوی «لوپوئن»، که سال گذشته به ایران سفر کرده بود، در مصاحبه با روزنامه فرانسوی «اپینیون» در ۱۶ بهمن ۹۷ نحوه کنترل روزنامه نگاران در ایران را فاش کرد. وی می‌گوید: «هر روزنامه نگاری که می‌خواهد به جمهوری اسلامی برود مجبور است که با یک اژانس نیمه رسمی کار کند که کارت مطبوعات صادر می‌کند و روزانه مبلغی از شما می‌گیرد و یک مترجم رسمی توی دست و پای شما می‌گذارد که مأموریتش ترجمه مکالمات شما با مخاطبین در ایران و همچنین گزارش کردن کوچکترین حرکت شما در صحنه است...»

یکی از این افراد آقای نجاتی است که من در کتابم از او اسم می‌برم و او به من اجازه داد که به جمهوری اسلامی برگردم. ولی وقتی که بعد از ۹ سال که نگذاشتند به جمهوری اسلامی بروم، به دفترش رفتم، مرا زیر فشار می‌گذارد و به من به نوعی می‌فهماند که مرا زیر نظر دارد. در نهایت من برای رسانه ام، که مجله «لوپوئن» است، به ایران رفتم ولی می‌دانستم که پشت سرم یکی هست که هر مقاله یی را که می‌نویسم و کوچکترین حرکتی را که در محل می‌کنم، زیر نظر دارد... این فرد ترتیب ملاقات من با یک سری از مسئولین "ان.جی.او" های ایرانی را می‌دهد که اعضای سابق مجاهدین خلق هستند... او از من می‌خواهد که با این

افراد دیدار کنم. من می‌گویم حاضرم اینها را ببینم، اما تضمین نمی‌کنم که چیزی در مورد اینها بنویسم. در صورتی می‌نویسم که بتوانم نقطه نظر آنها [مجاهدین] در پاریس را هم داشته باشم، چیزی که نخواهم داشت [دسترسی ندارم]. در این موقع، آقای نجاتی از این کارت برای فشار روی من استفاده می‌کند؛ مقاله ات در مورد مجاهدین خلق کجاست؟ بهت گفته بودم خوب است و برای "کیس" تو مفید است که چیزی راجع به آنها بنویسی!

من به او یادآوری کردم که چون نقطه نظر طرف مقابل را ندارم، نمی‌توانم انجام بدهم و این به نوعی تبدیل به یک شانتاژ بر سر مجاهدین خلق می‌شود. بعد از مدتی عصبانی می‌شوم و می‌گویم که من اینجا آمده‌ام که شغل خبرنگاری‌ام را انجام بدهم، از جمله برای دنبال کردن اخبار ایران و مسئله مجاهدین آخرین اشتغال ذهن من است...».

در نمونه بی‌دیگر، محمدحسین خوشوقت، مدیرکل اسبق مطبوعات و رسانه های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد در دوران ریاست جمهوری خاتمی، به خبرگزاری رسمی رژیم می‌گوید: «خانم امانپور یک بار در سال ۱۳۸۲ برای پوشش انتخابات مجلس، به ایران آمد. وقتی به آمریکا برگشت گزارشی منتشر کرد که در آن دروغ پردازی و سیاه نمایی زیادی شده بود. من دستور دادم تا اطلاع ثانوی به ایشان اجازه فعالیت در ایران داده نشود. چند ماه بعد، ایشان درخواست کرد که مجدداً به ایران بیاید. ما به ایشان اعلام کردیم که از فعالیت در ایران محروم هستند. ایشان علت را از مجموعه ذریط من در "ارشاد" پرسیده بود. به ایشان گفته بودند شما در سفر قبلی‌تان از اخلاق حرفه‌ای فاصله گرفته بودید. ایشان پرسیده بود: الان باید چه کار کنم؟

من گفتم به ایشان بگویید باید عذرخواهی کند و تعهد دهد از این پس، اخلاق حرفه‌ای را در ارتباط با ایران رعایت کند. خانم امانپور هم این کار را کرد. یک تعهد و عذرخواهی کتبی نوشت و برای ما فرستاد... این نامه اکنون در پرونده ایشان در اداره کل رسانه های خارجی وزارت ارشاد موجود است» («ایرنا»، خبرگزاری رسمی رژیم، ۲۳ دی ۱۳۹۷).

در یک نمونه دیگر پیرامون نحوه تطمیع و تهدید اطلاعات سپاه پاسداران و تحت فشار قراردادن اعضای خانواده ها در ایران، روشنگری شجاعانه خانم نرگس غفاری، مسئول رادیوی «ایرآوا» در کانادا در اردیبهشت امسال، شایان توجه است. او نوشت: «دوشنبه ۲ اردیبهشت ۹۸ یکی از اعضای خانواده ام که چند روز پیش از آن در پیامی خبر داده بود که "موضوع خیلی مهمی" را باید با من در میان بگذارد، با من تماس گرفت. مأموران اطلاعات سپاه تروریستی پاسداران، این عضو خانواده ام در ایران را تحت فشار گذاشته اند تا من که در کانادا زندگی می‌کنم، از فعالیتهای آزادیخواهانه ام علیه رژیم ضد ایرانی و ضد زن آخوندها دست بردارم. آنها از طریق وی، به من دستور داده و مرا تهدید کرده اند که یا :

-دست از تبلیغ علیه رژیم بردارم. در این صورت با من کاری نخواهند داشت.

-به ایران بازگردم.

- به ایران برنگردم و به کارم ادامه بدهم .

- در کانادا بمانم ولی با اطلاعات سپاه همکاری کنم.

می بینید چه گزینه هایی این قاتلین مردم ایران و سوریه برای من که ۹۹۸۱ کیلومتر از ایران دورم، جلوی پایم گذاشته اند. تعجب این است که چگونه این قاتلین، که اینک در لیست تروریستی هستند، به خود جرأت می‌دهند از آنطرف دنیا برای من گزینه تعیین کنند؟ ناگفته نماند که عامل مهم و اصلی این نوع تهدیدات، البته حمایت‌های من از سازمان مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت ایران در این سالیان بوده و هست . در فایل صوتی که در همین پست می شنوید، عضو خانواده ام را تحت فشار گذاشته اند تا من از این چهار گزینه، یکی را انتخاب کنم. به من وقت داده اند تا یکی دو هفته فکر کنم و تصمیمی بگیرم که برای کسی "مشکلی" به وجود نیاید. من به یک یا دو هفته وقت نیازی ندارم و همین الان جواب را حاضر دارم.

و اما جواب من: از آنجایی که مواضع من همیشه روشن و شفاف بوده و هستند، انتخابم را بدین وسیله به آگاهی عموم می‌رسانم. انتخاب من، نرگس غفاری، فعال سیاسی و حقوق زنان، مجری و تهیه کننده رادیو ایرآوا، سرنگونی تمامیت رژیم آخوندها و برقراری دموکراسی و آزادی در ایران اسیر است و در این راه همراه با مقاومت ایران از هر امکانی که در دست داشته باشم، برای عملی شدن این اهداف استفاده خواهم کرد و تا آنجا که در توان داشته باشم، در این راه قدم بر خواهم داشت. در همین‌جا باید بگویم که هر گونه اتفافی برای خانواده ام در ایران بیفتد، تمامیت نظام آخوندها را مسئول آن می‌دانم. به اطلاعات سپاه تروریستی پاسداران هم باید بگویم که این تهدیدها دیگر اثری ندارند و تنها باعث تشدید فعالیتهای من علیه تمامیت حکومت آخوندها خواهند شد. عمر حکومت شما رو به پایان است و به زودی در دست عدالت قرار خواهید گرفت.

زنده باد آزادی - مرگ بر اصل ولایت فقیه - نرگس غفاری، ۴ اردیبهشت ۹۸ - ۲۴ آوریل ۲۰۱۹».

۶۴- در بسیج شیطان سازی خامنه ای، ارتش سایبری رژیم طی سال گذشته با تمام قوا علیه جنبش مقاومت به کار گرفته شد و توثیت جواد ظریف و اظهارات بعیدی نژاد، سفیر رژیم در لندن، پس از بسته شدن حسابهای اینترنتی رژیم، که سعی داشتند به استناد تُرّهات کانال ۴ انگلیس و شبکه الجزیره انگلیسی ورق را علیه مجاهدین، به ویژه در آلبانی، برگردانند، جای تردید باقی نگذاشت.

خبرگزاری رویترز در ۲۵ شهریور ۱۳۹۷ گزارش کرد: وزیر خارجه ایران، محمدجواد ظریف، پس از این که «فیسبوک و توییتر و آلفابت، جمعاً صدها حساب مرتبط به عملیات تبلیغاتی منتسب به ایران را بستند» در یک توثیت به مدیر توییتر از او خواست «به روبات های واقعی در تیرانا، که برنامه تبلیغی تغییر رژیم در ایران را، که از واشینگتن غرغره می شود، ادامه می دهند» نگاهی بیندازد. چرا که «رسانه های ایران، اسرائیل، عربستان و گروه های اپوزیسیون، شامل مجاهدین خلق را، که بعضی از اعضای آن در آلبانی مستقر هستند، متهم به بودن در پشت کمپین های شبکه اجتماعی می کنند که فراخوان به سرنگون ساختن دولت اسلامی می-دهند».

همزمان سفیر رژیم در لندن، وقیحانه، از توییتر خواست که «به درخواست رسمی دکتر ظریف در چارچوب وظیفه قانونی خود برای بستن حساب های جعلی، که اقدام به ارسال هشتک های براندازنده علیه ایران می کنند، اقدام کند. بعیدی نژاد در کانال تلگرامی خود نوشت: زمان کوتاهی پس از آن که آقای دکتر ظریف به واقعیت تلخ وجود شبکه گسترده تولید و تکثیر توثیت های جعلی اشاره کردند، کانال چهار انگلیس و شبکه الجزیره برنامه های مستندی پخش کردند که چهره پنهان این واقعیت تلخ را افشا کرد» (خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۲۵ شهریور ۱۳۹۷).

رژیم در جعل و دروغ و شیطان سازی آن قدر فصاحت کرد که در یک سال گذشته فقط در توییتر ۱۱ هزار و ۵۰۰ حساب آن بسته شد.

در ۲۷ دی ۹۷ به دنبال فراخوان وزیر خارجه آمریکا به در میان گذاشتن پرسش ها و مطالبات مردم ایران در شبکه های اجتماعی، ارتش سایبری آخوندها با هزاران توثیت با اسامی گوناگون به ویژه «ری استارت» از مشهد، تبریز، یزد و تهران برای لجن پراکنی علیه مجاهدین و مقاومت ایران بسیج شدند. سوابق «ری استارت»، که گرداننده آن (محمد حسینی) از تلویزیون رژیم شروع به کار کرده و بعد از «سبز» خامنه ای از امارات و قبرس و سرانجام آمریکا سر در آورده است، بر کسی پوشیده نیست و کلیپ مصاحبه او در اوت ۲۰۱۳ با یک تلویزیون لس آنجلسی بر روی اینترنت در دسترس است. او تصریح می کند که مأموران وزارت اطلاعات در امارات «محبت کردند» و در جلسه ی پیشنهادشان را برای راه اندازی یک تلویزیون با او در میان گذاشتند و «گفتند خبرهایی بهت می دهیم که به نفع است. تو به ما فحش هم می دهی. تو اگر مشکل وجههات هست، ما وجههات را درست می کنیم. اخباری بهت می گویم بگو» و «خودت انتخاب کن. تلویزیون می زنی، آگهی اش می آید، سیستم اش هست، خبرهایی هم به تو می دهیم که همه اش انتقادی [از رژیم] است».

۶۵- در ۱۱ اسفند ۱۳۹۷ شبکه های تلویزیونی رژیم در یک تف سربالا برای قدرتنمایی، ارتباطات اطلاعات آخوندی با «شبکه آمذنیوز» را با دود و دم بسیار در مستندی به نام «ایستگاه پایانی دروغ» به نمایش گذاشتند تا به شیوه فیلم های جنایی - پلیسی «نا امیدی کامل ضدانقلاب از براندازی نظام و چهل سالگی اقتدار» را نتیجه بگیرند.

کارگردان اطلاعاتی رژیم می گوید: «این است سیستم اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران!» در عین حال یکی از هشدارهای بچه ترسان لولوخرخه یی این است که «اگر قرار باشد آمریکا بیاید [مجاهدین] می آیند یک کشتار اول می کنند، یک میلیون، دو میلیون، همه را می کشند تا ایران صاف بشود». سناریست امنیتی خاطرنشان می کند: «شما ببینید همین فرانسه در موضوع تروریسم چه رفتاری طی ماه های اخیر با ما داشتند؟ دیپلمات ما را دستگیر می کنند، دیپلمات ما را اخراج می کنند به یک بهانه واهی که هنوز یک برگ سند در مورد این ادعا به ما نداده اند. به بهانه واهی دیپلمات ما را دستگیر کردند، خلاف تعهدات بین المللی و خلاف حقوق بین المللی این را دستگیر کردند. سرکرده گروهک تروریستی منافقین هفته گذشته در پارلمان فرانسه سخنرانی کرد. صراحتاً اعلام می کند که ما در ایران از سال گذشته کانون های شورشی ایجاد کردیم. ببینید، وقتی می گوید کانون های شورشی یعنی رسماً دارد می گوید ما در حال براندازی هستیم و در حال ایجاد ناامنی در این کشور هستیم ...».

راه اندازی شبکه های گوناگون در پوشش «اپوزیسیون» در راستای خطوط و مأموریت های وزارت بدنام و سپاه چهل و جنایت، صنعت رایج گشتاپو و فاشیسم دینی است. مدیریت ضد اطلاعات ارتش آزادیبخش ملی ایران در

گزارش دیماه ۱۳۹۳ نمونه‌یی از یک مأمور رژیم به نام امیرحسین جهانشاهی را خاطرنشان می‌کند. این شخص که از همدستان پاسدار مدحی، نفوذی لو رفته رژیم در فیلم «الماسی برای فریب» در رابطه با قیام ۸۸ است و داعیه کارچاق کنی برای آلترناتیو «موج سبز» داشته به روزنامه فیگارو می‌گوید: «من برای انتخاب روحانی شبکه‌ها و نیز تلویزیون ماهواره‌یی فارسی‌زبان خود به نام "رها"، را، که در سال ۲۰۱۲ در لندن تأسیس کرده بودم، فعال کردم. من تمام تلاشم را به کار خواهم گرفت تا آن دسته از مسئولان رژیم، که می‌خواهند کشور را نجات بدهند موفق شوند» (فیگارو، ۱۹ بهمن ۱۳۹۳).

جهانشاهی از این پیشتر در همان شبکه تلویزیونی گفته بود: «می‌خواهم به صورت علنی اعلام کنم که تغییر و یا براندازی نظام جمهوری اسلامی توسط هر گروه سیاسی و یا فردی با در دست داشتن این تجربه، که عواقب آن جنگ داخلی و تجزیه کشور خواهد بود، امری کمتر از خیانت نخواهد بود» (تلویزیون "رها"، ۳۰ آبان ۱۳۹۳).

این کانال تلویزیونی همان است که «تواب تشنه به خون» در آن به کار گرفته می‌شد تا علیه مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران به لجن‌پراکنی بپردازد.

مأموریتی که اکنون در دیگر شبکه‌های تلویزیونی و اینترنتی اطلاعات آخوندی بی‌دنده و ترمز ادامه دارد تا «آن دسته از مسئولان رژیم که می‌خواهند کشور را نجات دهند، موفق شوند»!

در یک سال گذشته این قبیل شبکه‌ها برای «نجات» نظام از خطر قیام و انقلاب، به راستی افسار پاره کردند. بریده مزدوران و خیانتکاران با برچسبهای مضحک تحلیگر و پژوهشگر و منتقد و فعال حقوق بشر مأموریت دارند برای تغذیه بسیجیها و ارتش سایبری سپاه پاسداران و برای اطلاعاتی‌ها و بازجویان ولایت، تا بی‌نهایت و با رکیک‌ترین الفاظ به شورای ملی مقاومت و به خصوص به سازمان مجاهدین ناسزا بگویند. حرف مأموران ولایت ساده و روشن است و جای تردید در ماهیت آنها و در مأموریتی که بر عهده دارند باقی نمی‌گذارد. حرف این است که «یکی از بزرگترین جنایتکاران علیه بشریت مسعود رجوی است» (ایرج مصداقی-میهن تی وی ۳ مرداد ۱۳۹۸). این دم تکان دادن آشکار برای آخوندهای جلّاد ابراهیم رئیسی و پورمحمدی و به روشنی تبعیت از ولی فقیه ارتجاع در فتوای تعویض جای شهید و جلّاد در موضوع اعدام‌ها و قتل عام است. خامنه‌ای در باره «تروریست‌ها و منافقین» گفت: «دهه ۶۰ دهه حوادث بزرگی است که در کشور اتفاق افتاد... من توصیه می‌کنم به کسانی که اهل فکرند، اهل تأمل‌اند راجع به دهه ۶۰ قضاوت می‌کنند، جای شهید و جلّاد عوض نشود... [شعار مرگ بر منافق]» (۱۴ خرداد ۱۳۹۶ برسر قبر خمینی).

در این گرد و خاکهای آخر خط، بی سبب نیست که مبلّغان «قتلهای مشکوک در درون مجاهدین» (برای ماستمالی و هر چه کم‌بار نمودن و بالانس کردن جنایتهای رژیم) از بالاگرفتن جنبش دادخواهی سراسیمه‌اند. آن‌چنان که گزارش عفو بین الملل در سی‌امین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی تحت عنوان "یک جنایت ادامه دار علیه بشریت" را هم برنمی‌تابند و در چاکری نظام ولایت، حتی گزارشگران عفو را به خاطر نام بردن از مجاهدان سر به‌دار و مصاحبه و گفتگو با همبندان آنها مرتکب گناه کبیره و مستوجب حدّ شرعی و تعزیرات حکومتی می‌دانند!

از دیگر طرفه‌های این وحوش، به کار گرفتن مزدور بچگان و مستخدمان نورسیده‌یی است که در میانسالی به صرافت آن می‌افتند که وقتی کم سن و سال بوده‌اند، مجاهدین آنها را به اجبار یا با "شستشوی بی‌مغزی" از اروپا یا آمریکا به ارتش آزادیبخش برده‌اند! علی‌الحساب با سرهم‌بندی کردن این اراجیف و اکاذیب می‌توان از بار اعزام ۴۵۰ هزار دانش آموز به جبهه‌های جنگ ضد میهنی توسط رژیم خمینی و این که «۹۰ درصد خط شکنهای جبهه دانش آموز بوده‌اند» کاست و مجاهدین را با این رژیم این‌همانی بلکه بدتر کرد. نتیجه این که: بر ما دانش آموزان عزیز واضح و مبرهن می‌شود که وضع موجود بر جایگزینی شورای ملی مقاومت مرجّح است و گرد قیام و انقلابی دگر نباید گشت. البته و "به فرموده" مجتهدین وزارت، نظر به عقب از شیخ به شاه مجاز و نسبت به شورا و مجاهدین که خط قرمز و "حرام شرعی" است، استحباب بسیار دارد!

۶۶- در مورد راه اندازی شبکه‌های گوناگون توسط وزارت اطلاعات، هاشم خواستار، نماینده معلمان آزاده ایران، در ۳۰ تیر ۱۳۹۸ نوشت: «گروه فرزنانگان توسط ارتش سایبری، برای شکار آزادیخواهان به‌وجود آمده است... از همکاران خواستم که هوشیار باشند که این گروه توسط ارتش سایبری به‌وجود آمده است».

نماینده معلمان آن‌گاه به ذکر دو موضوع بسیار قابل توجه دیگر در باره خط قرمز رژیم و در باره پسر شاه پرداخته و می‌گوید: «در روز ۱۹ آبان ۹۷ که نیروهای امنیتی با فشار ملت قهرمان ایران مجبور شدند مرا از بیمارستان روانی سینا آزاد کنند، دو نفر از نیروهای امنیتی به سراغم آمدند و از من خواستند که چون سازمان مجاهدین خلق از تو حمایت کرده‌اند، باید بر علیه آنها بیانیه بدهی و خط قرمز ما رهبری هم نیست بلکه سازمان

مجاهدین خلق است. به آنها گفتم یعنی حکم اعدام خود را امضا کنم؟ آنها را به مقاله‌یی که در حمایت از معلم زندانی آقای عبدالرضا قنبری نوشته بودم و روز دستگیری یعنی اول آبان منتشر کرده بودم، حواله دادم. باز پارسال در اردیبهشت ۹۷ که مأموران اطلاعات به باغم آمدند، از من پرسیدند که چرا با شاهزاده رضا پهلوی همکاری نمی‌کنی؟ می‌خواهی الآن شماره موبایل شاهزاده را بگیریم که با او صحبت کنی؟ که گفتم: نه». معلم زندانی تصریح می‌کند که «غرض از نوشتن این مقاله، حمایت و یا مخالفت با تشکیلات خاصی نیست بلکه بیان حقایق است تا هر کس بداند که در کدام اردوگاه مبارزه کرده و آیا دموکرات واقعی‌ست یا دموکرات کوتوله...».

وی سه هفته بعد از نوشتن این مقاله بار دیگر در ۲۰ مرداد ۹۸ دستگیر شد. واضح است که اطلاعات آخوندی او را به شدت برای پس گرفتن این اظهارات تحت فشار قرار می‌دهد.

۶۷- از روز ۲۰ تیر امسال نخستین روز گردهمایی‌های ۵ روزه مقاومت در اشرف ۳ در آلبانی، خبرگزاری و تلویزیون و سایتهای اطلاعات آخوندها، که تاکنون مدّعی بودند مجاهدین در محیط بسته‌یی به سر می‌برند و ارتباطات بیرونی چندانی ندارند، به ناگهان و با هیاهو به پمپاژ خبرها و انتشار عکسهای از ارتباطات اینترنتی مجاهدین و توثیق و هشتگ سازی در اشرف ۳ مبادرت کردند.

خبرگزاری رسمی رژیم در این باره نوشت: «تروریستهای [مجاهدین] اقدامات جدیدی علیه امنیت ایران طرّاحی کردند... با ساخت سوله های متعدّد در کمپ تروریستی خود به هشتگ سازی برای ناامن کردن روح و روان مردم ایران روی آورده اند... قرار است هفته آینده هم یک شوی ضدایرانی دیگر در آلبانی برگزار کنند» (ایرنا، ۲۰ تیر ۱۳۹۸).

در همان روز «انجمن نجات» اطلاعات آخوندها ادّعا کرد: «به تازگی تصاویری از مجاهدین خلق منتشر شده است. این تصاویر اعضای سازمان مجاهدین را در کمپ اشرف ۳ نشان می‌دهد که پشت کامپیوتر، مشغول فعالیت در فضای مجازی برای تأثیرگذاری بر فضای کشور هستند».

- در سوم مرداد یک تلویزیون اینترنتی اطلاعات آخوندها در کالیفرنیا «توّاب تشنه به خون» را به صحنه آورد تا در باره سالنی در اشرف ۳ که ۱۰۰ نفر در آن پشت کامپیوتر نشسته اند و «عکسهایش هم دست رژیم است»، داد سخن بدهد. وی ابلهانه در باب قدرقدرتی رژیم افزود: «در این ۴۰ سال گذشته سابقه نداشته است یک عکس از درون مجاهدین بیرون بیاید، چگونه شده که الآن بیرون آمده. فکرش را بکنید عکس از درون آلبانی آمده دست رژیم، این نشان‌دهنده فروپاشی اینهاست... نه یک عکس، لاقلاً ده عکس است. این عکسها دزدکی هم گرفته نشده» (۳ مرداد ۱۳۹۸).

- در ششم مرداد پاسدار ناصح، از سرکردگان سپاه پاسداران، در تلویزیون رژیم گفت: «نفوذ زیادی هم توی آلبانی کردند. همین الآن در حدّی که حتّی مثلاً سفیر جمهوری اسلامی را در یک مرحله بیرون کردند از اونجا الآن سه تا فعالیت عمده توی اونجا دارند انجام می‌دهند: یکی، فعالیت اطلاعاتی هست؛ یک، فعالیت لابی‌گری و سیاسی است و یک، فعالیت هم بحث سایبری است که الآن شدیداً دارند رویش کار می‌کنند و جدای از بحث عضوگیری است... چون که روی جوانهای ما اثر می‌گذارند، عامل می‌گیرند، فعالیت می‌کنند و ما خودمان هم متأسّفانه آنقدر زمینه منفی توی جامعه ایجاد کردیم و می‌کنیم که با اتفاقاتی که داره می‌افتد که جوانها گرایش پیداکنند» (تلویزیون افق، ۶ مرداد ۱۳۹۸).

- در ۹ مرداد خبرگزاری رادیو تلویزیون رژیم صحنه‌های تعجّب‌انگیزی را به نمایش گذاشت که در آن مأموران رژیم در خیابان پاکت‌های حاوی همان عکسهای مجاهدین در اشرف ۳ در پشت کامپیوتر را به مخاطبین می‌دادند تا اظهار نظر کنند. یک بسیجی پس از دریافت عکس با تعجّب گفت: «چه پشتیبانی‌یی دارند، اصلاً فکرش را نمی‌کردم». بسیجی دیگری افزود: «یک زمانی بمبگذاری می‌کردند الآن دنیا تغییر کرده این‌هم خودش یک نوع بمبگذاری داخل فضای مجازی است».

ترس و وحشت رژیم که این‌چنین توسط خودش در خیابانها و در رسانه‌هایش جاری شده، مربوط به صدها قطعه عکسی است که در روز شنبه ۹ تیر ۱۳۹۷، همزمان با گردهمایی بزرگ مقاومت در پاریس از اشرف ۳ در فضای مجازی منتشر شده و هیچ چیز مخفی نبوده است. الاّ این که رژیم هم در همان روز دریافت کرده اما بازنشر و بازپخش آن را یکسال به مصلحت نظام ندیده تا در این فاصله بتواند احمقانه ادّعا کند مجاهدین در فضای بسته به سر می‌برند.

۶۸- در ۲۶ بهمن ۹۷، همزمان با ورود محمدجواد ظریف به آلمان برای شرکت در کنفرانس امنیتی مونیخ و دو روز بعد از تظاهرات شکوهمند هموطنان و یاران اشرف نشان در ورشو، مجله اشپیگل در یک رذیلت بی‌سابقه برای

استمالت از فاشیسم دینی در ایران، شیطان‌سازی از مقاومت ایران را به مدار جدیدی ارتقا داد. آش مماشات با اکاذیب و یو‌ه‌های افزوده از سرِ حقد و کین با مجاهدین آن‌قدر شور بود که دادگاه فوراً در کمتر از یک هفته پس از ثبت شکایت (در روز ۱۵ مارس ۲۰۱۹ برابر با ۲۴ اسفند ۹۷) بر آن با صدور حکم (در روز ۲۱ مارس برابر با اول فروردین ۹۸) دهنه زد.

در ابتدای مقاله نویسانده شده (!) در اشپیگل، فغان و فریاد حافظان و حامیان ولایت نفت و خون به آسمان رفته بود که «اعضای دولت ترامپ از یک سکت سیاسی حمایت می‌کنند که خواهان سرنگونی رژیم تهران است». سپس زن خبرنگاری که ماه‌ها در ایران بین «دختران معاویه» و «راهیان نور» با هدبند سبز مشغول آموزش‌های بسیجی و اکنون شاگرد آشپز اشپیگل شده بود، گزارش می‌کرد که «در کنار یک جاده در شمال غربی آلبانی، مردان و زنان عجیبی در حال آماده شدن برای سرنگونی رژیم ایران در یک اردوگاه هستند. گفته می‌شود که سه بار در هفته بسیاری از آنها تمرین می‌کنند که گلوها را با چاقو از هم بدرند، دستها را بشکنند، چشمها را با انگشت از حلقه دریاورند و دهانها را پاره کنند».

از عجایب روزگار این که آن‌چه اشپیگل در ۲۶ بهمن ۹۷ منتشر کرد، ۲ ماه و ۲۰ روز قبل از آن در پنجم آذر ۹۷ در سایت «انجمن نجاست» اطلاعات آخوندها در کرمانشاه، تحت عنوان «سرگذشت غم‌انگیز یک جدانشده» منتشر شده و سایت‌های زنجیره‌پی اطلاعات آخوندها بلافاصله به بازنشر آن اقدام کرده بودند (اینترلینک، آوا، یاران ایران و سلسله سایت‌های انجمنهای موسوم به نجات در داخل ایران).

از عجایب دیگر این که ۱۰ روز پس از اجرایی شدن تحریم نفتی رژیم در ۱۳ آبان ۹۷، اشپیگل طی نامه‌ی به نمایندگی شورا در آلمان سؤالات آکنده از افترا و دروغ ارسال و خواهان پاسخ شده بود. متعاقباً نمایندگی شورا در آلمان پاسخ‌های مفصل و مستدل همراه با مجموعه‌یی از اسناد برای اشپیگل ارسال کرد، اما هیچ اثر و فایده‌یی نداشت زیرا فتوای سوزاندن مجاهدین در کوره‌های آدم سوزی فاشیسم دینی، که نفت آن توسط آخوندهای جلاد تأمین می‌شود، صادر شده بود. هر چند هم نمایندگی شورا از سردبیر اشپیگل پرسید که «اولسی یازچی»، مزدور سفارت رژیم ایران در آلبانی، در کنار زن خبرنگار اشپیگل در ورودی و اطراف اشرف ۳ چه می‌کند؟ به آن پاسخی داده نشد. تا این که دادگاه در روز اول فروردین ۹۸ حکم محکومیت صادر و اشپیگل را موظف کرد طی ۲۴ ساعت افتراءات را حذف و از بازنشر آن نیز خودداری کند و الا برای هر مورد نقض با ۲۵۰ هزار یورو جریمه نقدی یا ۶ ماه حبس روبه‌رو می‌شود.

ابعاد شیطان‌سازی و رذیلت آخوندی به راستی بهت‌انگیز بود. بدون تردید و طبق تمام تجارب اشرف و لیبرتی، شیطان‌سازی، تروریسم و کشتار را به دنبال دارد. پیکر خونفشان مجاهدین و دستهای خونین آخوندها و کارگزاران و مبلغان و مأموران و مزدوران آنها پنهان کردنی نیست؛ واقعیتی که در ماجرای دستگیری اسدالله اسدی، دیپلمات تروریست حکومت آخوندی، در همین آلمان در تابستان ۹۷ در جریان توطئه تروریستی علیه گردهمایی بزرگ مقاومت در پاریس بار دیگر به اثبات رسید.

از این پیشتر در مراسم نوروز ۱۳۹۷ مجاهدین در آلبانی، که با حضور خانم مریم رجوی و شخصیت‌های خارجی از جمله شهردار جولیان برگرار شد، توطئه بمب‌گذاری و انفجار خنثی و برملا شده بود. دو تروریست اعزامی رژیم برای اجرای توطئه تروریستی از پوش خبرنگار استفاده می‌کردند و در زمان دستگیری مشغول عکس گرفتن بودند. ادی راما، نخست وزیر آلبانی، این توطئه را شخصاً افشا کرد. نخست‌وزیر گفت: «من معتقدم در رابطه با مجاهدین ما کار درستی را انجام دادیم. ما به گروهی که مورد آزار و تعقیب بودند، جا دادیم... ما در سمت درست تاریخ قرار داریم، ما جزء گروه کشورهای اروپایی - آتلانتیک هستیم که به شیوه مشابه مورد تهدید هستند. من معتقدم تمام این کشورها علیه تهدیدات تروریستی اقدام می‌کنند» (تلویزیون ویژن پلاس، ۱۹ آوریل ۲۰۱۸).

دروغپردازی و خصومت‌های دیوانه‌وار علیه مجاهدین، که به تروریسم و کشتار منتهی می‌شود، همزمان با قیام دیماه ۱۳۹۶ شدت گرفته بود. خامنه‌ای در ۱۹ دی ۹۶ با تأکید بر این که قیام توسط مجاهدین سازماندهی شده و از ماه‌ها پیش برای آن برنامه ریزی کرده بودند، تهدید کرد که «این کار بی تقاص نخواهد ماند» و گفت: «با کسانی که هیچانی وارد ماجرا شده اند، چه دانشجو چه غیر دانشجو، باید صحبت و روشنگری کرد، اما حساب [مجاهدین] جداست».

یک هفته قبل از آن پاسدار شمشخانی، دبیر شورای عالی امنیت رژیم، گفته بود: مجاهدین «پاسخ مناسب را از جایی که نمی‌دانند، دریافت خواهند کرد».

آخوند روحانی نیز به رئیس جمهور فرانسه شکایت برد و گفت: «ما از دولت فرانسه می‌خواهیم که علیه این گروهک تروریستی اقدام کند» (۱۲ دی ۱۳۹۶).

روزنامه فیگارو دو روز بعد در ۱۴ دیماه ۹۶ نوشت: «روحانی بار دیگر داستان مجاهدین را پیش می‌کشد. حسن روحانی از امانوئل ماکرون خواسته است علیه مخالفان در تبعید وی دست به اقدام بزند». فیگارو افزود: «در الیزه گفته می‌شود: هیچ گفتگویی با ایرانیها نداشته ایم که طی آن در نقطه یی موضوع مجاهدین به رخ ما کشیده نشود».

از شواهد و نمونه‌هایی که در این فصل گفته شد به روشنی می‌توان دریافت که چرا رژیم در مهلکه بحرانهای سرنگونی، برون‌رفت خود را در شیطان‌سازی و تروریسم یافته است. از این‌رو، علاوه بر مزدوران لباس شخصی و مأموران اپوزیسیون‌نما در به کارگرفتن دیپلوماتهایش در بمب‌گذاری نیز تردید نمی‌کند. رژیم شاه هم در مرحله پایانی چاره‌یی جز چماقداری و گلوله و تانک و سرکوب نظامی نمی‌یافت.

زمان نامگذاری وزارت اطلاعات رژیم و مزدوران آن در لیست تروریستی آمریکا و اتحادیه اروپا فرا رسیده است. دیپلومات تروریستها و عوامل و مزدوران و کاربران این رژیم، در هر لباسی که هستند، باید محاکمه و مجازات و اخراج شوند.

فصل هشتم:

لیست گذاری تروریستی سپاه پاسداران

تحریم کامل نفتی، تحریم ولی فقیه و وزیر خارجه آخوندها فراخوانهای مقاومت ایران به طرد و تحریم فاشیسم مذهبی

۶۹ - در یک‌ساله که گذشت، دولت آمریکا پس از خروج از توافق اتمی با اعمال سلسله‌یی از تحریمها، از جمله تحریم کامل نفتی، تحریم بانکی، تحریم پتروشیمی، فلزات و همچنین تحریم خامنه‌ای و دفتر و دستگاه او و بالاخره تحریم ظریف، وزیر خارجه فاشیسم دینی و از سوی دیگر، با گذاشتن سپاه پاسداران در لیست سازمانهای تروریستی خارجی در ۱۹ فروردین ۱۳۹۸ عرصه را بر رژیم آخوندی هر چه تنگ‌تر کرد. این نامگذاری در حالی صورت گرفت که رژیم آخوندی با تمام قوا تلاش می‌کرد از طریق لابی‌هایش در داخل آمریکا و اروپا از آن جلوگیری کند.

رئیس جمهور آمریکا به هنگام این نامگذاری گفت: «این اقدام بی‌سابقه به رهبری وزارت خارجه، به رسمیت شناختن این واقعیت است که رژیم ایران نه تنها یک حکومت حامی تروریسم است، بلکه سپاه پاسداران فعالانه از تروریسم، به عنوان یک ابزار سیاست، حمایت مالی کرده و آن را اشاعه می‌دهد. سپاه پاسداران ابزار اصلی حکومت ایران در هدایت و اعمال بسیج جهانی تروریستی این رژیم است. در این لیست‌گذاری، برای نخستین بار است که آمریکا بخشی از یک دولت دیگر را به عنوان یک سازمان تروریست خارجی لیست گذاری می‌کند. این لیست گذاری تأکیدی است بر این که اعمال رژیم ایران به طور بنیادین با رفتار سایر دولتها فرق دارد. این اقدام به میزان قابل ملاحظه‌یی ابعاد و وسعت فشار حداکثری ما روی رژیم ایران را گسترش خواهد داد. این اقدام، ریسک و خطر هرگونه تجارت یا دادن کمک به سپاه پاسداران را برای هرکس که به آن مبادرت کند، روشن می‌سازد. یعنی، اگر شما مشغول تجارت با سپاه پاسداران هستید، شما دارید از تروریسم حمایت مالی می‌کنید. این اقدام پیامی روشن به رژیم تهران می‌فرستد که حمایتش از تروریسم عواقب جدی دارد. ما به افزایش فشار مالی و افزایش هزینه برای رژیم ایران به خاطر حمایتش از فعالیت‌های تروریستی ادامه می‌دهیم تا آن که رفتار بدخیم و غیرقانونی خود را کنار بگذارد».

۷۰ - شورای ملی مقاومت از آغاز تأسیس خود برای سرنگونی رژیم آخوندی و انتقال حاکمیت به مردم ایران، پیوسته، خواستار تحریمهای همه جانبه به‌ویژه تحریم نفتی و تسلیحاتی رژیم آخوندی، اخراج این رژیم نامشروع از ملل متحد و واگذاری کرسیهای ایران به شورای ملی مقاومت، یگانه آلترناتیو دموکراتیک این رژیم، بوده است.

مقاومت ایران همچنین در دهه های گذشته، به طور مستمر، بر نقش سپاه پاسداران به عنوان ابزار اصلی حفظ نظام ولایت فقیه تأکید کرده است.

شورا و نمایندگی های آن، به‌خصوص در چند سال گذشته، کارزار فشرده‌یی را برای اعمال تحریمهای همه جانبه علیه رژیم آخوندی و برای گذاشتن سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات و بیت خامنه‌ای و دیگر ارگانهای ذیربط در لیستهای تروریستی پیش برده اند.

مسئول شورای ملی مقاومت در ۲۲ بهمن ۱۳۷۷ گفت: «دیکتاتوری ولایت‌فقیه یک دیکتاتوری نظامی - پلیسی است. سپاه پاسداران ابزار حفظ نظام ولایت‌فقیه است که این رژیم عمدتاً به آن متکی است. سپاه پاسداران

ارگان محوری اعمال قهر و سرکوب نظامی است. دینامیسم یعنی موتور محرک سپاه و روح حاکم بر آن صدور ارتجاع و جنگ طلبی مبتنی بر نظریه ولایت جهانشمول است. سپاه پاسداران در هیأت ارتشی با تسلیحات سنگین و دارای نیروی هوایی و دریایی و قدرت موشکی، در همان جریان جنگ ۸ ساله شکل گرفت. این که سپاه ابزار اصلی اعمال قهر نظامی و وسیله اصلی حفظ نظام ولایت فقیه است، دلیلش روشن است. چون سپاه در هرکجا، در تظاهرات مردم، در خیزش شهرها، از مشهد تا قزوین و شیراز و اسلامشهر، همیشه برای سرکوب حاضر به یراق است و از طریق قرارگاههای مختلف خود شهرها را کنترل می‌کند. وقتی خمینی می‌گفت: "اگر سپاه نبود، کشور هم نبود"، منظورش همین نقش محوری سپاه پاسداران در حفظ نظام ولایت، از جهات مختلف بود».

واقعیت این است که تأخیر درازمدت در لیست گذاری سپاه پاسداران کمک بزرگی به توسعه تروریسم و جنگ افروزی توسط رژیم آخوندی در سطح بین المللی و منطقه‌پی کرده است. آن هم درحالی که پاسدار محسن رفیق دوست، وزیر سابق سپاه پاسداران، در مورد انفجار مقرّ تفنگداران آمریکایی در بیروت در سال ۱۹۸۳ اعتراف کرد: هم ایدئولوژی و هم مواد منفجره آن از ایران رفته بود.

لویی فری، رئیس وقت «اف. بی. آی» در مورد نقش رژیم ایران در انفجار خوبر (در عربستان سعودی) در سال ۱۹۹۶ شهادت داد. هزاران سند و گزارش دیگر نیز جای تردید در ضرورت نامگذاری تروریستی سپاه پاسداران باقی نمی‌گذاشت. اما سیاست ننگین استمالت به جای سپاه پاسداران، ارتش آزادیبخش ملی ایران را به عنوان همانم مجاهدین در لیست گذاشت.

نقش سپاه پاسداران در سرکوب قیام سوریه و شراکت در کشتار نیم میلیون تن از مردم این کشور، از سیاهترین اوراق جنایت‌های رژیم آخوندی است. همدستی در جنایت علیه بشریت، همچنان در استمرار کشتار و ویران‌سازی در ادلب - که از آغاز سال ۱۳۹۸ بالا گرفته - ادامه دارد.

خبرگزاری آناتولی روز ۱۵ فروردین ۹۸ گزارش کرد که در اثر حملات، مجدداً هزاران خانواده از مناطق جنوب و جنوب شرقی ادلب و حومه شمالی حما به اردوگاه‌های مستقر در مرز ترکیه پناه برده اند. تعداد خانواده‌هایی که از این مناطق در نوامبر و دسامبر ۲۰۱۸ مهاجرت کردند به ۱۶ هزار و ۵۴۹ خانواده (۷۶ هزار و ۴۲۷ غیرنظامی) رسیده است.

شبکه حقوق بشر سوریه در ۹ مرداد ۹۸ اعلام کرد بر اثر حملات هوایی و زمینی نیروهای رژیم اسد و حامیانش در فاصله ۶ اردیبهشت تا ۵ مرداد در ادلب ۷۸۱ غیرنظامی شامل ۱۴۰ زن و ۲۰۸ کودک، جان باخته اند.

در ۱۰ مرداد ۹۸ در اجلاس شورای امنیت ملل متحد، کشتار در ادلب به شدت محکوم شد. مارک لوکاک، معاون دبیرکل ملل متحد در امور انسان‌دوستانه، در این جلسه گفت: بمبارانها و حملات هوایی سوریه با حمایت روسیه، طی ۹۰ روز اخیر در ادلب، منطقه به اصطلاح کاهش تنش را به منطقه کشتار گسترده، تبدیل کرده است.

رژیم آخوندها در جنایات سرکوبگرانه رژیم اسد در همه مناطق سوریه نقش تعیین کننده دارد. ولع خونریزی این رژیم و اصرار آخوند روحانی در اجلاس سه جانبه تهران در ۱۶ شهریور ۹۷ برای حمله بزرگ به ادلب، جامعه جهانی را حیرت زده کرد. به خصوص که دو روز قبل از آن، آنتونیو گوترز در مورد «فاجعه انسانی» در استان ادلب با سه میلیون جمعیت هشدار داده بود. آمریکا و ۱۰ کشور دیگر عضو شورای امنیت به‌طور جداگانه نسبت به عملیات نظامی علیه ادلب «اظهار نگرانی عمیق» کرده بودند (خبرگزاری فرانسه، ۱۴ شهریور ۱۳۹۷).

۷۱-مقاومت ایران، که از سه دهه پیش همواره بر طرد و تحریم رژیم نامشروع آخوندها تأکید کرده است، در قبال تشدید تحریم‌های آمریکا، پیوسته و در هر قدم، لزوم تکمیل و ارتقای این سیاست به تغییر رژیم و قطع کامل مماشات و به رسمیت شناختن اساسی‌ترین حق مردم ایران یعنی حق مقاومت برای سرنگونی فاشیسم دینی را خاطر نشان کرده است.

خانم مریم رجوی در ۲۴ آذر ۱۳۹۷ در کنفرانس بین المللی جوامع ایرانیان با اشاره به برخی از جنایات تروریستی رژیم آخوندها در خارج از ایران گفت: «روی آوردن این رژیم به تروریسم و تعدد این جنایت‌ها، نه یک واکنش گذرا و تاکتیکی، بلکه یک راهکار و برون رفت در استراتژی رژیم برای بقا و مقابله با بحران سرنگونی است». وی افزود: «دستگیری یک مقام اطلاعاتی رژیم، که تحت پوش دیپلمات در اتریش کار می‌کرد و اخراج سه دیپلمات تروریست رژیم از فرانسه و هلند، دستگیری یک تروریست در دانمارک، که رابطه نزدیکی با سفیر و سفارتخانه رژیم در نوژ داشت و محاکمه دو تروریست رژیم در کنیا اثبات می‌کند که از شورای عالی امنیت آخوندها تا سپاه پاسداران و نیروی تروریستی قدس و وزارت اطلاعات و وزارت خارجه و سفارت‌خانه‌های رژیم، همه و همه، اجزای دستگاه تروریسم ولایت فقیه هستند... حقیقتی که از دو دهه پیش در احکام دادگاه‌ها و

دستگاه‌های قضایی در کشورهای مختلف، از جمله آلمان، آمریکا، ایتالیا، سوئیس و آرژانتین با تأکید بر مسئولیت مستقیم خامنه‌ای و رئیس‌جمهور، وزیر خارجه و وزیر اطلاعات این رژیم و سران سپاه پاسداران به اثبات رسیده و حتی برای برخی از آن‌ها حکم جلب بین‌المللی صادر شده است».

خانم رجوی با تأکید بر بطلان تئوری‌بافی‌ها درباره اقدامات خودسرانه و بدون اطلاع خامنه‌ای و روحانی یادآوری کرد: ظریف، وزیر خارجه آخوندها، در آبان ۹۷ در مجلس رژیم گفت که در مذاکرات اتمی علاوه بر روحانی، همه چیز با تمام جزئیات، با اطلاع و موافقت خامنه‌ای انجام شده و تصریح کرد: «ما دستگاهی نیستیم که سر خود عمل کنیم... مگر ما می‌توانیم در این کشور کاری بکنیم، بدون این که گزارش بدهیم».

خانم رجوی نتیجه‌گیری کرد: «از اینجا می‌توان فهمید که تئوری اقدامات و تروریسم خودسرانه در رژیم آخوندی که همه چیز حتی زندگی خصوصی مردم را هم کنترل می‌کند، غیرمنطقی و سرپوش گذاشتن بر جنایت‌های آخوندهاست». «سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات و ماشین تبلیغات حکومتی باید در لیست سازمان‌های تروریستی خارجی آمریکا و لیست تروریستی اتحادیه اروپا قرار بگیرند». «شریان‌های مالی رژیم یعنی راه تأمین مالی بیت خامنه‌ای و سپاه پاسداران و نیروی تروریستی قدس و گشتاپوی دینی باید مسدود شود».

۷۲- در ۲۱ دیماه ۱۳۹۷ نیز خانم رجوی، پس از اظهارات وزیر خارجه آمریکا در قاهره مبنی بر این که «آمریکا دیگر از آخوندهای حاکم بر ایران محافظت نمی‌کند» و «به مردم ایران که خواهان آزادی و حسابرسی هستند» می‌پیوندد، ضمن استقبال «از فاصله گرفتن آمریکا از سیاست‌هایی که مردم و مقاومت ایران نخستین قربانیان آن بوده‌اند»، ضرورت اقدامات زیر را مورد تأکید قرار داد:

- به رسمیت شناختن حق مقاومت مردم ایران برای سرنگونی فاشیسم دینی و دستیابی به آزادی؛
- قراردادن تمامیت سپاه و وزارت اطلاعات آخوندها در لیست تروریستی وزارت خارجه آمریکا و اتحادیه اروپا؛
- اخراج مزدوران اطلاعات آخوندها و نیروی تروریستی قدس از آمریکا و اروپا؛
- ارجاع پرونده نقض حقوق بشر در ایران به شورای امنیت پس از ۶۵ بار محکومیت در ملل متحد؛
- حمایت از ارجاع پرونده قتل‌عام زندانیان سیاسی به دادگاه بین‌المللی؛
- اخراج رژیم نامشروع ملّایان از ملل متحد و به رسمیت شناختن نمایندگی مقاومت عادلانه مردم ایران؛
- اخراج قاطعانه فاشیسم دینی حاکم بر ایران و نیروهای آن از سوریه، عراق، یمن، لبنان و افغانستان؛
- وادار کردن حکومت عراق به پرداخت مابه‌ازای دارایی‌ها، تجهیزات و تسلیحات و قرارگاه‌های سازمان مجاهدین و ارتش آزادیبخش ملی ایران، که به‌طور کامل با هزینه خود آنها تهیه شده و اسناد آن موجود است.

۷۳- پس از نامگذاری تروریستی سپاه پاسداران، آقای مسعود رجوی در اطلاعیه شماره ۱۲ ارتش آزادیبخش ملی در ۱۹ فروردین ۹۸ نوشت: «لیست‌گذاری سپاه پاسداران البته آغاز فصل جدید در رابطه آمریکا و لاجرم تمام جامعه بین‌المللی در قبال رژیم آخوندی است. از علائم دوران آماده‌باش سرنگونی است. حاصل سیاسی - نظامی کارزار پر رنج و خون علیه این نیروی سرکوبگر در داخل میهن اشغال‌شده و در منطقه و در عرصه بین‌المللی است. باید هم‌چنان که رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت به کرات گفته است، با لیست‌گذاری اطلاعات آخوندها و بیت‌العنکبوت خامنه‌ای تکمیل شود.

سپاه پاسداران نیروی اصلی حفظ رژیم ولایت فقیه است؛ ارگان اصلی قهر و سرکوب نظامی در استبداد عقب مانده دینی است؛ نسخه و برگردان مادون سرمایه داری گردانهای حفاظتی «اس. اس» در آلمان نازی و پیراهن سیاهان فاشیست در ایتالیا، که بی‌شبه محصول بلافصل جنایت و جنگ است؛ محصول شکار انقلابیون و سرکوب در داخل و جنگ‌افروزی در خارج از مرزهای کشور است. با سلاح سنگین، در جریان جنگ ضدمیهنی شکل گرفته است...

تا سپاه جنگ و جنایت هست، ظلمت آخوندی و ولایت فقیه هم برقرار است. باید با آن جنگید. بدون جنگ ساقط نمی‌شود. استراتژی ارتش آزادیبخش ملی از آغاز بر همین پایه بنا شده و کانونهای شورشی در همین مسیر هستند...

در جبهه خلق و سرنگونی، تحریم رژیم و لیست‌گذاری سپاهش البته لازم و بسیار مفید و مؤثر است، به شرط این که با اتکا به خود، با کانون شورشی و با ارتش آزادی، آن را در خیابانها و شهرهای این میهن، همچون کاوه آهنگر به پتکی سنگین و گریز آتشین بر فرق ضحاک زمان و مزدوران آن ارتقا دهیم. با برانگیختن مردم به جان آمده به برخاستن و قیام و حق‌طلبی به هر قیمت. چرا که حق و آزادی را به رایگان نمی‌دهند. باید بر اساس "کس نخارد" قیمت آن را به تمام و کمال پرداخت و از حلقوم حق ستیزان و آزادی‌کشان بیرون کشید».

۷۴ - نمایندگی شورای ملی مقاومت در آمریکا در اردیبهشت ۱۳۹۸ کتابی تحت عنوان «فرستادگان ترور - چگونه سفارت‌های ملّیان شبکه قتل و جاسوسی را هدایت می‌کنند» منتشر کرد. این کتاب ضمن بر شمردن ۱۰ توطئه تروریستی رژیم آخوندی در اروپا و آمریکا در سال ۲۰۱۸ به نقش کلیدی سفارت‌های رژیم به ویژه در آلبانی، اتریش، فرانسه، آلمان، ایتالیا، سوئد، سوئیس و ترکیه در این اقدامات تروریستی می‌پردازد.

این کتاب همچنین به نحوه و ساختار تصمیم‌گیری در باره اقدامات تروریستی و به خصوص نقش دفتر ویژه خامنه‌ای و دیگر ارگان‌های رژیم مانند شورای عالی امنیت، وزارت اطلاعات، نیروی قدس و اطلاعات سپاه پرداخته و وزارت خارجه رژیم را به مثابه «یک عنصر کلیدی ماشین ترور ملّیان» توصیف کرده و پرونده تروریستی ولایتی، متکی و ظریف، وزرای خارجه کنونی و پیشین رژیم را مورد بررسی قرار داده است. کتاب در نتیجه‌گیری‌هایش تصریح کرده است:

- خامنه‌ای و دفتر او مخصوصاً دفتر امور ویژه اش باید در لیست تروریستی قرار گرفته و تحریم شوند؛
- وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران باید در لیست تروریستی اتحادیه اروپا قرار گیرند؛
- وزارت اطلاعات باید در لیست سازمان‌های تروریستی خارجی آمریکا قرار گیرد؛
- بخش گاز و پتروشیمی رژیم باید تحت تحریم قرار گیرد؛
- دیپلمات - تروریست‌های رژیم باید به عدالت سپرده شوند؛
- سفارت‌های رژیم باید بسته شوند. آنها سلسله اعصاب جاسوسی و ترور رژیم هستند؛
- مأموران و جاسوسان وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران در اروپا و آمریکا باید محاکمه یا اخراج شوند.

۷۵ - در باره تحریم خامنه‌ای، آقای مسعود رجوی در اطلاعیه شماره ۱۳ ارتش آزادیبخش ملی اعلام کرد: «تحریم خامنه‌ای و بیت‌العنکبوت ولایت، که نهاد اصلی قدرت و به واقع دولتی مافوق دولت و مرکز ترور و سرکوب و جنایت است، مهمترین تحول پس از لیست‌گذاری سپاه پاسداران ولایت فقیه، کلان ضربه کیفی بر فرق استبداد دینی و رأس حاکمیت آخوندی است؛ ضربه‌یی که نه فقط ولی‌فقیه، بلکه همه گماشتگان و افراد منصوب او و دفاتر و نمایندگانش را هم دربرمی‌گیرد؛ از قضائیه منحوس تا شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت تا سازمان رادیو و تلویزیون و گردانندگان شعبده‌های جمعه و جماعت...»

بیت خامنه‌ای که مرکز اصلی قدرت حاکم بر ایران است، هزارتوی دهشتناکی است. مجموعه نهادها و نمایندگی‌های اختاپوس ولایت در مؤسسات سیاسی و نظامی و امنیتی و آموزشی و فرهنگی و ورزشی و تبلیغاتی، اعم از دولتی و غیردولتی؛ در ارتش و نیروی انتظامی تحت عنوان "هادیان سیاسی"، حدود ۱۰۴ هزار نفر را دربرمی‌گیرد. علاوه بر این، ستادهای جمعه بازار و واعظان جمعه و دستگاه اداره کننده آنان در کل کشور ۱۱ هزار پرسنل دارد. هزاران کارمند و مزدبگیر دیگر را هم در مرکز باید به این آمار افزود. بیت‌العنکبوت دهها تیمچه و بازار تحت عنوان دفتر و معاونت و صدها بازارچه تحت عنوان ستاد و سازمان و چندین هزار دکان نمایندگی در داخل و خارج کشور دارد. تشریح و توضیح این مطلب واقعاً کتابی جداگانه می‌خواهد.

می‌توان معاونت سیاسی و امنیتی به مسئولیت آخوند جنایتکار علی اصغر میرحجاری را مثال زد که قبلاً دفتر اطلاعات ویژه نام داشت و با کد "اداره اطلاعات ۱۰۱" مشخص می‌شود. سیاست‌های کلان امنیتی حاکمیت آخوندی در اینجا تعیین می‌شود و بر همه نهادهای اطلاعاتی و امنیتی نظارت و کنترل دارد. پرونده‌سازی برای مخالفان و باندها و عناصر رقیب و رسانه‌های آنها در همینجا صورت می‌گیرد. برخی گردانندگان خبیث این دستگاه عبارتند از: آخوند طائب، حیدر مصلحی، وزیر اطلاعات سابق، احمد سالک، روح‌الله حسینیان، رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی و شفیع، معاون سابق وزارت اطلاعات. کنترل و سرکوب روحانیون و طلاب مخالف بر عهده معاونت ارتباطات و سازمان حوزه‌هاست.

مثال شایان توجه دیگر شبکه گسترده مدّاحان در معاونت فرهنگی است که به یک نیروی سرکوبگر ضد فرهنگی و لمپنی تبدیل شده است.

ستادهای امر به معروف و نهی از منکر، ستادهای صدور ارتجاع به کشورهای مختلف، شبکه مشاوران امور بین‌المللی، شورای راهبردی روابط خارجی و کنترل فضای مجازی از حیطة و اختیارات و بودجه کلانی برخوردارند.

بیشترین زد و بندهای سیاسی و کلان دزدی‌های اقتصادی و چپاول دارایی‌ها و اموال مردم ایران در همینجا صورت می‌گیرد که یک نمونه آن ستاد اجرایی فرمان خمینی است.

راستی که بیت خامنه‌ای بزرگترین چراگاه و مرکز غارت و چپاول در جهان است که مردم ایران نخستین قربانی آن هستند.

راستی که بیت خامنه‌ای بزرگترین مرکز جرم و جنایت و سرکوب در دنیای امروز است. قیمت را مردم ایران و فرزندان رشید این خلق ستم‌دیده، با گوشت و پوست و استخوان می‌دهند».

مسئول شورا خاطرنشان کرد: «اهل مماشات و استمالت، پشتیبانان و مشاطه‌گران و مزدوران همین رژیم، در یک کر هماهنگ از جنگ با آن پرهیز می‌دهند. فقط معلوم نیست که در ۴۰ سال گذشته چه کسی جز مجاهدین و مقاومت ایران، قصد و حال و رمق جنگ با دشمن ملت ایران و سرنگونی آن در تهران را داشته است؟! آنها می‌توانند ۴۰ سال دیگر هم به دیالوگ سازنده و دیالوگ انتقادی با همین رژیم و کف زدن و غش و ریشه برای اصلاحات حاجی خاتمی و میانه‌روی شیخ حسن روحانی ادامه دهند. اما مردم ایران می‌گویند که دیگر ماجرا تمام است. دوران آماده باش برای سرنگونی این رژیم فرارسیده است. تهدید، نکوبیدن سر مار به سنگ است. سپاه جهل و جنایت باید درهم کوبیده، خلع سلاح و منحل شود. باید قیام کرد».

۷۶ - تحریم ظریف در روز ۹ مرداد از سوی دولت آمریکا ضربه دردناک دیگری بر پیکر رژیم بود که بساط فریبکاری آخوندها و مدره‌نمایی آنها را، که از مدتها پیش کساد شده بود، به کلی جمع کرد و کسانی را که به امامزاده اعتدال در درون فاشیسم وحشی دینی دخیل بسته بودند، به شدت مضطرب و غمگین کرد.

وزیر خزانه‌داری آمریکا گفت: «جواد ظریف، مسئولیت وزارت خارجه‌ی برعهده دارد که با یکی از بدنام‌ترین نهادهای دولتی یعنی نیروی قدس سپاه پاسداران هماهنگ کار می‌کند که مقاماتش پیشاپیش به‌خاطر تروریسم و حقوق بشر، نامگذاری شده‌اند».

وزیر خارجه آمریکا ظریف را «ابزار پیشبرد بسیاری از سیاست‌های بی‌ثبات‌کننده ولی فقیه» و «کارچاق‌کن کلیدی سیاست‌های خامنه‌ای در کل منطقه و سراسر جهان» و جزئی از «مافیای» او توصیف کرد.

مشاور امنیت ملی رئیس جمهور آمریکا ظریف را «یک کلاهبردار و حقه‌باز بی‌سر و پا و بلندگوی رژیمی نامشروع» خواند.

تحریم ظریف، هم تیر خلاص به برجام، تنها دستاورد روحانی و ظریف و هم یک یأس عمیق برای کسانی بود که به مذاکره با آمریکا چشم دوخته بودند.

از روزی که ظریف در لیست تحریم‌های آمریکا قرار گرفت آخوند روحانی بارها در این باره به سوز و گداز و آه و افسوس پرداخته است. روحانی در سخنرانی اش در وزارت خارجه در ۱۵ مرداد که ۴۰ بار از مذاکره اسم برد، گفت: «خوب، اینها آمدند و گفتند ما بی قید و شرط حاضریم مذاکره کنیم، بعدش آمدند چند روز بعد، مقام معظم رهبری را تحریم کردند. خوب، چه جوری مذاکره کنیم پس! بر فرض یک روزی اگر ما بخواهیم مذاکره بکنیم کی باید تصمیم نهایی را توی کشور بگیرد. شما که قانون اساسی ما را می دانید ... که بدون نظر مقام معظم رهبری، بدون توافق ایشون چه جوری میشه یک امر مهم را ما بتوانیم پیش ببریم... باز هم گفتید ما می خواهیم مذاکره کنیم ... بعد وزیر خارجه ایران را تحریم می‌کنید، چه جوری مذاکره کنیم؟! اصلاً می خواهیم فردا مذاکره کنیم، چه جوری مذاکره بکنیم، کی می خواهد مذاکره کند؟ مسئول مذاکره وزیر خارجه است. او باید با شما حرف بزند ... ما البته این را بارها گفته ایم و تکرار هم می کنیم. جمهوری اسلامی ایران اهل مذاکره هست، اهل گفتگو هست و اگر آمریکا واقعاً مذاکره می خواهد قبل از هر کاری باید کلّ تحریم را بردارد. حالا می خواهد توی برجام بیاید یا نیاید خودش می‌داند کاری به آن نداریم»

فصل نهم:

کانونهای شورشی در سراسر ایران، تظاهرات خیابانی در سراسر جهان، گردهمایی‌های پنج روزه در اشرف ۲

۷۷ - در فصلهای گذشته علامتهای بحران و شرایط انقلابی به تفصیل ذکر شد. باز هم باید تأکید کرد همه نشانه‌های داخلی و بین‌المللی از نظر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روانی حاکی از آن است که «بالایی‌ها، یعنی سران فاسد و تبهکار استبداد دینی» نمی‌توانند به شکل گذشته حکومت کنند و «پایینی‌ها، یعنی مردم به ستوه آمده از غارت و خیانت و جنایت آخوندها» این حکومت را نمی‌خواهند و حاضر نیستند به شکل گذشته زندگی کنند.

شورا از همان روز تأسیس خود راه حلّ قطعی برای خلاصی از فاشیسم دینی را تغییر این رژیم نامشروع به دست مردم و مقاومت سازمانیافته آنان اعلام کرده است. مردم ایران از سی خرداد ۱۳۶۰ تا دی ماه ۱۳۹۶ و بعد از آن، پیوسته و درهر فرصتی برای به کرسی نشاندن این حقّ مسلم خود قیام کرده‌اند.

در شرایط کنونی، همچنان که مسئول شورا اعلام کرده است، سیر تحولات در داخل ایران و در عرصه بین المللی، با شتابی فزاینده به زیان رژیم رو به تغییر است و جنبش مقاومت در تمامیت خود وارد دوران آماده باش سرنگونی شده است.

در یک سال گذشته کانونهای شورشی با گسترش و تکثیر در نقاط مختلف کشور و با ارتقای سازماندهی و تاکتیکهای خود، رژیم را در چهار گوشه میهن به چالش کشیدند و به همراه شوراهای مردمی و شوراهای مقاومت، که بالهای مکمل صنفی، اجتماعی و سیاسی آنها هستند، برای اعتراضات و خیزشهای مردمی زمینه سازی و راهگشایی کردند. برخی از سایتهای رژیم نوشتند «کانون های شورشی، نام هواداران منافقین در داخل است که شبها با نام "کانون های شورشی" دست به عملیات خرابکارانه می زنند و روزها با نام "شورای های مردمی" در بین مردم مناطق سیلزده حضور پیدا می کنند تا با موج سواری بر روی سیل، امداد رسانی نمایند» («قابوس نامه»، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۸).

۷۸ - رژیم از هیچ اقدام سرکوبگرانه‌یی برای مقابله با کانونهای شورشی فروگذار نمی‌کند و با تمام قوا می‌خواهد از هرگونه زمینه سازی و هموارکردن راه برای قیامها جلوگیری کند.

آخوند محمود علوی، وزیر اطلاعات، روز ۳۰ فروردین در نمایش جمعه از دستگیری ۱۱۶ تیم سازمان مجاهدین در سال قبل خبر داد. مدیر کلّ اطلاعات آذربایجان شرقی نیز روز ۴ اردیبهشت اعلام کرد: «در سال ۹۷ فعالیت [مجاهدین] در استان گسترده تر شده و برای سال ۹۸ نیز مأموریهایی از قبیل جمع آوری اطلاعات را در دستور کار دارند. در سال گذشته [مجاهدین] با سوء استفاده از شرایط اقتصادی و اجتماعی پیش آمده فعالیتهای خود را گسترش دادند و ۶۰ نفر از عناصری که با سرپلهای [مجاهدین] در ارتباط بودند، دستگیر شدند و ۵۰ نفر دیگر توجیه شدند».

آمار واقعی دستگیریها و نفراتی که در انتظار حکم دادگاههای رژیم هستند و همچنین نفرات تحت کنترل، در کلّ کشور بسیار بیشتر است. اسامی و مشخصات شماری از بازداشت شدگان که رژیم هیچگاه آنها را اعلام نکرده، در اختیار مراجع بین المللی گذاشته شده است. مقاومت ایران به طور مستمر، خواهان بازدیدهای بین المللی از زندانهای رژیم است. عفو بین الملل با ابراز نگرانی از «سرکوب وحشتناک مخالفان با دستگیری بیش از ۷ هزار نفر» سال ۲۰۱۸ را در ایران «سال شرم» اعلام کرده است.

از سوی دیگر آماده باش کانونهای شورشی و شوراهای مقاومت برای به زیر کشیدن نظام آخوندی، گسترش فعالیتها و کارزار سیاسی و بین المللی در خارج کشور را برای حمایت از مقاومت و قیام مردم ایران ایجاب می‌کند.

در سال گذشته کمیت و کیفیت این فعالیتها (کنفرانسهای مطبوعاتی، سمینارهای افشاگری، گردهمایی و تظاهرات خیابانی) در کشورهای مختلف گسترش یافت. هموطنان و یاران مقاومت از یک سو، جامعه جهانی را به پایان دادن به سیاست مماشات و امتیاز دادن به دیکتاتوری مذهبی و تروریستی و اعمال تحریمهای همه جانبه علیه آن فراخواندند و از سوی دیگر، بر این حقیقت پای فشردند که تنها راه حل بحران ایران و منطقه، سرنگونی رژیم آخوندی به دست مردم و مقاومت ایران است. پیام شورا به جامعه بین المللی همواره این بوده است که راه حل مسئله ایران از محترم شمردن نبرد مردم ایران برای آزادی و حق مقاومت برای سرنگونی این رژیم می‌گذرد. شورا خواستار به رسمیت شناختن جایگزین دموکراتیک رژیم ولایت فقیه توسط جامعه جهانی است.

۷۹ - شورای ملی مقاومت علاوه بر اطلاعیه های دبیرخانه و کمیسیونها و روشنگریها و مصاحبه های اعضا و نمایندگیها، در سه کنفرانس بین المللی در بروکسل در ۸ اوت و ۴ اکتبر ۲۰۱۸ و ۴ فوریه ۲۰۱۹ جزئیاتی از توطئه تروریستی شکست خورده رژیم علیه گردهمایی بزرگ ایرانیان در ۹ تیر ۱۳۹۷ در پاریس را فاش و اعلام کرد: رضا امیری مقدم، معاون وزارت اطلاعات، به وین سفر کرده و با دیپلمات - تروریست رژیم، اسدالله اسدی، هماهنگی های لازم را انجام داده است. تصمیمات برای فعالیتهای جدی تروریستی در شورای عالی امنیت رژیم به ریاست حسن روحانی اتخاذ می‌شود. فعالیتهای تروریستی در اروپا در هماهنگی بین وزارت اطلاعات و وزارت خارجه رژیم صورت می‌گیرد.

در کنفرانسهای یادشده سخنرانان به تشریح اسلوبها و ترفندهای تروریسم رژیم در کشورهای اروپایی و سوء استفاده آن از سفارتها برای پشتیبانی از عملیات تروریستی پرداختند و خواستار مقابله قاطع کشورهای اروپایی با تروریسم آخوندی، تعطیلی سفارتها و نمایندگیها و دفاتر رژیم و محاکمه و اخراج مزدوران و نامگذاری تروریستی سپاه و وزارت اطلاعات حکومت آخوندی شدند.

سرانجام با حکم دادگاه آلمان دیپلومات تروریست، اسدالله اسدی، که در این کشور دستگیر شده بود در ۱۷ مهر ۹۷، برای ادامه توضیحات و در نهایت محاکمه، به بلژیک تحویل داده شد و سلسله اقدامات رژیم برای آزادکردن و انتقال او به ایران شکست خورد.

یک هفته قبل از آن در روز ۱۰ مهر ۹۷ سه وزیر ذیربط در فرانسه در اطلاعیه مشترکی در باره توطئه تروریستی علیه گردهمایی مقاومت ایران اعلام کردند: «یک تلاش سوء قصد در ویلنیت در تاریخ ۳۰ ژوئن امسال خنثی شد. چنین عمل بسیار وخیم در خاک ما نمی‌توانست بی پاسخ بماند. طبق دستور ۲ اکتبر ۲۰۱۸ وزیر کشور، وزیر داخله، وزیر اقتصاد و دارایی، فارغ از نتیجه پرونده قضایی - جنایی در رابطه با مبتکرین، مجریان و همدستان این پروژه سوء قصد، فرانسه اقدامات پیشگیرانه هدفمند و متناسب به شکل تصویب اقدامات ملی برای مسدود کردن دارایی های اسدالله اسدی و سعید هاشمی مقدم، اتباع ایرانی، و همچنین داراییهای مدیریت امنیت داخلی وزارت اطلاعات ایران را اتخاذ نمود. با این تصمیم فرانسه بر اراده خود در جنگ علیه تروریسم، به طور خاص در خاک خود، تأکید می کند».

متعاقباً به دنبال تلاشهای تروریستی دیگر رژیم آخوندی در دانمارک اتحادیه اروپا نیز اسدالله اسدی و سعید هاشمی مقدم و همچنین مدیریت امنیت داخلی در وزارت اطلاعات رژیم آخوندی را در لیست تروریستی خود قرارداد.

۸۰ - در سوم شهریور ۱۳۹۷ کنفرانس سراسری جوامع ایرانی در ۲۰ پایتخت و شهر بزرگ جهان در بزرگداشت سی امین سالگرد قتل عام ۶۷ برگزار شد. در این کنفرانس، که به ابتکار جوامع ایرانیان اروپا و آمریکای شمالی برگزار شد، هزاران ایرانی از سوی ۳۰۰ انجمن، خاطره ۳۰ هزار زندانی قتل عام شده در سال ۶۷ را گرامی داشتند و از قیام مردم ایران برای سرنگونی رژیم و از شورای ملی مقاومت به مثابه جایگزین دموکراتیک رژیم حمایت کردند.

خانم مریم رجوی در این کنفرانس شورای امنیت ملل متحد را فراخواند تا ترتیبات محاکمه سران این رژیم و مسئولان قتل عام ۱۳۶۷ و مسئولان چهار دهه جنایت علیه بشریت را فراهم کند. او تأکید کرد: جاسوسان و مزدوران رژیم باید از کشورهای غرب اخراج شوند؛ روابط با این رژیم، که امکانات دیپلماتیک را به خدمت تروریسم دولتی درآورده، باید قطع و سفارت‌های آن بسته شود. زمان آن است که جامعه جهانی در کنار مردم ایران در قیامشان علیه فاشیسم دینی حاکم بر ایران قرار بگیرد و اراده آنها را برای تغییر رژیم به رسمیت بشناسد.

پاتریک کندی با درود به کانونهای شورشی گفت: قیام امروز در ایران ریشه در فداکاریهای قهرمانان سال ۶۷ دارد. وی خاطرنشان کرد مردم ایران دیکتاتوری شاه و دیکتاتوی مذهبی حاکم را رد کرده و خواهان یک جمهوری آزاد هستند. همه عوامل رژیم ایران در اروپا و آمریکا، که تحت عناوین مختلف عمل می کنند، بایستی اخراج شوند.

در روز ۲۴ آذر ۱۳۹۷ نیز کنفرانس مشترک جوامع ایرانی در ۲۲ شهر در اروپا، آمریکای شمالی و استرالیا برگزار شد. شرکت کنندگان در این کنفرانس اعلام کردند: پاسداران، وزارت اطلاعات و ماشین تبلیغات حکومتی باید در لیست سازمانهای تروریستی خارجی آمریکا و لیست تروریستی اتحادیه اروپا قرار گیرند. شریانهای مالی رژیم باید مسدود شود و پرونده جنایت‌های رژیم علیه بشریت به شورای امنیت برود و سران رژیم در برابر عدالت قرار گیرند.

نمایندگان بیش از ۳۰۰ انجمن و جامعه ایرانی در کشورهای مختلف بر حمایت از برنامه خانم رجوی تأکید و اعلام کردند تنها راه حل بحران کنونی ایران که منطقه را به لبه پرتگاه کشانده، سرنگونی رژیم آخوندی و استقرار دموکراسی و حاکمیت مردم در ایران است. آنها افشای طرحها و توطئه‌های وزارت اطلاعات و نیروی تروریستی قدس و دیگر ارگانهای رژیم، از جمله شبکه «خبرنگاران دوست» علیه آلترناتیو دموکراتیک را بخشی از وظیفه خود در راستای قیام و سرنگونی رژیم اعلام کردند.

۸۱ - سه رشته تظاهرات پیاپی در بهمن ۱۳۹۷ در پاریس، ورشو و مونیخ پیام قیام و مقاومت مردم ایران برای سرنگونی را در عرصه بین المللی به اوج رساند.

خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی از تظاهرات ایرانیان در پاریس در ۱۹ بهمن گزارش کرد: «چهل سال بعد از انقلاب اسلامی، که سلطنت را در ایران سرنگون ساخت، چندین هزار نفر از حامیان اپوزیسیون ایران در پاریس دست به راهپیمایی زدند و خواهان خاتمه یافتن رژیم آخوندی شدند. در میان سخنرانها، از سیاستمداران سابق و فعلی فرانسه تا نخست وزیر سابق الجزایر و نماینده یی از اپوزیسیون سوریه حضور داشتند. ژان پیر

میشل، سناتور سابق فرانسه، یکی از سخنرانان بود که طی مصاحبه‌ی یی گفت: من یک حامی پر و پا قرص آقای ترامپ نیستم، اما فکر می‌کنم ایالات متحده در رابطه با ایران در مسیر درست است. او اروپاییها را به خاطر آن چه وی آن را سیاست نرمتر نسبت به تهران خواند، مورد سرزنش قرارداد و سازمان مجاهدین خلق را که می‌گوید خواهان دموکراسی و جدایی دین از دولت در ایران است، ستود.

تظاهرات ورشو همزمان با کنفرانس بین‌المللی در لهستان علیه جنگ افروزی و تروریسم رژیم‌های آخوندها در روزهای ۲۴ و ۲۵ بهمن همراه با یک کنفرانس مطبوعاتی بزرگ برگزار شد. رودی جولیان، مارچین شیویان چیتسکی، نماینده پارلمان لهستان و وزیر پیشین تجارت، سناتور ریشارد مایر، نایب رئیس کمیسیون خارجی سنای لهستان، سناتور زیبیگنیو چیخون از لهستان، سناتور توریسلی و نخست وزیر غزالی از شرکت کنندگان بودند.

جولیان در سخنان خود در ورشو گفت: «برای این که صلح و ثبات در خاورمیانه داشته باشیم، لازم است که یک تغییر اساسی در ایران، که در آن دیکتاتوری مذهبی حاکم است، صورت بگیرد. این دیکتاتوری باید به سرعت پایان یابد تا صلح و ثبات داشته باشیم. تقریباً اتفاق نظر وجود دارد که رژیم آخوندها، نخستین دولت حامی تروریسم، نه فقط در خاورمیانه بلکه در جهان است... من فکر می‌کنم این سیاست دولت من است که باید یک سیاست قاطع علیه رژیم ایران اتخاذ شود؛ یک موضع قاطع به نحوی که با آنها معامله‌ی نداشته باشیم و آنها را ایزوله کنیم و تا آنجا که می‌توانیم آنها را وادار کنیم که سیاستهایشان را عوض کنند و اگر سیاستشان را عوض نکنند، به تغییر رژیم منجر شود... ما از اعتراضات مردم ایران برای آزادی و دموکراسی و حکومت قانون حمایت می‌کنیم. خانم مریم رجوی طرح ده ماده‌ی را ارائه داد که به واضح‌ترین صورت ممکن بیان شده و همه آنها را که به جای یک دیکتاتور و یا سلطنت به یک رهبری منتخب در ایران اعتقاد دارند؛ همه آنها را که به آزادی مذهب اعتقاد دارند، و همه آنها را که اعتقاد دارند حقوق زنان باید برابر باشد، در بر می‌گیرد».

در تظاهرات مونیخ که روز ۲۸ بهمن برگزار گردید، هموطنانمان خواستار بیرون انداختن جواد ظریف شدند. خبرنگار اسکای نیوز گزارش کرد: «من در محلی در مقابل ساختمان کنفرانس اصلی مونیخ ایستاده‌ام، اپوزیسیون ایران اجتماعی برگزار کرده‌اند تا به شرکت کنندگان در کنفرانس این پیام را برسانند که ظریف حق ندارد به عنوان نماینده مردم ایران در این کنفرانس شرکت کند. آنها خواستار اخراج هیأت رژیم ایران از کنفرانس مونیخ هستند. به نظر می‌رسد جواد ظریف در کنفرانس مونیخ عصبانی و پاسیو است و حتی در حرفهایش اشاره مثبتی به طرف اروپایی نکرد، چون رژیم ایران از اروپاییها حمایت قویتری انتظار داشت. به نظر می‌رسد رژیم ایران در این کنفرانس منزوی شده، به خصوص که در اولین روز کنفرانس، حرفهای زیادی در مورد دخالتها و اختلاف افکنی و جنگ افروزیهایش در منطقه وجود داشت» (اسکای نیوز، ۲۸ بهمن ۹۷).

در کنفرانس امنیتی مونیخ، مایک پنس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، حکومت آخوندی را بزرگترین تهدید صلح و امنیت خاورمیانه توصیف کرد و گفت: «این رژیم حملات تروریستی در خاک اروپا را طرّاحی کرده است. زمان آن است که شرکای اروپایی ما در کنار ما و در کنار مردم ایران، و کنار متحدین و دوستان ما در منطقه بایستند؛ زمان آن است که شرکای اروپایی ما از توافقنامه هسته‌ی ایران خارج شوند و به ما بپیوندند...».

۸۲- مسئول شورا در پیام شماره ۱۲ ارتش آزادیبخش ملی ایران، در ۱۹ فروردین ۱۳۹۸ از هموطنان و یاران شورشگر و اشرف نشان خواست «امسال گردهمایی سالانه مقاومت را به موازات اعتراضات مردمان در داخل ایران، به تظاهرات در خیابانها، در شهرها و مکانها در شرایط و زمانی که مناسب می‌بینند، بگذارید امسال سیل خروشان از ایرانیان جاری شود. تجربه‌های دو ماه گذشته در پاریس، ورشو، مونیخ، واشینگتن و لندن گویا و شایان تقدیر است. در همه جا صدای رسای مردم ایران و ارتش آزادیستان باشید».

در پاسخ به این فراخوان، هموطنانمان در سرفصل ۳۰ خرداد سرآغاز مقاومت انقلابی، روز شهیدان و زندانیان سیاسی و سالروز تأسیس ارتش آزادیبخش ملی، پنج رشته تظاهرات بزرگ در حمایت از مقاومت و قیام مردم ایران در بروکسل (۲۵ خرداد)، واشینگتن (۳۱ خرداد)، برلین (۱۵ تیر)، استکهلم (۲۹ تیر) و لندن (۵ مرداد) برگزار کردند.

به این ترتیب نبرد همه‌جانبه سیاسی مقاومت ایران با رژیم آخوندی به خیابانهای مهمترین پایتختهای اروپا و آمریکا کشانده شد و جهانیان یکبار دیگر گستردگی و عزم مقاومت ایران و آلترناتیو دموکراتیک را در رویارویی با جانیان حاکم به چشم دیدند و به آن گواهی دادند.

خانم رجوی در سلسله پیامهای خود این تظاهرات جهانی را به پا داشتن ایرانیان آزاده برای گرامیداشت سرفصل مقاومت تاریخی به خاطر آزادی و حاکمیت مردم در برابر سلطنت مطلقه آخوندی توصیف کرد و آن را

شعله‌های فروزان امید و تجسم شرف و وجدان ملی خواند. او گفت: «آزادی به دست نمی‌آید، مگر آن‌که صفی از زنان و مردان از خودگذشته، با عزمی استوار و بدون چشمداشت به هرگونه منفعت شخصی، پای آن بایستند و مقاومت کنند. درود بر زنان و مردان شجاعی که در کانون‌های شورشی و شوره‌های مردمی مقاومت، این صف را در سراسر ایران تشکیل داده‌اند و افتخار بر شما که این صف را در نقاط مختلف جهان امتداد داده و می‌گویید مردم ایران برای مقاومت و سرنگونی باید به رسمیت شناخته شوند».

۸۲ - در تظاهرات واشینگتن، بیل ریچاردسون، نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل و وزیر انرژی در دولت بیل کلینتون، در سخنرانی خود گفت: «من به مدت ده سال با شما بوده‌ام. می‌خواهم به‌عنوان یک آمریکایی در مورد قدرت این جنبش، بگویم. نظامی جدید در ایران لازم است و آن نظام، شما هستید، مجاهدین خلق ایران، شورای ملی مقاومت ایران، آلترناتیو هستند. چرا؟

اول، این‌که سازمانی است قدرتمند با توانمندی فراوان، تعهد بسیار و قابلیت‌های فراوان رهبری؛ دوم، یک رهبر برجسته و فراحزبی. خانم رجوی یک رهبر بزرگ است؛ سوم، برنامه. شما که اینجا گرد آمده‌اید، خواسته شما چیست؟ خواسته شما یک ایران آزاد است. شما خواهان دموکراسی و حقوق بشر هستید...

جنبش شما خطرپذیر است. سازمان مجاهدین خلق خطر می‌پذیرد. در اروپا و آمریکا هدف قرار گرفته است. به‌خاطر مردم و به‌خاطر آزادی و به‌خاطر دموکراسی خطر می‌پذیرد. با رژیم درمی‌افتد... آنچه که شما نمایندگی می‌کنید، آینده است».

برد شرمن، رئیس دموکرات زیر کمیته آسیا و اقیانوس آرام در کنگره آمریکا، گفت: «بسیار مسخره است که کشور بزرگی همانند ایران؛ کشوری که برای ما اولین اعلامیه حقوق بشر را به ارمغان آورد، حالا مجبور است تحت یک نظام سرکوبگر و غیر دموکراتیک به سر ببرد؛ رژیمی که اقدام به کشتن مردم می‌کند؛ رژیمی که دست به تجاوز بین‌المللی می‌زند، با این هدف که افکار مردم را از فساد مالی خود منحرف کند. این وضعیت باید خاتمه یابد. این رژیمی است که به انجام اعدام‌های جمعی مشهور است، روزنامه‌نگاران را زندانی و ترور می‌کند، به بنیادگرایی در سراسر منطقه سوخت می‌رساند. و ایرانیان ایستاده‌اند؛ آن‌هم به‌رغم ریسک زیادی که برای خود به‌جان خریده‌اند. ما در همبستگی در کنار ایرانیان شجاع ایستاده‌ایم؛ در مبارزه برای آغاز فصل جدیدی در تاریخ این کشور بزرگ. این فصل جدید، توسط ایرانیان نوشته خواهد شد، نه توسط آمریکاییان...».

تام مک‌کلینتاک، نماینده جمهوریخواه در کنگره آمریکا، گفت: «هر چه دیکتاتوری آخوندها شدت پیدا کرده، عزم مقاومت در برابر آن هم جزم‌تر شده است... ما این‌را در رهایی رزمندگان آزادی مجاهدین از محاصره در عراق دیده‌ایم؛ ما این‌را در اقدام ۷۵ نفر از همکاران من در مجلس نمایندگان دیده‌ایم که قطعنامه ۳۷۴ را مشترکاً ارائه کرده‌اند.

این قطعنامه بر حمایت عمیق ما از خواسته مردم ایران برای یک جمهوری دموکراتیک، مبتنی بر جدایی دین و دولت و غیراتمی در ایران تأکید می‌کند... تمامی جهان آزاد شاهد نبرد شماست و تاریخ، پیروزی محتوم شما را پیش‌بینی می‌کند... رزم‌آوری و شجاعت شما تحسین و احترام مردمان سراسر جهان را برانگیخته، حتی در خلال مشکلات و خطرهای فعلی. شما باید که فصل بعدی تمدن انسانی را می‌نگارید... عاشقان و به‌پا دارندگان آزادی در کشور ما و در سراسر جهان در کنار شما ایستاده‌اند».

پس از تظاهرات هموطنانمان در واشینگتن در ۳۱ خرداد، مایک پنس، معاون رئیس جمهور آمریکا، در مصاحبه با تلویزیون «سی. بی. اس» گفت: «آنچه ما می‌خواهیم بکنیم این است که در کنار مردم ایران بایستیم. هزاران تن از آنها روز جمعه در مقابل کاخ سفید جمع شدند و دهها هزار تن از آن‌ها سال گذشته به خیابان‌ها در شهرهای سراسر ایران ریختند. ما می‌خواهیم در کنار آنها قرار بگیریم...» (تلویزیون «سی بی اس»، ۲ تیر ۱۳۹۸).

۸۴ - در تظاهرات برلین، که روز ۱۵ تیر با گردهمایی در میدان براندنبورگ و راهپیمایی در خیابانهای برلین برگزارگردید، پارلمان‌تها و شخصیت‌های آلمانی و پاتریک کندی از آمریکا سخنرانی کردند.

پاتریک کندی یادآوری کرد: «پدر فقید من، سناتور ادوارد کندی پیش‌تاز کنگره در اعمال تحریم‌ها علیه آفریقای جنوبی و به‌طور خاص رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی بود، و بسیاری افراد می‌گفتند، آیا این کار به مردم آفریقای جنوبی لطمه وارد نمی‌کند؟ وقتی نلسون ماندا از زندان آزاد شد، او به دیدار پدر من آمد و به او گفت: ممنونم سناتور کندی، زیرا آن تحریم‌ها ما را قادر ساختند که یک آفریقای جنوبی آزاد داشته باشیم».

من می‌خواهم یک ایران آزاد داشته باشیم و به‌همین دلیل است که به‌اینجا آمده‌ام، درست همان‌طور که عمومی فقیدم بیش از ۵۰ سال پیش به‌اینجا آمد. ولی این بار من اینجا هستم که بگویم: "من ایرانی هستم". در تظاهرات و راهپیمایی ۲۹ تیر در استکهلم که در آستانه سالگرد قیام ملی سی تیر و با گرامیداشت مصدق بزرگ برگزار گردید، پارلمان‌نرها و شخصیت‌های سیاسی از سوئد و دیگر کشورهای اسکاندیناوی و هم چنین خانم رامایاد، وزیر پیشین حقوق بشر فرانسه، سخنرانی کردند. سخنرانیه‌های ۵ رشته تظاهرات مجموعه آموزنده و ارزشمندی را تشکیل می‌دهند.

۸۵ - تظاهرات و راهپیمایی در لندن در ۵ مرداد، همزمان با سالگرد عملیات کبیر فروغ جاویدان در سال ۱۳۶۷ و سالگرد حمله وحشیانه مزدوران عراقی رژیم آخوندی به اشرف در ۶ و ۷ مرداد در اوج قیام‌های مردم ایران در سال ۱۳۸۸، برگزار گردید.

رئیس جمهور برگزیده مقاومت در پیامش به تظاهرات لندن، آن را نقطه اوج سلسله تظاهرات ایران آزاد از بروکسل تا واشینگتن و برلین و استکهلم و تداوم گردهمایی‌های ۵ روزه در اشرف ۳ توصیف کرد و با اشاره به اخبار جعلی رژیم با استفاده مجرمانه از نام سرکنسول فرانسه در اسرائیل گفت: «رژیم دوباره زنجیر پاره کرد و این بار جعل اخبار دروغ و گمراه کننده را آن‌هم در نقش یک سرکنسول فرانسه به آنجا رساند که وزارت خارجه این کشور بیانیه رسمی تکذیب صادر کرد و تویتر این حساب رژیمی را بست. رژیم بارها و به صد زبان گفته است که حتی خامنه ای خط قرمز نیست و تحمل می‌کند. اما کماکان مثل زمان قتل عام زندانیان در سال ۶۷، سرخ‌ترین و ممنوع ترین نام، نام مجاهدین است. هویت و راه و رسمی که رژیم را، حتی در شکنجه گاه‌ها و زندان‌های ولایت فقیه وحشت زده می‌کند. خمینی فتوا به قتل عام همه آنانی داد که "بر سر موضع" و هویت مجاهدی ایستاده‌اند. و آنان در پای چوبه‌های دار هم، مسعود را فریاد زدند. منتظری گفت با کشتن از بین نمی‌روند بلکه ترویج می‌شوند. بله، امروز ما شاهد این ترویج و گسترش هستیم؛ گسترش کانون‌های شورشی و هزار اشرف».

اعضای هر دو مجلس عوام و اعیان انگلستان، اعضای پارلمان ایرلند، اعضای کانون وکلای انگلستان و ولز و دیگر شخصیت‌های سیاسی و حامیان مقاومت در این تظاهرات سخنرانی کردند.

۸۶- اشرف ۳ در آلبانی طی ۵ روز از ۲۰ تا ۲۴ تیرماه شاهد سلسله‌یی از گردهمایی‌های سالانه مقاومت با حضور ۳۵۰ تن از رهبران، قانونگذاران و شخصیت‌های سیاسی از ۴۷ کشور جهان بود. -کنفرانس سیاست در قبال ایران و یک آلترناتیو معتبر، پنجشنبه ۲۰ تیر؛ -بزرگداشت نبرد تاریخی مردم ایران برای آزادی، جمعه ۲۱ تیر؛ -گردهمایی سالانه مقاومت «ایران آزاد» در حمایت از قیام و مقاومت مردم ایران، شنبه ۲۲ تیر؛ -کنفرانس جداگانه پارلمان‌نرها و شخصیت‌های اروپایی: محکومیت تروریسم و برنامه موشکی رژیم آخوندی، حمایت از مقاومت و قیام مردم ایران، یکشنبه ۲۳ تیر؛ -همبستگی عربی/ اسلامی با مردم ایران و تنها جایگزین مستقل و دموکراتیک - سرنگونی رژیم آخوندها لازمه پایان جنگ و تروریسم در منطقه، یکشنبه ۲۳ تیر؛

-کنفرانس بین المللی پیشتازی زنان در مقاومت ایران، یکشنبه ۲۳ تیر؛ -دادخواهی قتل عام ۶۷، محاکمه آمران و عاملان در دادگاه بین‌المللی، دوشنبه ۲۴ تیر. - اعضای شورا و یاران مقاومت از کشورهای مختلف ضمن بازدید از اشرف ۳ و دیدار با مجاهدان اشرفی در همه این گردهمایی‌ها حضور داشتند. نشست جداگانه اعضای شورا در روز ۲۶ تیر برگزار شد. - قبل از گردهمایی‌های سالانه، در روز ۸ تیر گردهمایی شخصیت‌های اروپایی: رژیم آخوندی منبع جنگ و بی‌ثباتی در منطقه، مقاومت ایران پیام‌آور صلح و آزادی با حضور خانم رجوی در اشرف ۳ برگزار شد.

۸۷ - در گردهمایی «ایران آزاد» در اشرف ۳ بیانیه هیأت آمریکایی تحت عنوان «سال ساکنان اشرف» توسط سناتور توریسلی با حضور هیأت دو حزبی آمریکایی قرائت و به رئیس جمهور منتخب شورا تقدیم شد. آنها در بیانیه خود اعلام کردند :

«اعضای مجاهدین خلق ایران، ساکن اشرف و لیبرتی در عراق از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ از سه حمله زمینی، ۵ حمله موشکی، محرومیت از مایحتاج پایه‌یی زندگی (مانند غذا، آب و بهداشت مناسب) و ممانعت از دسترسی به‌موقع به خدمات درمانی رنج بردند. ۱۶۸ نفر جان خود را از دست دادند و ۱۴۸۷ نفر زخمی شدند. برای تمامی آنچه که تحمل کردند و برای تعهد خلل‌ناپذیر به آزادی، عدالت و ایران دموکراتیک، نه تنها ستایش

ما بلکه جایگاه خود را در تاریخ ایران و جهان کسب کرده اند. آنها اکنون در محل اقامت جدید خودشان، که به-درستی اشرف ۳ نامگذاری شده است، از بسیاری از حامیان و مدافعانشان از سراسر جهان میزبانی می‌کنند. ما طی سالیان برای انتقال امن و برقراری قول نقض شده در «استاتوی افراد حفاظت شده» کار کرده ایم. اما این ساکنان اشرف بودند که به‌رغم رنجها و وحشتی که توسط حکومت‌های ایران و عراق بر آنها اعمال شد، پایداری پیشه کردند. آنها اراده قوی خود را به نمایش گذاشتند و به جهان نشان دادند افراد متعهد به اصول دموکراتیک به چه چیزی می‌توانند دست پیداکنند. این اصول دموکراتیک به برگرداندن ایران به صاحبان حقیقی-اش، مردم آن کشور، اولویت می بخشد.

ابزارهای قدرت دولت، توسط افراطیون مذهبی، که مردم ایران و سایرین در سراسر منطقه را به انقیاد درآورده اند، قبضه شده است. این افراطیون مذهبی حامیان شماره یک تروریسم دولتی شده اند.

مجاهدین خلق و ائتلاف شورای ملی مقاومت ایران متعهد به ایجاد یک جایگزین دموکراتیک در مقابل رژیم کنونی در ایران هستند. بنیاد این تعهد برنامه ده ماده‌یی معرفی شده توسط خانم مریم رجوی، رئیس جمهور منتخب شورای ملی مقاومت ایران است.

هیچکس هوشیارانه تر از خانم رجوی برای انتقال امن ساکنان به خارج از عراق کار نکرده است. خانم رجوی تلاش‌های جهانی انتقال را رهبری کرد.

ساکنان این کمپها همچنین تعهدات قهرمانانه‌یی را نسبت به یک دیگر به‌نمایش گذاشتند. با پذیرش ریسک از دست دادن جان، آنها در حملات موشکی و زیر آتش سلاح‌ها، همیشه کمک کردند تا زخمی‌ها را به نقطه امن برسانند؛ همان چیزی که آنها دقیقاً در حال حاضر تلاش می‌کنند برای همه شهروندان ایران انجام دهند. آنها می‌دانند که هموطنانشان توسط یک رژیم بیرحم زندانی، شکنجه و اعدام می‌شوند. مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت ایران مصمم هستند در ایران محیطی ایجاد کنند که یک دولت متعهد به بهبود زندگی مردم ایران برپا شود و نه حکومتی که مردم ایران را استثمار کند.

حکومت بنیاد گرای ایران بیش از هر سازمان دیگری در جهان از مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران وحشت دارد. روزهای این رژیم به شمارش افتاده و هر روز رقم آن کوچکتر می‌شود.

شورای ملی مقاومت ایران متعهد به کسب قدرت در ایران نیست، بلکه متعهد به کسب دموکراسی برای همه مردم ایران است که بر اساس همان چهار اصل آزادی مدون شده توسط فرانکلین روزولت است: آزادی بیان، آزادی عبادت، آزادی از تنگدستی و آزادی از ترس.

به‌رغم تلاش‌های حکومت ایران برای بی اعتبار کردن مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت ایران، حقیقت در مورد این رژیم در سراسر جهان در حال آشکار شدن است. هیچ کجا این حقیقت بیشتر از خارج شدن نامگذاری غلط مجاهدین از لیست سازمان‌های تروریستی خارجی آمریکا و جایگزین کردن آن با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رژیم ایران، بارز نیست.

اشرف ۳ بیانگر آن چیزی است که می‌تواند در ایران ساخته شود.

در اشرف نخستین، ساکنان از صحرای عراق یک شهر ساختند.

اکنون ساکنان در اشرف ۳ یک شهر مدرن در تپه های آلبانی برپا کرده اند.

زمانی که افراطیون مذهبی در تهران از قدرت خلع شوند، این کیفیت از زندگی برای مردم ایران در دسترس خواهد بود.

در ماه ژوئن در واشینگتن هزاران نفر از هواداران شورای ملی مقاومت ایران و مجاهدین خلق تجمع کردند تا برای تغییر رژیم فراخوان بدهند. رشد مشابهی از همین حمایت در سراسر ایالات متحده، کانادا، اروپا و به-خصوص در ایران مشاهده می‌شود.

تاریخ در طرف مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت ایران است.

وقتی تاریخ آینده نوشته می‌شود، فصل ویژه‌یی به پایداری و وفای مجاهدین، که در عراق بودند و اکنون در آلبانی هستند، اختصاص خواهد یافت. ما به همه همکارانمان در سراسر جهان فراخوان می‌دهیم سال ۲۰۱۹ را "سال ساکنان اشرف" بشناسند.

امضاکنندگان: جیمز جونز، نیوت گینگریچ، رودی جولیان، جوزف لیبرمن، بیل ریچاردسون، فرانسیس تاونزند، لیندا چاوز، تام ریچ، مایکل موکیزی، رابرت جوزف، لوییس فری، جرج کیسی، جیمز کانوی، دیوید دپتولا، چاک والد، کنت بلکول، مارک گینزبرگ، لینکلن بلومفیلد، میچل ریس، رابرت توریسلی، پاتریک کندی، جان سانو، یوجین سولیوان، آلن درشوویتز، جان سیرافیسلی، دیوید فیلیپس، توماس کنتول، لئو مک‌کلاسکی، و سلی مارتین، گری مورش، بروس مک‌کولم، ایوان ساشا شیهان، ریموند تنتر.

۸۸ - در گردهمایی «ایران آزاد»، خانم رجوی گفت: «۴۰ سال حکومت آخوندها برای مردم ایران مترادف قتل عام همه‌جانبه است. از چند صد اعدام شبانه در زندان اوین و قتل عام زندانیان سیاسی در دهه اول این رژیم، تا قتل عام تولید و اقتصاد، محیط زیست، فرهنگ و هنر و تمدن ایران. فاشیسم دینی حالا به انتهای راه رسیده است... حکومت آخوندها نه راه پیش دارد و نه راه پس! نه ظرفیت مذاکره و دست برداشتن از تروریسم و مداخلات منطقه‌یی دارد و نه میدان حرکتی به بزرگی مماشات... به لحاظ داخلی، انقباض و سرکوب و شیطان‌سازی و تروریسم علیه این مقاومت به عنوان خطر و دشمن اصلی؛ مقاومتی که خواستار تغییر رژیم و جایگزین کردن حاکمیت ولایت فقیه با حاکمیت مردم و رأی مردم است... به لحاظ بین‌المللی، آخوندها روی بی‌عملی و تحمل جامعه بین‌المللی حساب باز کرده‌اند و روی این که عملیات تروریستی و جنگ‌افروزی در کشورهای منطقه، دست کم تا انتخابات آمریکا چندان قیمتی برای آنها نخواهد داشت. می‌گویند: ۱۶ ماه دیگر صبر می‌کنیم، شاید آمریکا رئیس جمهور دیگری داشته باشد و بتوان با او دوباره به همان "آبر امتیازات" در توافق اتمی دست یافت!

این رژیم می‌خواهد با ایجاد تنش، جامعه بین‌المللی را پس بزند؛ می‌خواهد با گرد و خاک و آشوب، بحران سرنگونی را پنهان کند؛ می‌خواهد دوباره سیاست استمالت را جایگزین قاطعیت کند، و می‌خواهد ترس و وحشت بسیجی‌ها و پاسدارانش را مهار و تعادل درونی رژیم را حفظ کند...

حالا پرده‌ها یکی بعد از دیگری کنار می‌رود. همه به روشنی می‌بینند که منشأ جنگ و جنگ‌افروزی، ولایت فقیه است هم‌چنان که مقاومت ایران از اول می‌گفت نبرد با این رژیم، خشکاندن سرچشمه جنگ و آشوب و عین صلح‌خواهی است.

روزگاری مدافعان رژیم می‌گفتند اگر آخوندها سرنگون شوند ایران دچار جنگ و آشوب و تجزیه می‌شود. حالا همه می‌بینند که تا این رژیم سرنگون نشود، جنگ و بحران در منطقه ادامه دارد و تشدید می‌شود. بنابراین هرکس که برای ایران، آزادی می‌خواهد؛ هرکس که می‌خواهد ایران را از ویرانی و نابه‌سامانی نجات دهد و هرکس که برای منطقه و جهان صلح و ثبات می‌خواهد باید برای سرنگونی رژیم آخوندی به پاخیزد.

خانم رجوی همچنین خاطر نشان کرد: «مماشات‌گران می‌خواهند قاطعیت در مقابل این رژیم را معادل جنگ‌طلبی جلوه دهند، اما این یک فریب بزرگ است. هرگونه فرصت دادن به آخوندها فقط منجر به جری‌تر شدن آنها می‌شود و راه آنها را باید بست...

مقاومت ایران از ۴ دهه پیش با درک عمیق از ماهیت رژیم ولایت فقیه، بر اصلاح‌ناپذیری و ضرورت سرنگونی و تغییر آن پافشاری کرده است؛ بر خطرات این رژیم برای صلح و آرامش در منطقه و جهان تأکید کرده و خواستار تحریم همه‌جانبه فاشیسم دینی شده است.

به راستی اگر افشای ماهیت ارتجاعی خمینی و آخوندها نبود؛ اگر رنج و رزم و خون مجاهدین در نبرد با پاسداران و گشتاپوی آخوندها نبود؛ اگر ریختن زهر آتش‌بس به حلقوم خمینی نبود؛ و اگر ایستادگی مجاهدین بر سر مواضعشان به بهای قتل عام نبود؛ اگر پایداری در اشرف و لیبرتی نبود؛ اگر ۶۵ بار محکومیت رژیم آخوندها در ملل متحد به خاطر نقض حقوق بشر نبود؛ اگر نبود کتاب‌ها و اسناد روشن‌گر این مقاومت؛

اگر افشای تروریسم پاسداران، به خصوص افشای اسامی ۳۲ هزار مزدبگیر نیروی قدس در عراق نبود؛ اگر نبود افشای پروژه‌ها و تأسیسات پنهان اتمی رژیم در نطنز و اراک؛

و اگر مقاومت ایران با بیش از ۱۰۰ رشته افشاگری دقیق و مستند در ربع قرن، جهان را نسبت به بمب‌سازی پنهانی آخوندها بیدار و هوشیار نکرده بود، امروز وضعیت به‌کلّی متفاوت بود. آخوندهای بمب به‌دست، امپراتوری و خلافت مورد نظر خود را برپا و تثبیت کرده بودند. البته قیمت را به تمام و کمال مردم و مقاومت ایران پرداختند، و الا هرگز موجبات لیست‌گذاری و تحریم این رژیم فراهم نمی‌شد.

امروز بر سر مسأله ایران دو جبهه در برابر هم صف‌آرایی کرده‌اند: یکی، رژیمی است که به بن‌بست رسیده و دیگری، مردم و مقاومتی که برای آزادی مبارزه می‌کنند. بله، آلترناتیوی وجود دارد که می‌خواهد از مسیر کانون‌های شورشی، شهرهای شورشی و ارتش آزادی به مقصد آزادی برسد. این آلترناتیو قادر است یک جمهوری دموکراتیک و کثرت‌گرا مبتنی بر جدایی دین و دولت، برابری زن و مرد و خودمختاری ملیت‌ها و یک ایران غیراتمی برقرار کند.

شورای ملی مقاومت از طرح‌ها و برنامه‌های مشخص برخوردار است، به‌یمن سازمان یافتگی و انسجامش، قادر به جایگزینی این رژیم و قادر به انتقال آرام قدرت به نمایندگان منتخب مردم ایران است».

۸۹ - رودی جولیانی در گردهمایی «ایران آزاد» در اشرف در یک سخنرانی تکان دهنده با مروری در تاریخچهٔ رویارویی مقاومت ایران با دیکتاتوری آخوندها به رویکرد جامعهٔ جهانی در قبال مسأله ایران پرداخت. جولیانی گفت: «مسعود رجوی از هم‌پیمانی با خمینی امتناع کرد. او رو در روی خمینی گفت: نه! من با تو هم‌پیمان نخواهم شد. من ملت را به یک مستبد تسلیم نخواهم کرد؛ مستبدی که خود را با ظاهر یک رهبر مذهبی ارائه می‌کند؛ قاتلی که دستش به خون صدها هزار نفر آغشته است و از مذهب سوء استفاده می‌کند. اکنون من خامنه‌ای و روحانی را متهم می‌کنم و تمام دنباله‌روهای آنها را متهم می‌کنم؛ من آنها را به کشتار متهم می‌کنم؛ نه فقط کشتار، بلکه کشتار جمعی، جنایات علیه بشریت. چگونه می‌توان این را تحمل کرد و بعد در آینه به چهره خود نگاه کرد؟ چگونه می‌توان این را تحمل کرد؟ ۴۰ سال کشتار جمعی؛ ۴۰ سال جنایات علیه بشریت.

قرار بود کشورهای ما از آزادی و دموکراسی و شرافت دفاع کنند. اگر کشورهایمان در برابر این وضعیت نایستاده‌اند، باید شرم کنیم. در اینجا وسط وجود ندارد... زمان پایان دادن به این بی‌اعتنایی ننگین فرا رسیده است. هیچ ملاحظهٔ محدودکننده‌ای در قبال کشتار وجود ندارد... کسانی که ۳۰ هزار نفر را در سال ۱۹۸۸ (۶۷) به قتل رساندند، باید شناسایی و محاکمه شوند... نمی‌توان این را تحمل کرد و در عین حال آزادی و شرافت و دموکراسی را برای کشورهای خود حفظ کرد...

وقتی به آزادی متعهد هستید و زندگی خود را وقف آزادی مردمتان می‌کنید، می‌گویند که عضو یک فرقه هستید. شاید آنها که اتهام می‌زنند بیش از این تشخیص نمی‌دهند. چون آن قدر آلوده و حریص شده‌اند که دیگر آرمان‌گرایی و شرافت و غرور را تشخیص نمی‌دهند. بگذارید به روشنی بگوییم: من آن شب زمان زیادی را با اشرافی‌ها گذراندم. اینها افرادی متعهد به آزادی هستند، و اگر فکر می‌کنید این یک فرقه است معلوم می‌شود که خودتان یک مشکلی دارید؛ کمبودی در روح و روان انسانی‌تان وجود دارد.

اگر در ایران حمایت ندارند، پس چرا آخوندها ۴۰ سال دست به کشتار آنها زده‌اند؟ در این صورت آدمهای مناسب‌تری را برای کشتار پیدا می‌کردند... من و همکارانم، که تا لحظاتی دیگر اینجا (روی سن) خواهند بود، در آمریکا همیشه مورد حمله هستیم. حرفهای وحشتناکی در موردمان می‌زنند و این‌که چرا این کار را می‌کنیم. ما این کارها را به یک دلیل ساده انجام می‌دهیم. زیرا ما عاشق آزادی هستیم و نمی‌توانیم به کسانی پشت کنیم که این‌طور با آنها رفتار شده است؛ نمی‌توانیم به وضعیتی پشت کنیم که ممکن است برای آنها و برای جهان فاجعه‌بار باشد. ولی انواع و اقسام انگیزه‌های وحشتناک را به ما نسبت می‌دهند. می‌دانید جوابشان را چه می‌دهم؟ می‌گویم: ادامه بدهید. من این‌را به عنوان یک مدال افتخار برای خود تلقی می‌کنم. من از آزادی حمایت می‌کنم و شما از سرکوب؛ من از دموکراسی حمایت می‌کنم و شما از یک دیکتاتوری؛ من از انسانهای شرافتمند حمایت می‌کنم که ارزش حکومتی شرافتمند را مطرح می‌کنند و شما از قاتلان کشتار جمعی حمایت می‌کنید.

ما بسیار زودتر از آنچه آن بدگمانها باور دارند در تهران خواهیم بود. جشن خود را خیلی زودتر از آنچه آنها باور دارند برگزار خواهیم کرد. می‌دانید چرا؟ حاضر، حاضر، حاضر! ما آماده‌ایم. از سر راهمان کنار بروید».

۹۰ - سناتور لیبرمن در سخنرانی‌اش خطاب به رزمندگان اشرف گفت: «ما به یک روز جدید آزادی در ایران نزدیک می‌شویم. این روز نو در گام اول با آزادی اشرفیها در جریان ساختن معجزه‌آسای این جامعه در آلبانی نمایندگی می‌شود. حال به این لحظه باشکوه رسیده‌ایم. شما رنج کشیدید؛ شما کوتاه نیامدید؛ شما تسلیم نشدید؛ ولی دقیقاً در کنار شما، شورای ملی مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران، به رهبری خانم مریم رجوی قرار داشت. آنها برای شما از هیچ چیز فروگذار نکردند... حالا که شما اینجا هستید، شورای ملی مقاومت ایران و مجاهدین می‌توانند تمام توجه و انرژی خود را در روی زمین، در صحنه نبرد برای آزادی ایران متمرکز کنند. کانونهای شورشی روز به روز گسترش می‌یابند. هم‌چنان‌که رژیم روز به روز ضعیف‌تر می‌شود...

حالا چیز جدید و متفاوتی رخ داده است. آنچه که می‌خواهم بگویم، به عنوان یک دموکرات می‌گویم؛ به عنوان کسی می‌گویم که در سال ۲۰۱۶ به دونالد ترامپ رأی نداده است و به همین دلیل امیدوارم باور کنید که با تمام صداقت می‌گویم: اقدامات پرزیدنت ترامپ قهرمانانه و تاریخی بوده است؛ چه در رابطه با درهم‌شکستن توافق اتمی با رژیم ایران و چه اعمال تحریمها علیه حکومت ایران.

اتهامات سخیف و بی‌پایه تروریسم علیه مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران، اکنون به جای واقعی خود راه برده است. امروز، این سپاه پاسداران است که به وضوح به عنوان یک سازمان تروریستی شناخته و نام‌گذاری شده است و این عین واقعیت است...

البته کسانی خواهند بود، به‌ویژه در این لحظات، که از سازش با رژیم ایران دفاع کنند. آنها می‌گویند سرنگون‌کردن چنین رژیمی ممکن نیست. آنها از استمالت دفاع خواهند کرد و ما می‌دانیم که استمالت چمبرلین در برابر هیتلر در اروپا در دهه ۱۹۳۰، جنگ جهانی دوم را با میلیون‌ها کشته به‌بار آورد.

پس، به اهل استمالت گوش نکنید؛ به سازشکاران گوش نکنید؛ به بدبینان گوش نکنید. همین بدبینان در زمان انقلاب ضد استعماری آمریکا هم، همین حرف‌ها را می‌زدند. آن هم به گروهی از خواهران و برادران که شجاعت اعلام آزادی از استعمار انگلستان را داشتند. در آن زمان بریتانیا از بزرگ‌ترین امپراتوری‌های جهان بود. ولی آنها به سازشکاران و مماشاتگران و بدبینان گوش نکردند. آنها به یکدیگر پیوستند و آزادی را به‌دست آوردند. درست همان‌طور که شما آزادی را به‌دست خواهید آورد. ما هم در این آرمان تاریخی به‌شما می‌پیوندیم.

تاریخ در طرف شماست. دست آخر، آزادی و عدالت و حق همواره پیروز می‌شوند و این همان چیزی است که شورای ملی مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران نمایندگی می‌کنند...

- در نگاه به تاریخچه این جنبش، نکته قابل توجه این است که شما، هم با دیکتاتوری شاه جنگیدید و هم در برابر دیکتاتوری آخوندها ایستادید، زیرا هدفی که به آن چشم دوخته‌اید آزادی و حقوق بشر است. اشرف ۳، بهترین گواه این حقیقت است که این جنبش، آلترناتیو معتبر علیه رژیم را نمایندگی می‌کند.

- زمان قاطعیت علیه این رژیم فرا رسیده است؛ زمان ایستادن در کنار مردم ایران فرا رسیده است؛ زمان ایستادن برای آزادی مردم؛ زمان روی کار آوردن حکومتی در ایران فرارسیده که نافی ادعاهای رهبری موروثی یا مذهبی باشد. مردم ایران شایسته حکومتی هستند که به آنها پاسخگو باشد؛ حاکمیت مردم، توسط مردم و برای مردم. و همراه با هم، بله ما می‌توانیم. ما آماده هستیم: حاضر، حاضر، حاضر!»

۹۱ - سایر سخنرانان گردهمایی نیز، که برای نخستین بار با رزمندگان اشرف پس از انتقال آنها رو به رو می‌شدند، سخنرانی‌های ویژه‌ی ایراد کردند که نقل همه آنها در این بیانیه نمی‌گنجد و صرفاً به ذکر نمونه‌هایی اکتفا می‌کنیم.

- استفن هارپر، نخست‌وزیر کانادا در فاصله سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵، گفت: «...به‌طور غم‌انگیز و خطرناکی، برخی در جهان تلاش دارند با این رژیم مماشات کنند. آنها ادعا می‌کنند که می‌خواهند با میانه‌روها در این رژیم ارتباط برقرار کنند.

دوستان، آیا ما واقعاً فاقد این هوشمندی هستیم که باور کنیم کسی و یا حتی یک فرد بالای چنین رژیم افراط‌گرا، افراطی، بی‌رحم و کینه‌توزی، اصلاً می‌تواند یک میانه‌رو باشد؟ مضحک است! سیاست درست و تنها سیاست واقع‌گرایانه، قاطعیت و قدرت است. تحریم‌ها را اعمال کنید، نفت آن‌را بایکوت کنید، آن‌را و نهادهایش را به‌عنوان سازمان‌های تروریستی لیست‌گذاری کنید و همان کاری را بکنید که دولت من در کانادا انجام داد: سفارتخانه‌های آن‌را در سراسر جهان ببندید... امروز من، همانند سال گذشته، از سوی بسیاری از کانادایی‌ها به شما ملحق شده‌ام. هم از سوی آنهایی که از دولت من حمایت می‌کردند و هم آنهایی که با دولت من مخالف بودند؛ ولی همگی به‌طور متحد از آرزوهای شما برای یک ایران جدید و بهتر حمایت می‌کنند و این کانادایی‌ها، فقط نمونه کوچکی از میلیون‌ها نفر با حسن‌نیت و با شهامت در کانادا و میلیاردها نفر مشابه آنها در سراسر جهان هستند که در آمال و آرزوهای شما برای یک ایران جدید شریکند؛ ایرانی که بر اساس نیازهای مردم خودش به جلو حرکت کند و ریشه در بهترین (دارایی‌های) فرهنگ خودش در تاریخ دارد. این ایران جدید در راه است و ایرانی خواهد بود که آزادانه و با افتخار در میان ملت‌های جهان خواهد ایستاد؛ ایرانی خواهد بود که تلاش‌های شما به آن الهام بخشیده است. پس به نبرد ادامه بدهید. حاضر، حاضر، حاضر!».

- از فرانسه، برنارد کوشنر، وزیر خارجه پیشین، گفت: «آمدن به اشرف ۳ واقعاً یک پاداش بود برای افرادی که از شما حمایت می‌کنند و برای شما که حامی مردم خودتان هستید. اکنون با این گام جدید روبه‌رو هستیم، این سرفصل جدید، این دوران جدید. دوران آزادی در ایران... من با آقای جولینانی موافق هستم. این تصوّر واقعیت ندارد که مردم ایران از آخوندها حمایت می‌کنند. او فهرستی از قاتلان به ما ارائه داد؛ او آنها را قاتل نامید و درست گفت؛ آنها قاتل هستند؛ آنها هستند که بنزین بر روی آتش خاورمیانه می‌ریزند؛ آنها در مرکز و منشأ همه حملات تروریستی هستند. ما علیه مذهب نیستیم. ولی علیه به‌کارگیری مذهب برای کشتن مردم هستیم. ما مطلقاً علیه این دموکراسی دروغین هستیم و علیه کشتن و شکنجه‌کردن. و همه این کارها را به‌نام دین انجام می‌دهند. دین چیز کاملاً متفاوتی است...

بسیار متأسفم که فرصت کافی نداشتم تا به‌قدر کافی عمق تحسین خودم را نسبت به خانم مریم رجوی بیان کنم. شما مصمم هستید، شما پایدار هستید، شما یک الگوی خارق‌العاده برای زنان جهان هستید... اجازه

بدهید بگویم که برابری بین زنان ایرانی و مردان ایرانی یک کلمه انقلابی شگفتی‌آور است... ما کاملاً با شما هستیم و از چنین برنامه خارق‌العاده‌ی حمایت می‌کنیم».

- از فرانسه، دو وزیر پیشین: خانم‌ها میشل آلیوماری (وزیر ارشد و وزیر خارجه و دفاع) و رامایاد (وزیر حقوق بشر) نیز در این گردهمایی سخنرانی کردند.

هم چنین هیأت منتخبان و شهرداران فرانسوی به ریاست شهردار منطقه اول پاریس، ژان فرانسوا لوگاره، در گردهمایی «ایران آزاد» شرکت داشتند. آقای لوگاره منطقه یک پاریس را به عنوان «شهر خواهر» اشرف ۳ اعلام نمود و لوح امضاشده رسمی در این خصوص را به خانم زهره اخیانی اهدا کرد. متعاقباً، تلویزیون کانال ۳ فرانسه در ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۹ گزارش کرد: «در یک اقدام بسیار سیاسی، شهردار منطقه یک پاریس، ژان فرانسوا لوگاره، اخیراً اعلام سمبلیک خواهری منطقه یک پاریس را با شهری در آلبانی به نام "اشرف ۳" به امضا رساند. همه ساکنان اشرف ایرانی و در واقع مجاهدین خلق، سرسخت ترین مخالفان رژیم ایران، هستند... اشرف ۳ فقط طی یک سال از خاک برخاسته است و توسط مخالفین رژیم آخوندها بر روی زمین دست نخورده یی نزدیک تیرانا ساخته شده است». لوگاره گفت: «از طریق این پیمان خواهری در این روز ما رسماً اعلام می‌کنیم که مقاومت علیه استبداد و همه تهدیدها علیه این ارزشها یک حق خدشه ناپذیر و غیر قابل مذاکره است... در شهری هستیم که قلبش می تپد و تبلور امید به جایگزینی و آلترناتیو در ایران است و این آن چیزی است که می‌خواهیم از آن قدردانی و تشویق کنیم».

۹۲- از آلمان، ادوارد لینتتر، معاون پیشین وزیر کشور، گفت: «در آلمان اداره حراست از قانون اساسی در گزارش اخیر خود هشدار داد که مأموران وزارت اطلاعات (رژیم) ایران در اروپا نه تنها جاسوسی می‌کنند، بلکه دست به اقدامات تروریستی هم می‌زنند و مقر اصلی این مأموران در خاک آلمان طبق این گزارش در سفارت (رژیم) ایران در برلین است. هم‌چنین سال قبل یک دیپلمات رژیم ایران مستقر در اتریش در آلمان دستگیر شد، بعد از این‌که با سوءاستفاده از پوشش دیپلماتیک خود یک بمب را از آلمان عبور داد و به دست تروریستها رساند. هدف مأموریت آنها سوءقصد علیه گردهمایی بزرگ جنبش شما شورای ملی مقاومت در پاریس بود؛ همان گردهمایی که خود من هم در آن شرکت داشتم... یک اقدام درست این است که وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران را رسماً در لیست سازمانهای تروریستی قرار بدهیم. من فکر می‌کنم که این کار یک پاسخ مناسب به این شرایط است».

- از انگلستان، دکتر متیو آفورد، نماینده برجسته پارلمان، گفت: «من افتخار می‌کنم که بخشی از یک تلاش موفقیت‌آمیز چند حزبی در دولت بریتانیا هستم تا امنیت شما و استقرار شما را در اینجا کسب کنیم. امروز، شما اشرفی‌ها و جنبش مقاومت به رهبری خانم رجوی در جبهه مقدم نبرد برای یک ایران آزاد و دموکراتیک هستید؛ شما مشعل و نور امید میلیون‌ها نفر از مردم سرکوب شده در ایران هستید و به این خاطر، ما متشکریم. من و همکارانم در پارلمان بریتانیا در یک تلاش چندحزبی، مُصرّانه از دولت خودمان خواسته‌ایم که سپاه پاسداران را به‌عنوان یک سازمان تروریستی نامگذاری کند. به همین دلیل است که من از تحریم‌های آمریکا علیه ولی فقیه حمایت کرده و مصرّانه از دولت خودمان می‌خواهم که در پیروی از این امر تعداد بیشتری از افراد و مقامات رژیم را به‌خاطر نقض حقوق بشر در ایران در لیست تحریم‌ها قرار دهد. من می‌توانم به شما اطمینان بدهم که آرمان حقوق بشر، آزادی و دموکراسی در ایران از حمایت گسترده‌ی در میان همه همکارانم در هر دو مجلس، برخوردار است».

۹۳ - سالی بریشا، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر پیشین آلبانی، گفت: «جای افتخار و خوشوقتی بزرگی است که من به شما درود بفرستم؛ به کسانی که چندین دهه است برای آزادی و حقوق بشر در کشورشان مبارزه می‌کنند؛ کسانی که با مشکلات فوق‌العاده‌ی مواجهند، اما ایستاده‌اند. شما برای هر انسانی، با مواضع و با نبردتان، تماماً الهام می‌بخشید... مأموریت و نقش شما ملی و بین‌المللی است. من خوشحالم که از مدتها پیش تصمیم درستی [در باره آمدن مجاهدین به آلبانی] گرفتم. دیدید که کشور من سفیر رژیم ایران را اخراج کرد. آلبانی باید تمام نمایندگان رسمی آخوندها را اخراج کند و این کار را خواهد کرد. این شما هستید که در این کشور، ایران را نمایندگی می‌کنید. من بارها در باره برنامه ۱۰ ماده‌ی خانم رجوی فکر کرده‌ام. این برنامه‌ی است الهام‌گرفته از آرمانهای صد هزار شهید شما؛ برنامه‌ی است مبتنی بر ارزشهای جهانشمول، که کشورها و جوامع را به آزادی و بزرگی می‌رساند؛ برنامه‌ی است که ایران را تبدیل به یک کشور با عظمت و دوست بزرگی برای ملت‌های آزاد خواهد کرد. قطعاً من به‌طور کامل از آن حمایت می‌کنم و متقاعد هستم که شما پیروز خواهید شد. آخوندها نشان داده‌اند که هیچ ایمان و اصولی ندارند، آنها نظم جهان را مختل و امنیت

منطقه را تهدید می‌کنند. از یک طرف، امضا می‌دهند که غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کنند، اما از طرف دیگر، ظرفیت موشکی خود را افزایش می‌دهند تا کشورهای آزاد را تهدید کنند. پس دیر یا زود به آنچه سزاوارش هستند، خواهند رسید. هرگز خلافت آخوندها در منطقه و در جهان پیروز نخواهد شد».

- پاندلی مایکو، وزیر دولت آلبانی و نخست‌وزیر پیشین، گفت: «شما مطلعید که اخیراً سیاستمداران آلبانیایی درگیر بحث‌های سختی با هم بودند. بعضی اوقات خیلی سخت، اما در موضوع بودن شما در اینجا هیچ بحثی نیست ... چرا که شما در ایمان آلبانیایی‌ها هستید و این سنت ماست... سفیر رژیم ایران و معاونش با لگد بیرون انداخته شدند... مجاهدین دوستان ما هستند. این دلیلی است که ما همه با هم هستیم... چرا که شما ما را مفتخر کردید با ساختن شهر زیبای اشرف ۳، که به مانند یک مؤسسه دوستی راستین بین ماست. امیدوارم که به‌زودی به تهران برای دیدن شما بیاییم».

- فاطمه مدیو، رئیس حزب جمهوری‌خواه آلبانی و وزیر دفاع پیشین، گفت: «من می‌خواهم از سازمان مجاهدین و شورای ملی مقاومت، که دوستان را از سراسر جهان به اینجا در آلبانی آوردند، تشکر کنم... سال گذشته دولت آلبانی، سفیر رژیم ایران و معاون او را اخراج کرد و تعدادی دیگر دستگیر شدند، به‌خاطر این که آنها طرح یک حمله تروریستی را علیه ساکنین اشرف ۳ داشتند، در زمانی که شهردار جولیانی از ما خواسته بود برای صحبت در مورد آینده ایران جمع شویم. آنها از انجام هر کاری که بتوانند، دست بر نخواهند داشت. برای این که مشکلات و مسائلی برای ساکنان اینجا به‌وجود بیاورند. آنها از طریق رسانه‌ها اقدام می‌کنند و هم با عملکردهایشان. اما ما با هم مقابل آنها خواهیم ایستاد و متوقفشان خواهیم کرد. ما بایستی تروریست و کشور حامی تروریسم را با نامی که شایسته‌اش هستند، بنامیم. اینجا در آلبانی ما اختلافات سیاسی خودمان را داریم، همان‌طور که آقای مایکو اشاره کرد. ما درگیری‌های روزانه خودمان را بر سر سیاست داریم، اما ما بر سر هدف شما و حمایت از شما برای ایران آزاد متحد هستیم».

۹۴- به دنبال سلسله تظاهرات مقاومت ایران و گردهمایی‌های ۵ روزه در آلبانی، دستگاه‌های تبلیغاتی و امام جمعه‌های خامنه‌ای، وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران به تکاپو افتاده و با یاهوگویی و هرزه‌درایی، بیهوده کوشیدند آب رفته را به جوی برگردانند.

در یک نمونه منحصر به فرد، که منتهای حقد و کین و درماندگی رژیم را نشان می‌دهد، سپاه پاسداران در یک خبر سرپا دروغ در روز اول مرداد ۱۳۹۸ اعلام کرد: پیر کوشارد «یک دیپلمات فرانسوی مقیم اسرائیل» در یک رشته توییت از سفر خانم مریم رجوی به اسرائیل «با هدف دیدار با بنیامین نتانیاو، نخست‌وزیر این رژیم و رئیس سازمان جاسوسی موساد، خبر داد». خبرگزاری پاسداران افزود: «این سفر که با وساطت جولیانی و با هماهنگی "بواز رادکین"، سفیر اسرائیل در آلبانی، انجام شده است، ارتباط مستقیم با همکاری بین سازمان مجاهدین خلق و سازمان اطلاعاتی اسرائیل (موساد) دارد».

از این پیشتر در ۲۶ تیر فردی که در حساب توییتری، خود را سرکنسول فرانسه در بیت المقدس معرفی می‌کرد، در ۵ رشته توییت، جزئیاتی از این سفر موهوم را ردیف کرده بود. اما با ناشیگری در همان توییت اول خود را لو داده و نوشته بود: خبر را «از طرف یک همکار سابق، که در تهران با او کار می‌کردم دریافت کردم».

اما این بار، خبرسازی دروغین رژیم به قدری مفتضح بود که به‌سرعت در عرض چند ساعت بر سر رژیم و دستگاه اطلاعاتی و امنیتی آن خراب شد و تویتر، حساب پیرکوشارد را بست. سپس وزارت خارجه فرانسه اطلاعیه رسمی کنسولگری فرانسه در اورشلیم را تحت عنوان «حساب توییتری قلابی از سوی سرکنسول فرانسه در بیت المقدس» منتشر و اعلام کرد: «سرکنسول فرانسه در بیت المقدس آقای پیر کوشارد سوژه یک دزدی هویت در شبکه اجتماعی تویتر واقع شده است...».

سایت قدس فلسطین نیز به نقل از یک کانال عبری نوشت: حسابی که در تویتر «خبر دیدار رهبر اپوزیسیون ایران مریم رجوی را از اسرائیل منتشر کرده، جعلی است. روشن شده که این حساب هیچ ربطی به هیچ مسئول فرانسوی ندارد. بعد از تحقیقات مشخص شده که این حساب مربوط به اطلاعات ایران بوده و هدفش ترویج اخبار دروغ در کادر جنگ روانی (رژیم) ایران علیه اپوزیسیون است...».

روزنامه لوموند در ۲۵ ژوئیه (سوم مرداد) در باره جعل هویت سرکنسول فرانسه با ذکر جزئیات و ذیل سوتیتر «راهزنی انفورماتیک و اطلاعات گمراه کننده» نوشت: «در نگاه اول، تمام ظواهر حساب تویتر منسوب به آقای کوشار واقعی به نظر می‌رسد. یک منبع دیپلماتیک با لحنی طنزآلود می‌گوید: "محتویات بسیار معمولی مربوط به فعالیتهای رسمی وی و فاقد هر گونه جذابیت". این حساب در دسامبر ۲۰۱۳، یعنی سه سال پیش از ورود آقای کوشار به محل مأموریت جدید خود، ایجاد شده بوده است. پس نام کنسول جدید احتمالاً در همین اواخر و پس از آن که این حساب هدف راهزنی قرار گرفته، بر آن افزوده شده است. اخبار نادری که گاه در این

حساب درج می شده، به زبان انگلیسی و دربارهٔ مسابقات بیس بال بوده است. اما محتویات آن در ماه مه گذشته تغییر کرد. نوشته ها سیاسی تر شد و از زبان فرانسه استفاده گردید. برخی کارشناسان امضای [رژیم] تهران را در این ماجرا می بینند. اوج زایدنبرگ، تحلیلگر متخصص اطلاعات مجازی، می گوید: "می دانیم که [رژیم] ایران از دو سال پیش سرمایه گذاری هنگفتی در عملیات راهزنی سایبری و پخش اطلاعات گمراه کننده انجام داده است... یکی از تکنیکها عبارت است از جعل حساب یک مقام خارجی برای پخش اخبار و اطلاعاتی به سود رژیم ایران... پروفایل کنسول فرانسه می تواند به ساختار بزرگ تری وابسته باشد که شامل صدها حساب مجعول است". عملیات جعل پیرامون حساب پیر کوشار یادآور عملیات اعمال نفوذ به مراتب گسترده تری است که در ماه مه گذشته در توئیتر و فیس بوک کشف شد و ایالات متحده را هدف قرار می داد. در دو مورد، حسابهای جعلی به نام کاندیداهای انتخابات میان دوره‌یی نوامبر ۲۰۱۸ مورد سوء استفاده قرار گرفته بود. این حسابها که مندرجاتشان ابتدا به موضوعات مختلف، اما اغلب جزئی، مرتبط با سیاست داخلی آمریکا محدود می شد، به تدریج شروع به دفاع از مواضع سیاست خارجی ایران کرده بودند. فیس بوک اعلام کرده بود حدود یکصد حساب را، که ظاهراً توسط "خبرنگاران مطبوعات یا روزنامه نگاران مستقل" اداره شده و "برخی مدعی عضویت در سازمانهای شناخته شده بودند"، حذف کرده است.

۹۵- تاخت و تاز به مقاومت در قالب‌های میان‌تهی چپ‌نمایانه، ضدامپریالیستی و ضدجنگ، ترفند دیگر دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی رژیم است. ادارهٔ کلّ التقاط در وزارت اطلاعات و بخش امنیتی - دفاعی خبرگزاری سپاه پاسداران در سایتهای داخل و خارج کشور با اسامی گوناگون، بی‌دریغ، گفتمان‌هایی از این دست را ارائه می‌دهند. از قبیل «گردهمایی مجاهدین خلق در آلبانی، تأکیدی مجدد بر وابستگی و سقوط به قهقرای اپورتونسیسم!» و این که «با حمایت بولتون، سناتور سابق جان مک کین، رودی جولیان، و مجموعه‌یی از اقلیت جنگ طلب، مجاهدین خلق توانستند یک اردوگاه تعلیماتی بسته برای مقاصد خود در آلبانی به وجود آورند... همایش آلبانی در پی گردهمایی‌های پاریس بیشتر به نمایش‌های تلویزیونی و انتخاباتی غرب شبیه است که هدفی جز نمایش و خودفروشی در مقابل ارتجاعی‌ترین نمایندگان امپریالیستی و ایجاد توهم دربین معدود هواداران باقی ماندهٔ آنها ندارد» (بهزاد مالکی، ۱۵ مرداد ۱۳۹۸)

اما از تاریخ مصرف ترشحات «ضداستکباری» خمینی، که سرپوش به کرسی نشاندن قانون اساسی ولایت فقیه بود و حزب توده زیر علم آن سینه می‌زد، چهل سال گذشته است. موسوی در مقام نخست‌وزیر خمینی در جریان قتل عام زندانیان سیاسی «در موردشعارهای انقلاب اسلامی، از جمله آزادی قدس و مبارزه با استکبار، گفت: این شعارها باعث پیروزی انقلاب شد و ما را در معرکه توطئه‌ها پیروز کرد و همین شعارها امنیت و مصالح ملی ما را حفظ کرد. شعار "مرگ بر آمریکا" ... مهمترین ابزار برای مقابله با گروههای کمونیستی، مائوئیستی و منافقین بود و شعار "مرگ بر آمریکا" بیش از دستگاههای اطلاعاتی در از بین بردن این گروهها نقش داشته است» (جمهوری اسلامی، ۱۲ شهریور ۶۷).

اکنون اما، مردم در کوچه و خیابان «رو به میهن - پشت به دشمن» شعار می‌دهند: «دشمن ما همینجاست - دروغ میگن آمریکاست». از این‌رو، ترفندها و یاهو‌سراییه‌های ضد امپریالیستی دیگر اثر ندارد. به‌خصوص که همه می‌دانند رژیم آخوندها برای نابودی مقاومت از کمک گرفتن از هیچ شیطان کوچک و بزرگی فروگذار نکرده است. خواست مبرم رژیم از آمریکا قبل از جنگ ۲۰۰۳ در عراق بمباران مجاهدین و قرارگاه‌های ارتش آزادیبخش بود. پاسدار محسن رضایی، سخنگوی شورای عالی امنیت رژیم به ریاست آخوند خاتمی، در ۱۵ مرداد ۱۳۸۱ این درخواست را از آمریکا اعلام کرد و جزئیات آن در جریان جنگ و پس از جنگ توسط رسانه‌های آمریکایی، از جمله وال استریت ژورنال (۱۷ آوریل ۲۰۰۳) و واشینگتن پست (۱۸ آوریل ۲۰۰۳) علنی و برملا شده است.

بنابراین، لبّ کلام، که همان گناه اصلی مقاومت از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ به بعد است، همانا شعار سرنگونی و تبلیغ برای «تغییر رژیم» است؛ گناهی که ما به آن افتخار می‌کنیم و ربطی به امروز و دیروز و اروپا و آمریکا یا تغییرات در هیأت حاکمهٔ آمریکا نداشته و ندارد. شورا از همان روز تأسیس، خود را به عنوان آلترناتیو دموکراتیک و مستقل رژیم حاکم اعلام کرده و سنگین‌ترین بها را برای حفظ استقلال خود پرداخت کرده است.

در گردهمایی بزرگ مقاومت در ۹ تیرماه ۱۳۹۷ خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیدهٔ شورای ملی مقاومت برای دوران انتقال حاکمیت به مردم ایران، گفت: «در این ۴۰ سال، مدّعیانی، که اهل قیمت دادن نبودند، همه، شانس خود را آزمودند. ولی واقعیتها و تجربه‌ها، نشان داده که این رژیم تاریک و سیاه، نه استحاله و اصلاح می‌شود، نه "سبز" و "مخملی". سرنگونی این رژیم، لاجرم قیمت می‌خواهد؛ صداقت و فدا می‌خواهد؛ سازمان و تشکیلات و جایگزین مستحکم سیاسی می‌خواهد؛ قانون شورشی می‌خواهد و ارتش آزادی».

آقای مسعود رجوی نیز بارها اعلام کرده که: «تغییر و سرنگونی کار ایالات متّحده نیست و نمی تواند باشد. سیاست آمریکا تغییر رفتار رژیم و وادارکردن آن به مذاکره و مصالحه است. تجربه عراق به عنوان بزرگترین اشتباه سیاست خارجی آمریکا برای چند نسل کفایت است... از این رو، اگر کسی فکر می کند یا می خواهد چنین الفاکند که آمریکا به واقع در صدد سرنگون کردن رژیم و پرداختن قیمت آن است، یا اشتباه می کند و یا عمد دارد برای بهره برداری سیاسی خودش چنین قلمداد کند».

اکنون به روشنی می توان دید که بدون «تغییر رژیم» و پایبندی جدّی و عملی به سرنگونی فاشیسم دینی، آنچه از چپ نمایی های میان تهی باقی می ماند، هیچ چیز جز همدستی و همصدایی یا اتّحاد عمل عینی با دیکتاتوری ولایت فقیه نیست؛ رژیمی که مرتجع ترین و ضدّکارگری ترین دشمن و قاتل مردم ایران است.

فصل دهم:

چشم انداز تحولات، وظایف و تعهّدات ما

۹۶ - در حالی که طی یک قرن گذشته دیکتاتورهای شیخ و شاه حاکمیت جمهور مردم ایران را ربوده اند، اکنون زمان برخاستن برای به کرسی نشاندن حق آزادی و حاکمیت ملت ایران است. شورای ملی مقاومت، که نیروهای تشکیل دهنده اش از میان برپادارندگان حقیقی انقلاب بهمن و مقاومت کنندگان علیه سلطنت، به ویژه سلطنت غاصب خمینی هستند، برای رهایی به پاخاسته اند تا آینده ایرانی بدون وابستگی، بدون استبداد دینی، و با آزادی و حاکمیت مردم را، به هر قیمت، تضمین کنند. مردم و مقاومت ما با چهل سال ایستادگی و مقاومت بی سازش با سارقان انقلاب ایران، آنها را از نفس انداخته و خود پر نفس تر از همیشه، برای آزادی و دموکراسی و برقراری حاکمیت جمهور مردم قیام کرده اند. جنبش مقاومت پایدار مردم ایران با کانونهای شورشی و ارتش آزادی و جایگزینی دموکراتیک در صحنه عمل انقلابی و با مرزبندی اساسی «نه شاه - نه شیخ» و با تضمین و پشتوانه خون یکصد و بیست هزار شهید راه آزادی، مصمّم است دیکتاتوری دینی را سرنگون و ایران آزاد آینده را بنا کند.

۹۷ - شورای ملی مقاومت ایران، در آغاز سی و نهمین سال حیات خود، همچون سالهای گذشته، بار دیگر بر اساس برنامه و مصوّبات خود و با تأکید بر برنامه ۱۰ ماده پی خانم رجوی، خاطرنشان می کند: - ما بر اساس خط مشی اصولی خود مبنی بر مخالفت با هرگونه جنگ افروزی و لشکرکشی نظامی خارجی در ایران و مخالفت با هرگونه آلترناتیوسازی از جانب قدرتهای بزرگ، بر ضرورت قطع همه حمایتها و امداد رسانیها به دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران، تأکید می کنیم؛

- ما از مبارزه حق طلبانه کارگران و مزدبگیران علیه نظام حاکم و از مطالبات معلّمان، پرستاران، پزشکان و دیگر اقشار معترض و به پاخاسته میهنمان، حمایت و همبستگی خود را با آنان اعلام می کنیم. خواست کارگران ایران برای حق اعتصاب و حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و نظارت سازمان بین المللی کار بر حقوق کارگران ایران و لغو کار کودکان، از خواستههای دیرین شورای ملی مقاومت ایران است؛

- ما خواستار اقدام بی درنگ شورای امنیت ملل متحد به منظور جلوگیری از نقض حقوق بشر در ایران و بازدید هیأت های بین المللی و گزارشگر ویژه حقوق بشر از زندانهای ولایت خامنه ای و ملاقات با خانواده شهیدان و زندانیان سیاسی هستیم و از جامعه جهانی می خواهیم برای توقف اعدامهای خودسرانه به اقدام عملی و جدّی دست بزنند. چشم پوشی قدرتهای بزرگ از نقض حقوق بشر در ایران به بهانه توافق اتمی، محکوم و غیرقابل قبول است؛

- ما برای رفع تمامی آشکال تبعیض جنسیتی از زنان، برابری کامل زن و مرد در تمامی عرصه های حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و قضایی، لغو هرگونه تبعیض مذهبی و جدایی دین از دولت مبارزه می کنیم و دفاع پیگیر از آزادی بیان و اندیشه، آزادی اطلاع رسانی و نفی سانسور را وظیفه خود می دانیم؛

- ما از «خودمختاری داخلی به مفهوم رفع ستم مضاعف از همه شاخه ها و تنوعات ملّی وطنمان و تأمین جمیع حقوق و آزادیهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای آنها در چارچوب وحدت، حاکمیت و یکپارچگی تجزیه ناپذیر کشور» دفاع می کنیم؛

- ما از تلاش مدافعان بهبود محیط زیست برای جلوگیری از نابودی طبیعت و حفاظت و بهسازی محیط زیست قدردانی و حمایت می کنیم؛

- ما به اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور ملل متحد پایبندیم، از همزیستی مسالمت آمیز، صلح و همکاریهای بین المللی و منطقه یی حمایت می کنیم. ایران آزاد فردا غیراتمی و عاری از سلاحهای کشتار جمعی است.

۹۸ - ما بار دیگر در رابطه با قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ بر لزوم محاکمه آمران و عاملان این نسل-کشی سازمانیافته حکومتی، که از مصادیق بارز جنایت علیه بشریت است، تأکید می کنیم و از کمیسر عالی حقوق بشر می خواهیم که یک کمیسیون مستقل در مورد قتل عام سال ۶۷ تشکیل دهد. انتشار نوار صوتی آقای منتظری در گفتگو با اعضای هیأت مرگ در تابستان ۱۳۹۵، سند انکارناپذیر دیگری از این جنایت بزرگ است.

سند دیگر مصاحبه تیرماه ۱۳۹۶ آخوند علی فلاحیان، وزیر اطلاعات پیشین رژیم، است که با استناد به خمینی گفت: «اینها اصلاً محاکمه نمی خواهند... اینها حکمشان همیشه اعدام است، اصلاً حکم ولایی ایشان [خمینی] بود. چه قبل از این جریان ۶۷ چه بعدش، حکم اینها اعدام است، حتی اگر حاکم شرعی هم حکم به اعدام نداده باشد».

اظهارات اخیر مصطفی پورمحمدی، یکی از اعضای کمیته مرگ (وزیر کشور احمدی نژاد و وزیر دادگستری روحانی) نشان می دهد که محاکمه آمران و عاملان قتل عام ۶۷ تا کجا ضروری است. او در دوم مرداد ۱۳۹۸ گفت: «دشمنی از این (مجاهدین) بدتر هم می شود؟ در تمام دنیا چهره (نظام) را تخریب کردند. هیچ تخریبی در این ۴۰ سال اتفاق نیفتاده مگر آن که پای اصلی آن منافقین بوده است. ما هنوز تصفیه حساب نکرده ایم و بعد از تصفیه حساب این حرفها را پاسخ می دهیم. شوخی هم نداریم... ما به خاطر منافقین کلی شهید دادیم، تلفات دادیم، شکست خوردیم ... امروز هم منافقین خائن ترین دشمنان این ملت اند و باید جواب بدهند، باید پای میز محاکمه بیایند و به حساب تک تک آنها رسیدگی شود... وقت حرف زدن نیست... الآن وقت به حساب رسیدن است؛ وقت زمین گیر کردن و محاکمه کردن است؛ وقت بر سر جای نشان دادن دنیای جنایتکاری است که از تروریسم دفاع می کند».

مقاومت ایران از شورای امنیت ملل متحد مصرانه می خواهد که موضوع این «بزرگترین جنایت» تاریخ حاکمیت آخوندها را در دستور کار خود قرار داده و برای تحقیق و تعقیب و محاکمه سردمداران رژیم یک دادگاه ویژه تشکیل دهد.

۹۹ - شورا مانند سال گذشته اعلام می کند: راه حل عملی برای سرنگونی رژیم حاکم بر ایران در گام اول، به سازماندهی و تشکلیابی حول شعار محوری مبارزه منوط است. برای دستیابی به یک جمهوری آزاد و برابر، نه وقوع معجزه یی متصور است و نه شانس و تصادفی به سود ما در کار خواهد بود. تمام دارایی ما، ملت ایران است و فرزندان پیشتازش و این البته، بزرگترین قدرت جهان است. پس همه چیز را باید از دستها و اراده های خودمان انتظار داشته باشیم. از اینرو، شورا همه زنان و مردان ایران زمین و نیروهای سیاسی و رنگین کمان نیروهای اجتماعی و فرهنگی ایران را فرا می خواند تا پیرامون شعار محوری «مرگ بر اصل ولایت فقیه - مرگ بر دیکتاتور - مرگ بر خامنه ای»، در هزار و هزاران کانون شورشی و اشرف دیگر، متحد و متشکل شوند.

جنبش بیشماران و قیام مردم ایران، در هر کوی و برزن، در هر کارخانه و شهر و روستا و در هر اداره و مدرسه و دانشگاه، قادر است نظام اهریمنی، ضدّ مردمی و ضدّ ایرانی ولایت فقیه را به زیر کشیده و حاکمیت مردم را برقرار کند.

۱۰۰ - هم چنان که مسئول شورا در ۱۶ دی ۹۶ اعلام کرد: «شورای ملی مقاومت، به دور از هرگونه تنگ نظری و پافشاری بر مواضع و برنامه و مصوبات خود، پیوسته به جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی استبداد مذهبی فراخوان داده و آماده همکاری با همه نیروهای جمهوری خواهی است که با التزام به نفی کامل نظام ولایت فقیه و همه جناحها و دسته بندیهای درونی آن، برای استقرار یک نظام سیاسی دموکراتیک و مستقل و مبتنی بر جدایی دین از دولت، مبارزه می کنند.

شورای ملی مقاومت ایران
مرداد ۱۳۹۸